UNESCO Chair on Cyberspace and Culture: Dual-spacization of the World

همراه اول
MCI Mobile Communications of Iran

IE.E 2025

شنبه ۳ آبان

Saturday, 25 Oct.

هشتمین کنفرانس بین‌المللی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی

تفوق اذهان بر هوش مصنوعی- سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در فضاهای دیجیتال: ظرفیت‌ها و چالش‌های هوش مصنوعی برای طبیعت و زندگی طبیعی

The 8th International Conference on Media and Information Literacy

Minds Over AI - MIL in Digital Spaces: AI's Capacities and Challenges for Nature and Natural Life

اطلاع‌نامه کنفرانس

Conference Proceedings

دانشکده مطالعات جهان
مرکز پژوهش سیاست‌های فضای مجازی
انجمن ایرانی مطالعات جهان
موسسه مطالعات آمریکای شمالی و اروپا
کمیسیون ملی یونسکو - ایران
وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
ائتلاف سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی یونسکو
شبکه کرسی‌های یونسکو در حوزه ارتباطات
پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

۱۴۰۴ 2025

شنبه ۳ آبان

Saturday, 25 Oct.

هشتمین کنفرانس بین‌المللی سوادرسانه‌ای و اطلاعاتی

The 8th International Conference on Media and Information Literacy

اطلاع‌نامه کنفرانس

Conference Proceedings



2025 | ۱۴۰۴

Saturday, 25 Oct.

شنبه ۳ آبان

The 8th International Conference on Media and Information Literacy

هشتمین کنفرانس بین‌المللی سوادرسانه‌ای واطلاعاتی

Conference Principal and Chair of the Academic Committee
Prof. Saied Reza Ameli

Academic Committee
Dr. Behzad Ahmadi
Prof. Arthur Asa Berger
Prof. Hasan Bashir
Dr. Mohammad Samiei
Dr. Ehsan Shahghasemi
Dr. Shao Sabbar
Dr. Alireza Abdollahinejhad
Prof. Luciano Flouridi
Prof. Andrew Feenberg
Prof. Masoud Kosari
Prof. Mohammad Marandi
Dr. Hamideh Mollaei

Chair of the Executive Committee
Dr. Brehzad Ahmadi

Executive staff
Manijeh Akhavan, Zahra Jalalzade
Reza Shojaei, Samaneh Shafiei
Feizollah Mahmoudi, Hamid Nirouei

Collaborating students
Hossein Ebrahimi, Parisa Ehteshamniya,
Shayan Asadi, Mina Otaadi,
Fereshteh Abniki, Ghazaleh Ghafouri,
Erfan Azimi, Yasin Ghanizadeh,
Bagher Salehi

رئیس و دبیرعلمی همایش
دکتر سعیدرضا عاملی

کمیته علمی همایش
دکتر بهزاد احمدی
دکتر آرتور آسابرگر
دکتر حسن بشیر
دکتر محمد سمیعی
دکتر احسان شاه‌قاسمی
دکتر شاهو صبار
دکتر علیرضا عبدالهی‌نژاد
دکتر لوچیانو فلوریدی
دکتر اندرو فینبرگ
دکتر مسعود کوثری
دکتر محمد مرندی
دکتر حمیده مولایی

دبیراجرایی همایش
دکتر بهزاد احمدی

کادراجرایی
منیژه اخوان، زهرا جلال‌زاده،
رضا شجاعی، سمانه شفیعی،
فیض‌اله محمودی، حمید نیرویی

دانشجویان همکار
حسین ابراهیمی، پریسا احتشام‌نیا،
شایان اسدی، مینا اوتادی،
فرشته آب‌نیکی، غزاله غفوری،
عرفان عظیمی، یاسین غنی‌زاده،
باقر صالحی

©

Proceedings of the 8th International Conference on Media and Information Literacy
First published in Tehran in 2025
by Faculty of World Studies, University of Tehran

All rights reserved. No part of this book may be reprinted or reproduced or utilized in any form or by any means electronic, mechanical, or other means, now known or hereinafter invented, including photocopying and recording, or in any information storage or retrieval system, without permission in writing from the publishers.

©

اطلاع‌نامه هشتمین کنفرانس بین‌المللی سواد رسانه‌ای واطلاعاتی
اولین انتشار در تهران، ۱۴۰۴
توسط دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

همه حقوق محفوظ است. بدون مجوز کتبی ناشر نمی‌توان هیچ بخشی از این متن را چاپ یا تولید مجدد کرد یا در هر شکلی یا توسط هر وسیله الکترونیکی، مکانیکی یا دیگر ابزارها که تا اکنون شناخته شده و یا در آینده اختراع خواهد شد، از جمله فتوکپی و ضبط یا برای ذخیره در سیستم‌های اطلاعاتی یا بازیابی مورد استفاده قرار داد.

٤-٤٤ 4-44

بخش فارسی Persian Section

فهرست مطالب

۷ | **سعیدرضا عاملی** | پیام رئیس کنفرانس

۱٤ | **منیژه اخوان** و **مجتبی حاجی‌جعفری** | چرخه‌های خودارجاعی و بحران اعتبار دانشی در سامانه‌های آموزش‌یافته بر داده‌های مصنوعی

۱۵ | **مینا اوتادی** و **سید امیربهادر هاشمی** | فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی آموزش عالی روسیه در توسعه هوش مصنوعی

۱٦ | **مرجان بدیعی ازنداهی** و **مریم سلمانیان** | جغرافیاهای پساحقیقت و هوش مصنوعی

۱۷ | **مجتبی حاجی‌جعفری** | برساخت واقعیت و بحران معرفت در عصر پساحقیقت؛ واکاوی عملکرد هوش مصنوعی مولد و پیامدهای آن بر اعتماد علمی در ایران

۱۸ | **منصوره حجاری** | بازاندیشی چارچوب‌های شایستگی دیجیتال؛ مقابله با اطلاعات نادرست و دستکاری در عصر هوش مصنوعی

۱۹ | **اعظم راودراد** | هوش مصنوعی و سینما؛ هم‌گرایی تکنیک و فرهنگ

۲۰ | **رحمن زنگنه** | الگوی بهینه حکمرانی فضای سایبری در ایران: تحلیل سه‌سطحی مبتنی‌بر نقش‌آفرینی سطوح حاکمیتی، دولتی و مشارکتی

۲۱ | **پیام زین‌العابدینی** | سینما در عصر دیجیتال؛ بازنمود واقعیت‌های ترکیبی و روایت‌های مصنوع

۲۲ | **بهاره سازمند** | هوش مصنوعی و چارچوب ملی تحول دیجیتال سیاستگذاری اندونزی؛ طرح رویکرد بومی هوش مصنوعی

۲۳| **علی شاکر** و **سروش شاکر** | از سواد انتقادی تا حکمت وجودی: بازتعریف سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در عصر افق بی‌پایان خواسته‌ها با هوش مصنوعی مولد

۲٤ | **ندا شفیعی** و **مجتبی حاجی‌جعفری** | اقتصاد سیاسی هوش مصنوعی و ظهور نیروی کار نامرئی در عصر داده‌های رایگان

۲۵ | **پریسا صبری** | نقش هوش مصنوعی در دستیابی به اهداف توسعهٔ پایدار در فدراسیون روسیه؛ گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر

۲٦ | **محمدکاظم صیادی** | آینده مشاغل و مشاغل آینده از دیدگاه هوش مصنوعی

۲۷| **احمد غیاثوند** و **محمدسجاد باقی** | زیست دوفضایی و آیندهٔ آگاهی انسانی در ایران معاصر؛ بازاندیشی در نسبت ذهن و ماشین

۲۸| **عاطفه فرازمند** | نقش هوش مصنوعی در تحول حکمرانی دیجیتال و اعتماد شهروندی

۲۹ | **محمدحسین قربانی زواره** و **نفیسه محمدی** | جنگ شناختی و فریبکاری توانمندشده با هوش مصنوعی؛ تعامل انسان و ماشین در جنگ شناختی: تحلیل ظرفیت‌های هوش مصنوعی در مواجهه با فریب اطلاعاتی و ادراک‌سازی

۳۰ | **محمدعلی قَنامی‌زاده فلاحی** | واقعیت‌های فریبنده؛ جنگ شناختی توانمند با هوش مصنوعی در دیپلماسی: مطالعات موردی دیپ‌فیک زلنسکی و دیپلماتیک با سناتور کاردین

۳۱ | **امیر گروسی**، **عین‌اله کشاورز ترک** و **محمود جمالی** | آینده اعتماد عمومی به رسانه‌ها در عصر هوش مصنوعی؛ سناریوهای محتمل برای ایران در افق ۱۴۱۵ش

۳۲ | **غلامرضا مبارکی، حسین هنرور** و **ربابه پورجبلی** | اطلاعات نادرست و پیامدهای اجتماعی آن؛ واکاوی نقش سواد رسانه‌ای و اعتماد رسانه‌ای در میان شهروندان تهران

۳۳| **نیلوفر مراد حاصل** | هوش مصنوعی و عدالت اجتماعی در عصر تحول دیجیتال

۳٤ | **اعظم‌السادات مرتضوی کهنگی** | ابعاد اخلاق در هوش مصنوعی و آثار آن بر اخلاق فناوری

۳۵ | **حمیرا مقدمی** | نهادهای دانش عمومی و هوش مصنوعی انسان‌محور؛ مسیرهایی به‌سوی جوامع دانشی فراگیر و پایدار

۳٦ | **احمدرضا میرزایی** و **فرزانه شریفی** | سواد انتقادی دیجیتال به‌مثابه سپر دفاعی؛ نقش آموزش رسانه‌ای در مواجهه با عملیات روانی هوش مصنوعی

۳۷ | **حسین میرزایی** | قبیله‌های الگوریتمی؛ مطالعه‌ای مردم‌شناختی از شکاف نسلی و بی‌اعتمادی در گفتمان دیجیتال ایرانی

۳۸ | **علی‌اشرف نظری** | هوش مصنوعی و مسئله فساد سیاسی؛ تحلیل ظرفیت‌ها و چشم‌اندازهای احتمالی

۳۹ | **محمد نوری** و **منیره شاکری‌فر** | نهادهای دانش عمومی و نقش آنها در ارتقای سواد اطلاعاتی در مواجهه با روایت‌های مصنوع هوش مصنوعی

٤۰ | **مهدی نوری چورتی** و **سارینا شاکری آستانی** | ضرورت سواد انتقادی در مقابله با عملیات روانی مبتنی‌بر هوش مصنوعی

٤۱ | **محمدرضا وفائی** و **انسیه پولادزاده** | از ابژه الگوریتمی تا سوژه کنشگر؛ معماری عاملیت انسانی بر شالوده آمادگی شناختی

٤۲ | **هاله هلالی اصفهانی** و **رسول وطن‌دوست** | آینده‌پژوهی هوش مصنوعی و زمان مجازی در عصر دیجیتال؛ صیانت از ارزش‌های تاریخی و اصالت میراث فرهنگی

٤۳ | **نواب همتیان** و **مازیار رستمی** | مداخله‌های بازارگاه‌های پلتفرمی دیجیتال در الگوهای ذهنی و شناختی

٤٤ | **علیرضا یاری** | هوش مصنوعی و بررسی ابعاد کلی اثرگذاری آن

پیام رئیس کنفرانس

به نام خدا

فلسفه هوش مصنوعی و دیپلماسی تمدنی: الگوریتم‌های صلح و عاری از تخریب انسان و طبیعت

دکتر سعید رضا عاملی
استاد گروه ارتباطات و مطالعات جهانی دانشگاه تهران و
رئیس هشتمین همایش سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای
ssameli@ut.ac.ir

فلسفه هوش‌مصنوعی

هوش مصنوعی هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی و کاربردی یک پدیده در حال رشد و تکامل است. اگر چه با رویکرد همیشگی اروپامحورانه، ظهور اصطلاح «هوش مصنوعی» را به جان مك‌کارتی و «پروژه تحقیقاتی تابستانی دارتموث در مورد هوش مصنوعی[1]» نسبت می‌دهند (مک-کارتی و همکاران، ۱۹۵۵)، اما ریشه‌های آن به پیش از این زمان و سنت‌های فکری متعددی بازمی‌گردد. در طول تاریخ، برخی تلاش‌ها برای رهایی انسان از کار دستی و فکری قابل پیگیری است. برای نمونه، در چین باستان تجهیزات و ابزارهای مکانیکی بسیاری مانند چرتکه برای کمك به انجام کارهای فکری اختراع شد[2] (توماس، ۲۰۱۶؛ لیونز، ۲۰۰۱).

اما فلاسفه نخستین کسانی بودند که به دنبال توسعه سیستم‌های محاسباتی معتبر برای ایده‌ها و مفاهیم برآمدند. در این روند، ارسطو، نخستین کسی بود که سیستم رسمی «استدلال قیاسی» را در ارغنون مطرح کرد (راسل و نورویگ، ۲۰۲۲؛ دیویس، ۱۹۹۸؛ لازی، ۱۳۹۶)؛ دستگاه استدلالی بعدی توسط رامون لول[3]، فیلسوف و مبلغ دینی در قرون وسطی (حدود ۱۲۳۲-۱۳۱۵) ساخته شد که یک سیستم استدلال با عنوان «آرس ماگنا[4]» بود که از گردون‌های[5] کاغذی تشکیل شده بود و روی هر ورقه، مفاهیمی بر اساس اشتراکات دینی اسلام، مسیحیت، یهودیت نوشته شده بود که در هر چرخش، ترکیبات جدیدی از مفاهیم ایجاد می‌شد که پایه استدلال‌هایی قرار می‌گرفت، به‌طوری که رد کردن آنها توسط پیروان ادیان مختلف به راحتی ممکن نباشد (راسل و نورویگ، ۲۰۲۲؛ فیدورا و سیرا، ۲۰۱۱)؛ نقطه عطف بعدی در این روند، طراحی و توسعه ماشین حساب‌های مکانیکی بود. لئوناردو داوینچی نخستین کسی بود که طرح اولیه یک ماشین حسابی مکانیکی را در حدود سال ۱۵۰۰ ترسیم کرد (راسل و نورویگ، ۲۰۲۲). سپس نمونه‌های عملی آن توسط ویلهلم شیکارد[6]، دانشمند آلمانی (۱۵۹۲-۱۶۳۵)، بلیز پاسکال[7]، فیلسوف و ریاضیدان فرانسوی (۱۶۲۳-

---

[1] Dartmouth Summer Research Project on Artificial Intelligence

[2] هرچند محققان مختلف چرتکه را نخستین ماشین حساب می‌دانند، اما معتقدند که چرتکه ماشین نیست و نمی‌تواند بدون انسان کاری را انجام دهد (لیونز، ۲۰۰۱) و هرچند آرایش مهره‌های آن بر اساس سیستم ده‌دهی است، اما فرایند محاسبه آن به معنای دقیق کلمه، نمادین نیست (توماس، ۲۰۱۶).

[3] Ramon Llull
[4] Ars Magna
[5] Paper Wheels
[6] Wilhelm Schickard
[7] Blaise Pascal

۱۶۶۲) و گوتفرید ویلهلم لایب‌نیتس[1]، فیلسوف و ریاضیدان خردگرای آلمانی (۱۷۱۶-۱۶۴۶) ساخته شد. ماشین حساب شیکارد قادر به انجام عملیات حساب، یعنی جمع، تفریق، ضرب و تقسیم بود؛ ماشین حساب پاسکالین[2] می‌توانست تا اعداد هشت رقمی را جمع و تفریق کند (راسل و نورویگ، ۲۰۲۲؛ افراح، ۲۰۰۱)؛ و ماشین حساب لایب‌نیتس نیز توانایی ضرب و تقسیم را به جعبه حساب پاسکال اضافه کرد (لیونز، ۲۰۰۱). همچنین لایب‌نیتس ماشینی مکانیکی ساخت که به جای محاسبه اعداد، برای محاسبه مفاهیم و ایده‌ها طراحی شده بود (دیویس، ۱۹۹۸).

از سوی دیگر، در سنت فکری خردگرایی و به دنبال مطرح شدن دوگانه ذهن و ماده[3] رنه دکارت، فیلسوف خردگرای فرانسوی (۱۶۵۰-۱۵۹۶)، تلقی ماشینی از بدن انسان (ماده) مورد توجه قرار گرفت (مگی، ۱۳۹۸). به دنبال آن، ماده‌گرایانی چون توماس هابز[4]، فیلسوف انگلیسی (۱۶۷۹-۱۵۸۸)، در چارچوب نگرش مکانیکی به جهان، نشان داد که نه فقط ماده، بلکه کل جهان اعم از ذهن و ماده، در واقع یک ماشین عظیم است و «همه فرایندهای مغزی نیز حرکت ماده در درون کاسه سر انسان هستند» (مگی، ۱۳۹۸: ۷۹). در ادامه، در تقاطع دو سنت خردگرایی و ماده‌گرایی، این فرض میانی مطرح شد که ذهن انسان یک سیستم فیزیکی است که فهم آن از قوه فهم انسانی فراتر است و این سیستم فیزیکی، بر اساس دانش موجود در خودش استدلال می‌کند. بنابراین مسئله منبع دانش ذهن انسان مورد توجه قرار گرفت (راسل و نورویگ، ۲۰۲۲). در پاسخ به این پرسش، تجربه‌گرایان متأثر از اندیشه فرانسیس بیکن[5]، فیلسوف انگلیسی (۱۶۲۶-۱۵۶۲)، به حواس انسان رسیدند و برای مثال، جان لاک، فیلسوف انگلیسی (۱۷۰۴-۱۶۳۲) نشان داد که تمام محتوای ذهن انسان از تجربه حاصل می‌شود (مگی، ۱۳۹۸) یا دیوید هیوم، فیلسوف شک‌گرای اسکاتلندی (۱۷۷۶-۱۷۱۱)، مطرح کرد که قواعد کلی از طریق استقراء و مشاهده بدست می‌آیند (راسل و نورویگ، ۲۰۲۲). همچنین در سنت فلسفی دیگری که بر پایه تحلیل معنا، زبان و منطق بود، متأثر از آموزه‌های فلسفی لودویگ ویتگنشتاین[6]، فیلسوف اتریشی (۱۸۸۹–۱۹۵۱) و برتراند راسل[7]، فیلسوف و ریاضیدان انگلیسی (۱۸۷۲–۱۹۷۰) که پایه شکل‌گیری حلقه وین[8] و دکترین «پوزیتیویسم منطقی[9]» بود (راسل و نورویگ، ۲۰۲۲)، چارچوب منطقی ـ زبانی دقیق به پوزیتیویسم اضافه شد (لیونز، ۲۰۰۱) و تلاش شد تا بنیان‌های فلسفی برای جهان‌بینی علمی به عنوان منبع دانش بوجود آید (مگی، ۱۳۹۸).

جایگاه منطق و دانش محاسبات در توسعه مفهوم هوش مصنوعی

هرچند سهم فلاسفه در توسعه ایده‌ها و مفاهیم هوش مصنوعی چشمگیر است، اما در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود که مفاهیم منطق و احتمالات به زبان ریاضی تبدیل شدند و شاخه‌ای از ریاضیات با عنوان محاسبات[10] شکل گرفت. محاسبات تاریخ طولانی‌تری دارد و قدمت آن به تاریخ اعداد بازمی‌گردد. اما نقطه عطف در تاریخ محاسبات، به کار محمد بن موسی خوارزمی، ریاضیدان ایرانی ـ اسلامی سدهٔ نهم میلادی (حدود ۷۸۰-۸۵۰ میلادی/ ۱۵۸-۲۲۹ش)، باز می‌گردد که آثارش از جمله جبر و مقابله (کتاب المختصر فی حساب الجبر و المقابله) و جمع و تفریق با اعداد هندی (الجمع و التفریق بالحساب الهند)، زمینه آشنایی اروپائیان با اعداد عربی و جبر را فراهم کرد. او نخستین کسی است که «صورتبندی یک محاسبه به مثابه یک الگوریتم صوری» را

[1] Gottfried Wilhelm Leibniz
[2] Pascaline
[3] Mind and matter
[4] Thomas Hobbes
[5] Francis Bacon
[6] Ludwig Wittgenstein
[7] Bertrand Russell
[8] Vienna Circle/ Wiener Kreis
[9] Logical positivism
[10] Computation

ارائه داد (الخوارزمی، ۱٤۰۵ق؛ راسل و نورویگ، ۲۰۲۲؛ توماس، ۲۰۱۰). با قبول اینکه هوش مصنوعی ریاضیات بنیان است و محصول کدنویسی و تدابیر ارتباطی بین نقاط تعامل است، منصفانه است که خوارزمی، حکیم ایرانی را پایه‌گذار هوش مصنوعی بدانیم. کار محمد بن موسی خوارزمی در نزدیک به دوازده قرن پیش، قاعده جدید چند مرحله‌ای برای حل مسئله است که شباهت نزدیکی با فرآیندهای ذهن انسان در رسیدن به پاسخ در مواجهه با مجهولات دارد.
همچنین در تاریخ ریاضیات، منطق بولی[1] که جورج بول[2]، ریاضیدان و فیلسوف انگلیسی (۱۸۱۵-۱۸٦٤)، مطرح کرد و منطق مرتبه اول[3] یا منطق محمولات که توسط گوتلوب فرگه[4]، ریاضیدان و فیلسوف آلمانی (۱۹۲۵-۱۸٤۸) معرفی شد، در توسعه بنیان‌های ریاضیاتی هوش مصنوعی نقش چشمگیری دارند. علاوه بر این، توسعه نظریه احتمالات و علم آمار که به این پرسش پاسخ می‌دادند که چگونه می‌توان با اطلاعاتی که قطعیت ندارند، استدلال معتبر کرد یا توسعه قضایای ناتمامیت و یا نظریه پیچیدگی محاسباتی که نشان می‌دادند اصولاً چه چیزی محاسبه‌پذیر است، در توسعه هوش مصنوعی اهمیت دارد (راسل و نورویگ، ۲۰۲۲).

نقش سایر علوم در ظرفیت‌های هوش مصنوعی

همین‌طور هوش مصنوعی در مسیر توسعه خود از مبانی علم اقتصاد نیز بهره برده است، بویژه جایی که با کنش و تصمیم‌گیری مرتبط می‌شود. برای مثال، هوش مصنوعی از نظریه مطلوبیت (دیویس، ۱۹۹۸)، نظریه تصمیم، نظریه بازی‌ها[5] یا مفهوم تصمیم‌گیری رضایت‌بخش[6] که در علم اقتصاد اهمیت زیادی دارند، در ارتباط با تصمیم‌گیری ماشین کمک می‌گیرد (راسل و نوریگ، ۲۰۲۲؛ سایمون، ۱۹۹۷).
نوروساینس یا علوم اعصاب یکی دیگر از بنیان‌های هوش مصنوعی محسوب می‌شود و یافته‌های عصب‌شناسان به آن دسته از دانشمندان هوش مصنوعی که به دنبال بررسی «چگونگی پردازش اطلاعات در مغز انسان» هستند، کمک کرده است تا به بینشی در این زمینه دست یابند. همچنین روانشناسی همواره مورد توجه توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی بوده، چرا که یافته‌های تحقیقات علمی آن و پاسخ‌هایی که به این پرسش بنیادین ارائه می‌دهد که «انسان چگونه فکر و عمل می‌کند»، چارچوبی برای درک فرایندهای ذهن انسان فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، پاسخی که مهندسان کامپیوتر به این پرسش می‌دهند که «چگونه می توانیم یک کامپیوتر کارآمد[7] بسازیم؟»، مسیر پیشرفت هوش مصنوعی را هموار کرده است. یا نظریه کنترل و سایبرنتیک با پاسخ به این پرسش که «چگونه مصنوعات می‌توانند تحت کنترل خودشان عمل کنند؟»، به توسعه هوش مصنوعی کمک زیادی کرده است و درنهایت، یافته‌های زبانشناسان به این مسئله که «زبان چگونه با فکر مرتبط است»، به دانشمندان هوش مصنوعی بینش‌های سودمندی ارائه کرده است (راسل و نورویگ، ۲۰۲۲).

طرح جدید برای شکل گیری هوش مصنوعی

با روایت مقطعی و اروپامرکزانه، ایده هوش مصنوعی توسط آلن تورینگ (۱۹۵۰) با طرح این پرسش که «آیا ماشین می‌تواند فکر کند؟» و همچنین ارائه آزمون تورینگ بنیان نهاده شد. در ۱۹۵۶، مک‌کارتی، ماروین مینسکی، کلود شانون و ناتانیل راچستر در «پروژه تحقیقاتی تابستانی دارتموث

[1] Boolean, logic
[2] George Boole
[3] First-order logic
[4] Gottlob Frege
[5] Game Theory
[6] Satisficing
[7] Efficient

در مورد هوش مصنوعی»، رسماً اصطلاح هوش مصنوعی را معرفی کردند (مک کارتی و همکاران، ۱۹۵۵). در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، هوش مصنوعی با توسعه سیستم‌های حل مسئله و اثبات قضیه رشد کرد، اما در دهه ۱۹۸۰ به دلیل ناکامی‌ها و محدودیت سخت‌افزاری وارد دوران «زمستان هوش مصنوعی» شد (راسل و نورویگ، ۲۰۲۲). بازگشت هوش مصنوعی در دهه ۱۹۸۰ با ظهور سیستم‌های خبره و سپس در دهه ۱۹۹۰ با پیروزی رایانه ای. بی. ام دیپ بلو در برابر کاسپاروف نمود یافت (نیلسون[1]، ۲۰۱۰). در دهه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، پیشرفت چشمگیر در شبکه‌های عصبی و یادگیری عمیق منجر به توسعه فناوری‌هایی چون تشخیص چهره و ترجمه ماشینی شد (گودفلو و همکاران، ۲۰۱۶). از سال ۲۰۲۰ به بعد نیز مدل‌های بزرگ زبانی و هوش مصنوعی مولد مانند GPT و DALL-E، هوش مصنوعی را به سطحی نوین رساندند (اولسن، ۲۰۲۴). در واقع از دهه ۱۹۸۰، هوش مصنوعی بعنوان علم و دانش ذهن و همانندسازی همه قابلیت‌های هوش انسانی مطرح می‌شود که در پیوند با ماهیت واقعی ذهن و هوش و رفتار برخاسته از هوش مصنوعی محسوب می‌شود (پوتنام[2]، ۱۹۶۷؛ سرل[3]، ۱۹۸۰).

درحقیقت، هرچند هوش مصنوعی حوزه جدیدی از علم و نوآوری محسوب می‌شود، ولی ایده‌ها، نظرات و تکنیک‌های زیادی را از دانش گذشته وام گرفته است و ریشه در مسیر رشد، نوآوری و بلوغ حوزه ترکیبی دانش فلسفه، روانشناسی، ریاضیات، فیزیک، جبر و علوم محاسباتی مثل علوم رایانه و علوم شناختی است که امروز امتداد فراگیری در همه علوم، خصوصاً علوم مرتبط با حکمرانی (بولاک و همکاران، ۲۰۲۴؛ عاملی، ۱۴۰۴ب)، علوم دفاعی (گارسیا، ۲۰۲۴؛ عاملی، ۱۴۰۴ج)، مدیریت شهری (کوگورولو و همکاران، ۲۰۲۴)، فرآیندهای صنعتی (سولداتوس، ۲۰۲۴؛ تیاگی و همکاران، ۲۰۲۴؛ عاملی، ۱۴۰۰)، بیمارستانی (بلسیوک، ۲۰۲۴) و حوزه‌های مرتبط با انواع سرگرمی‌ها و گذران اوقات فراغت است (دیویدسن، ۲۰۲۴) که خود را به پیگره الگوریتمی فکر انسان نزدیک می‌کنند (عاملی، ۱۴۰۰؛ عاملی، ۱۴۰۴الف).

به عنوان نتیجه‌گیری: پیشرفتگی تمدنی هوش‌مصنوعی با پرهیز از تخریب انسان و زندگی طبیعی

به هر حال هوش مصنوعی در سیر تدور خود به یک ظرفیت بالائی نظیر قابلیت‌های ذهن انسان رسیده است که بصورت خودکار می‌تواند به راه‌حل مناسب در ارتباطات انسانی دست پیدا کند. در عرصه «تفوق اذهان بر هوش‌مصنوعی ـ سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در فضاهای دیجیتال: ظرفیت‌ها و چالش‌های هوش‌مصنوعی برای طبیعت و زندگی طبیعی» محورهای جدی مطرح است که هم ناظر بر امیدواری به دست‌آوردهای فناوری‌های هوشمند برای تسهیل زندگی انسان و بالا بردن دقت برای انجام امور عادی و تخصصی زندگی است و هم نگرانی‌های را ناظر بر پرهیز از تفوق هوش‌مصنوعی بر انسان و زندگی طبیعی انسان و همچین زیست بومی طبیعی زندگی، طرح می‌کند. سئوال اساسی این است که هوش مصنوعی چقدر قدرت تمیز و تشخیص خوبی از بدی، صلاح از فساد، عدالت از ظلم و از همه مهمتر پرهیز از سلطه و جنگ و حرکت به سمت صلح و آرامش را دارد. پاسخ روشن است، هوش مصنوعی تابع نظامات تدبیر شده برنامه‌ای است و مثل هوش طبیعی انسان هم قابلیت حل مسئله و گره‌گشائی از ابهامات و موانع رشد زندگی را دارد و همه امکانی است برای نیرنگ‌های هوشمند در جهت تخریب زندگی انسان و حتی ابزاری برای جنگ‌های هوشمند با دقت الگوریتمی برای نابودی جامعه انسانی است. به تعبیری دیگر می توان گفت هوش مصنوعی امروز محمل تأمین الگوریتم‌های تسهیل‌کننده زندگی مردم و توزیع عادلانه منابع و پاسخگویی عاقلانه به امور است و در عین حال می‌تواند همزمان ظرفیتی برای الگوریتم

[1] Nilsson
[2] Putnam
[3] Searle

کردن انحصار و سلطه بر دیگری و حتی در شکل فاجعه‌آمیز آن کشتار انسان‌ها و حتی کشتار از جنس ترور و کشتار جمعی باشد (عاملی، ۱۴۰۴ب).
چگونگی عملکرد هوش‌مصنوعی بستگی به اهداف و کدهای طراحی شده دارد. هوش مصنوعی می تواند طراحی برای کاهش تخریب محیط زیست، بهره‌وری متعالی و کاهش دهنده اسراف در مصرف منابع طبیعت و همچنین می‌تواند خالق الگوریتم‌های منتهی به سلطه شناختی بر انسان‌ها، غیرطبیعی کردن زندگی و خطرآفرینی برای انسان‌ها در روش‌های نوین دفاعی و نظامی برای ترور و از بین بردن انسان‌ها شود (عاملی، ۱۴۰۲؛ عاملی، ۱۴۰۴الف). بر این اساس لازم است مقررات‌گذاری‌های جدی در سطوح بین‌المللی صورت گیرد که منع قانونی برای استفاده تخریب کننده انسان و طبیعت را تدبیر کند. دامنه این تخریب بسیار گسترده و دارای مصادیق بسیار مهمی است. امروز جامعه انسانی و حتی زیست‌بوم طبیعت نیازمند رویکرد «هوش تمدنی مبتنی بر الگوریتم‌های صلح و مبرا از هرگونه اقدام منتهی به ضایع کردن حقوق انسان و طبیعت» است.

****

در پایان یادآور می‌شود هشتمین کنفرانس بین‌المللی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی که تحت عنوان تفوق اذهان بر هوش‌مصنوعی ـ سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در فضاهای دیجیتال: ظرفیت‌ها و چالش‌های هوش‌مصنوعی برای طبیعت و زندگی طبیعی برگزار می‌شود، تلاشی در مسیر تعریف ظرفیت‌های و چالش‌های هوش مصنوعی خصوصا برای صیانت از زندگی طبیعی است. بدیهی است چنین نگاهی مستلزم فهم عمیق هوش‌مصنوعی است که از ماهیت رقومی، الگوریتمی، محاسباتی، شناختی، راهبردی و اثرگذار برخوردار است که نظامات زندگی در معرض تغییرات جدید قرای می‌دهد و نظامات جدیدی مبتنی بر تأمین سلامت زندگی و در عین حال تسهیل در روابط و فرآیندهای اداری و باز تعریف دولت و عملکردها و خدمات دولت محسوب می‌شود. از این منظر سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی و در یک نگاه دقیق‌تر و روزآمدتر، سواد هوش مصنوعی و فهم الگوریتم‌های حکمرانی و مدیریت ساحت‌های مختلف زندگی در بستر ارائه خدمت اداری و مرتبط با حوزه‌های کسب و کار، سلامت و مدیریت شهری و صنعتی، سطح جدیدی از سواد را نه فقط برای متخصصین امر، بلکه برای کلیه کاربران هوش مصنوعی رقم می‌سند. همچنین پرهیز از منفعل شدن انسان و سیطره هوش‌مصنوعی برا ابعاد طبیعی و اخلاقی زندگی از اهمیت ویژه برخوردار است. تعالیم دینی و الهی می تواند مسیر و نحوه استفاده از هوش مصنوعی را به نفع سلامت و سعادت انسان مسیرسازی نماید.
در هشتمین کنفرانس بین‌المللی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی که سخنرانان کلیدی و سایر اندیشمندان مشارکت کننده، ابعاد جدیدی از سواد را در پیوند با هوش مصنوعی طرح می‌کنند که بسیار جدید و تعین‌بخش در مسیر زندگی جامعه ایرانی و جامعه جهانی خواهد بود. در این کنفرانس در مجموع ۴۳ چکیده فارسی و ۴۷ چکیده انگلیسی از ۶ کشور جهان دریافت شد. بخشی از چکیده‌های پذیرفته‌شده در ۸ نشست تخصصی ارائه می‌شود که بطور حتم دانش‌آفرینی جدیدی را رقم خواهد زد.

کتابنامه منابع

الخوارزمی، محمد بن موسی (۱۴۰۵ه.ق./۱۹۸۵). *الکتاب المختصر فی حساب الجبر و المقابله*. بیروت: دارالتوحید.
عاملی، سعید رضا (۱۴۰۰). هوش مصنوعی؛ چیستی، فلسفه و اهمیت. *ره‌آورد نور*، دوره ۲۰، شماره ۷۷، شماره پیاپی ۹۴، زمستان ۱۴۰۰، صص ۱۵-۲۲.

عاملی، سعید رضا (۱۴۰۲). *ماهیت هوش مصنوعی و کاربردهای آن در رسانه‌های جدید*. سومین همایش هوش مصنوعی با عنوان حکمرانی رسانه در عصر هوش مصنوعی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۵ دی، تهران.

عاملی، سعید رضا (۱۴۰۴الف). *سخنرانی در همایش ملی هوش مصنوعی ارتباطات انسان- ماشین و آینده آن*. انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۳ خرداد.

عاملی، سعید رضا (۱۴۰۴ب). *سخنرانی در دهمین نشست مدرسه حکمرانی مجازی با موضوع هوش مصنوعی و حکمرانی اسلامی ایرانی پیشرفت*. دفتر تبلیغات اسلامی، تهران، ۲۱ اردیبهشت.

عاملی، سعید رضا (۱۴۰۴ج). *سخنرانی در همایش جنگ شناختی و امنیت ملی*. دانشگاه عالی دفاع ملی، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴.

لازی، جان (۱۳۹۶). *درآمدی تاریخی به فلسفه علم*. ترجمه علی پایا با همکاری جلال بشارتی، تهران: سمت، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

مگی، براین (۱۳۹۸). *سرگذشت فلسفه، داستان جذاب ۲۵۰۰ سال فلسفه مغرب زمین، از یونان باستان تاکنون*. ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر نی.

Belciug, S. (2024). *The Hospital Manager's Guide to Artificial Intelligence: Concepts, Methods, and Techniques* (Intelligent Systems Reference Library, Vol. 263). Springer Nature Switzerland.

Bullock, Justin B., et al (eds) (2024). *The Oxford Handbook of AI Governance*. Oxford University Press.

Cugurullo, F., et al (Eds.). (2024). *Artificial Intelligence and the City: Urbanistic Perspectives on AI.* Routledge.

Davidson, D. (2024). *AI in Entertainment: Revolutionizing Content, Gaming, and Special Effects.* Pure Water Books.

Davis, R. (1998). What Are Intelligence? And Why?. *AI Magazine, 19*(1), 91-110.

Fidora, A., & Sierra, J. (2011). *Ramón Llull: From the Ars Magna to Artificial Intelligence.* Barcelona: Artificial Intelligence Research Institute (IIIA-CSIC).

Garcia, D. (2024). *The AI Military Race: Common Good Governance in the Age of Artificial Intelligence.* United Kingdom: Oxford University Press.

Goodfellow, I., Bengio, Y., & Courville, A. (2016). *Deep learning.* MIT Press.

Ifrah, Georges (2001). *The Universal History of Computing: From the Abacus to the Quantum Computer.* John Wiley & Sons, Inc.

Lyons, William (2001). *Matters of the Mind.* Edinburgh University Press.

McCarthy, J., Minsky, M. L., Rochester, N., & Shannon, C. E. (1955). A proposal for the Dartmouth summer research project on artificial intelligence. Unpublished manuscript. Retrieved from http://jmc.stanford.edu/articles/dartmouth/dartmouth.pdf.

Nilsson, N. J. (2010). *The quest for artificial intelligence: A history of ideas and achievements.* Cambridge University Press.

Olson, P. (2024). *Supremacy: AI, ChatGPT and the race that will change the world.* Pan Macmillan UK.

Putnam, H. (1967). The nature of mental states. In W. H. Capitan & D. D. Merrill (Eds.), *Art, mind, and religion* (pp. 37–48). University of Pittsburgh Press.

Russell, S. J., & Norvig, P. (2022). *Artificial intelligence: A modern approach* (4th ed.). Pearson.

Searle, J. R. (1980). Minds, brains, and programs. *Behavioral and Brain Sciences, 3*(3), 417–457.

Simon, H. A. (1997). *Administrative Behavior, A Study of Decision-Making Processes in Administrative Organizations* (Fourth Edition). Free Press.

Soldatos, J. (Ed.). (2024). *Artificial Intelligence in Manufacturing: Enabling Intelligent, Flexible and Cost Effective Production Through AI.* Springer.

Thomas, W. (2010). Algorithms: From Al-Khwarizmi to Turing and Beyond. In: Giovanni Sommaruga & Thomas Strahm (Eds.), *Turing's Revolution, The Impact of His Ideas about Computability.* Springer.

Thomas, W. (2016). Algorithms: From Al-Khwarizmi to Turing and Beyond (29-42). In: Giovanni Sommaruga & Thomas Strahm (Eds.), *Turing's Revolution, The Impact of His Ideas about Computability.* Springer International Publishing.

Turing, A. M. (1950). Computing Machinery and Intelligence. *Mind, 49*: 433-460.

Tyagi, A. K., et al (2024). *Artificial Intelligence Enabled Digital Twin for Smart Manufacturing.* Wiley.

چرخه‌های خودارجاعی و بحران اعتباردانشی در سامانه‌های آموزش‌یافته بر داده‌های مصنوعی

منیژه اخوان
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه تهران، تهران، ایران
m_akhavan@ut.ac.ir

مجتبی حاجی‌جعفری
دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
m_hajijafari@atu.ac.ir

چکیده
یکی از بحران‌های نوظهور در توسعه مدل‌های زبانی بزرگ، پدیده «خودارجاعی داده‌ای» است؛ وضعیتی که در آن سامانه‌های هوش مصنوعی به تدریج از محتوای تولیدشده توسط خود برای آموزش مجدد استفاده می‌کنند. این فرآیند، که در پژوهش‌ها با عنوان Model Collapse شناخته می‌شود، موجب انحطاط تدریجی کیفیت و اصالت دانش در محیط‌های دیجیتال می‌گردد. در این شرایط، هوش مصنوعی به جای اتکا به منابع اولیه و معتبر علمی، از متون ثانویه و داده‌های مشتق‌شده بهره می‌برد و بدین ترتیب چرخه‌ای از «بازتولید خطا» شکل می‌گیرد. مقاله حاضر با تحلیل تطبیقی میان مدل‌های متن‌باز جهانی و پلتفرم‌های بومی فارسی‌زبان، نشان می‌دهد که وابستگی بیش از حد به داده‌های بازیافتی، خطر بی‌اعتباری تدریجی زبان و شناخت را در فرهنگ دیجیتال ایرانی افزایش می‌دهد. از منظر فناوری اطلاعات، این پدیده به زوال مرجعیت معرفتی و در نهایت فروپاشی معیارهای علمی منجر می‌شود. پژوهش تأکید می‌کند که صیانت از اصالت داده از طریق «ردیابی منبع»، تقویت بانک‌های داده پژوهشی فارسی و ارزیابی زمان‌مند کیفیت محتوای تربیتی، شاه‌کلید حفظ اعتبار و پایداری معرفتی در توسعه هوش مصنوعی است.

کلیدواژگان: اعتبار علمی، خودارجاعی داده‌ای، فروپاشی مدل، یادگیری ماشینی

فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی آموزش عالی روسیه در توسعه هوش مصنوعی

مینا اوتادی*
دانشجوی دکتری مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mina.otaadi@ut.ac.ir

سید امیربهادر هاشمی
دانشجوی دکتری مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران
sab.hashemi@ut.ac.ir

چکیده

در عصر تحول دیجیتال و پیشرفت‌های شتابان هوش مصنوعی، آموزش عالی در جایگاه یکی از پایه‌های اساسی توسعه فناوری‌های نوین و تضمین بقای رقابتی کشورها در عرصهٔ جهانی، نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند. روسیه با توجه به سیاست‌های کلان ملی خود برای دستیابی به خودکفایی فناورانه و ارتقای جایگاه جهانی در حوزه هوش مصنوعی، با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی در نظام آموزش عالی خود مواجه است. از یکسو، ظرفیت‌های علمی و زیرساختی دانشگاه‌ها، نیروی انسانی متخصص و امکانات پژوهشی کاتالیزوری برای توسعه هوش مصنوعی عمل می‌کند؛ و از سوی دیگر، محدودیت‌هایی نظیر کمبود منابع مالی پایدار، ناکافی‌بودن پیوندهای عملی بین دانشگاه و صنعت، ضعف در بسترهای نوآوری، چالش‌های نهادی و سیاستی، همچنین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌های بین‌المللی بر دسترسی به فناوری‌ها، منابع مالی و همکاری‌های علمی جهانی، تهدیدهایی جدی برای تحقق اهداف بلندمدت محسوب می‌شوند. پرسش اصلی در پژوهش حاضر آن است که نظام آموزش عالی روسیه با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی در مسیر توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی روبه‌روست و چگونه می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و رفع موانع ساختاری ازجمله محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، روند تربیت نیروی انسانی متخصص، توسعه پژوهش‌های کاربردی و هم‌افزایی با بخش‌های صنعتی را بهینه‌سازی کرد؟ فرضیه‌ای که نگارندگان در پاسخ به سؤال اصلی مطرح می‌کنند آن است که آموزش عالی روسیه، با وجود برخورداری از مزیت‌های پژوهشی و نیروی انسانی متخصص، به‌دلیل ضعف‌های ساختاری در سیاستگذاری، منابع مالی، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و تعاملات چندجانبه، قادر نیست به‌طور کامل ظرفیت خود را در توسعه هوش مصنوعی بالفعل سازد. تنها از طریق بازنگری راهبردی، اصلاح سیاست‌های حمایتی، توسعه همکاری‌های بین‌بخشی و اتخاذ راهکارهایی برای کاهش آسیب‌پذیری ناشی از تحریم‌ها می‌توان جایگاه این نظام را در زیست‌بوم نوآوری فناوری‌های هوشمند تقویت کرد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. یافته‌های اولیه نشان می‌دهد که آموزش عالی روسیه با وجود برخورداری از ظرفیت‌های علمی و فناورانه، برای ایفای نقش مؤثر در توسعه هوش مصنوعی نیازمند تقویت زیرساخت‌های پژوهشی، بهبود سیاست‌های حمایتی و کاهش وابستگی به منابع خارجی در برابر تحریم‌های بین‌المللی است. این مقاله در چهار بخش تنظیم شده است: بخش نخست به مبانی نظری و نقش آموزش عالی در توسعه هوش مصنوعی اختصاص دارد؛ در بخش دوم فرصت‌های موجود شامل ظرفیت‌های پژوهشی، زیرساخت‌ها و حمایت‌های سیاستی بررسی شده است؛ در فصل سوم، چالش‌ها ازجمله محدودیت‌های مالی، ضعف تعامل دانشگاه و صنعت و آثار تحریم‌های بین‌المللی آمده است. فصل چهارم شامل نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی است.

کلیدواژگان: آموزش عالی، تحول دیجیتال، روسیه، فناوری، هوش مصنوعی

جغرافیاهای پساحقیقت و هوش مصنوعی

مرجان بدیعی ازنداهی*
استادیار، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mbadiee@ut.ac.ir

مریم سلمانیان
دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
m.salmanian@ut.ac.ir

چکیده
پدیدهٔ «پساحقیقت» یکی از ویژگی‌های بارز جهان معاصر است که الگوهای سنتی تولید، توزیع و مصرف دانش را دگرگون ساخته و مرز میان واقعیت و روایت را تضعیف کرده است. در این بستر، هوش مصنوعی همچون ابزاری فراتر از تحلیل داده، به تولید و بازنمایی روایت‌های بدیل پرداخته و در شکل‌دهی به افکار عمومی و هدایت گفتمان‌ها نقشی تعیین‌کننده یافته است. این تحولات، به‌ویژه در فضاهای سایبری، رخ می‌دهند؛ جغرافیایی چندلایه و سیال که در آن، روابط قدرت بازتعریف می‌شود و مفاهیم سنتی مرز و سرزمین جای خود را به معیارهای نوینی همچون داده، الگوریتم و دسترسی اطلاعاتی می‌دهد. در این مقاله، با رویکردی تحلیلی-انتقادی و با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی، نقش هوش مصنوعی در بازتولید «رژیم‌های حقیقت» در فضای سایبری بررسی شده است. پرسش اصلی آن است که: چگونه هم‌افزایی میان منطق پساحقیقت و فناوری‌های هوش مصنوعی به بازترسیم جغرافیاهای پساحقیقت و قدرت نوین در قرن بیست‌ویکم میلادی منجر می‌شود؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی از یک‌سو بسترهایی برای تمرکززدایی و تکثر در تولید دانش ایجاد می‌کند؛ و از سوی دیگر، امکان تمرکز قدرت در دست بازیگران مسلط فناوری و دولت‌های دیجیتال را افزایش می‌دهد. در مطالعات موردی دربارهٔ امنیت سایبری و مدیریت افکار عمومی نشان داده شده است که فضاهای سایبری امروز صحنه‌ای ژئوپلیتیکی است که در آن مرزهای واقعی قدرت بر اساس کنترل داده‌ها و الگوریتم‌ها ترسیم می‌شود. بنابراین، فهم «جغرافیاهای پساحقیقت و هوش مصنوعی» ضرورتی اساسی برای تبیین تحولات ژئوپلیتیکی معاصر و آینده‌پژوهی روابط قدرت در قرن بیست‌ویکم میلادی محسوب می‌شود.

کلیدواژگان: جغرافیاهای پساحقیقت، رژیم‌های حقیقت، فضای سایبری، قدرت، هوش مصنوعی

برساخت واقعیت و بحران معرفت در عصر پساحقیقت؛ واکاوی عملکرد هوش مصنوعی مولد و پیامدهای آن بر اعتماد علمی در ایران

مجتبی حاجی‌جعفری
دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی،
تهران، ایران
m_hajijafari@atu.ac.ir

چکیده

افزایش استفاده از مدل‌های زبانی مولد (Generative AI) در تولید محتوای متنی، مسئله تحقق «عصر پساحقیقت» را بیش از پیش برجسته ساخته است؛ عصری که در آن سرعت دسترسی به پاسخ و رضایت ظاهری کاربر، جایگزین صحت و اعتبار منابع شده است. بررسی پژوهش‌های اخیر (Vincent, ۲۰۲۳؛ Marcus Davis, ۲۰۲٤;) نشان می‌دهد الگوریتم‌های متن‌ساز به‌منظور حفظ انسجام، گاه به تولید داده‌ها و ارجاعات ساختگی روی می‌آورده‌اند؛ پدیده‌ای که «کارایی فریبنده» نام گرفته است. در مطالعة حاضر، با تحلیل انتقادی خروجی مدل‌های زبان‌بنیان فارسی و بررسی نمونه‌هایی از پلتفرم‌های بومی، نشان داده‌ایم که فشار برای ارضای آنی نیازهای کاربر، احتمال تولید محتوای نادرست، به‌ویژه رفرنس‌های جعلی، را افزایش داده است. این خطر، به‌خصوص، در ایران که نظام پژوهشی آن بر استنادپذیری و اعتبار علمی تأکید دارد، تهدیدی مضاعف برای اعتماد معرفتی تلقی می‌شود. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد نبود ابزارهای اعتبارسنجی بومی و ضعف سواد رسانه‌ای، راه را برای بهره‌برداری نامطلوب از این‌گونه فناوری‌ها هموار می‌سازد. بر این اساس، در پژوهش حاضر، توصیه می‌شود طراحان سامانه‌های هوشی در ایران، معیارهای اخلاقی و کنترل صحت داده را در اولویت قرار دهند و هم‌زمان، آموزش تشخیص منابع معتبر برای کاربران بیش از پیش تقویت شود. حفظ پیوند اصیل میان حقیقت، تأمل و مسئولیت علمی، لازمة مقابلة مؤثر با آسیب‌های عصر پساحقیقت در سپهر دانایی ایران است.

کلیدواژگان: اعتماد معرفتی، پساحقیقت، رفرنس جعلی، سیاست پژوهش ایران، هوش مصنوعی مولد

بازاندیشی چارچوب‌های شایستگی دیجیتال؛ مقابله با اطلاعات نادرست و دستکاری در عصر هوش مصنوعی

منصوره حجاری
دکترای علوم ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی
دانشگاه تهران، تهران، ایران
hajjari@ut.ac.ir

چکیده

افزایش قدرت و ظرفیت روش‌ها و فناوری‌های مرتبط با توسعه هوش مصنوعی، شرایط نوینی را برای گسترش اطلاعات نادرست ایجاد کرده است؛ شرایطی که فرصت‌هایی برای دستکاری اطلاعات خارجی و مداخله فراهم می‌آورد. عملیات روانی مجموعه‌ای از اقدام‌های برنامه‌ریزی‌شده هستند که با هدف انتقال اطلاعات و سیگنال‌های خاص به مخاطبان مختلف، بیشتر خارجی، برای تأثیر بر احساسات و نگرش آنان انجام می‌شوند. این وضعیت، پرسش مهمی را مطرح می‌کند: آیا چارچوب‌های موجود برای شایستگی‌های ارتباطات دیجیتال که توسعه مهارت‌های مخاطبان را در مواجهه با اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده هدایت می‌کند، به‌درستی برای مواجهه با وسعت و سرعت پیشرفت این فناوری‌ها آماده شده است؟ یا اینکه این چارچوب‌ها باید ارتقا یابند تا اثربخشی آن‌ها در مقابله با اطلاعات نادرست و مداخلهٔ خارجی در محیط اطلاعاتی افزایش یابد؟ درحالی‌که ارتقای راهبردی مهارت‌های دیجیتال و فناورانهٔ شهروندان، به‌ویژه دانش‌آموزان، در مواجهه با محیط اطلاعاتی پیشرفته و رقابتی ضروری است، این اقدام به‌تنهایی کافی نیست. مقابله با چالش اطلاعات نادرست خارجی و نفوذ خصمانه از طریق دستکاری اطلاعات، نیازمند لایه‌های متعددی از شایستگی‌هاست. چارچوب‌های مختلفی برای طراحی برنامه‌های آموزشی و تدوین برنامه‌های درسی مرتبط با شایستگی دیجیتال توسعه یافته است. این مقاله شامل بحثی مفهومی است دربارهٔ مهارت‌های ضروری دانش‌آموزان در مقابله با عملیات روانی مبتنی‌بر هوش مصنوعی و بر پایهٔ مرور روایی منابع علمی و برنامه‌های آموزشی معتبر جهان پیگیری می‌شود تا تصویر کامل‌تری دربارهٔ این مهارت‌ها مطرح شود. در نهایت، به پیشنهادهای عملی برای آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی منتهی می‌شود. بخش دیگر آن مبتنی‌بر گفت‌وگوهای غیررسمی و عمیق با دانش‌آموزان و مدرسان در مدارس، همچنین تجربهٔ تدریس نویسنده است. این عناصر در کنار هم، چشم‌اندازی از نحوهٔ پرورش مؤثر مجموعه مهارت‌های لازم را برای استفاده از هوش مصنوعی در محیط آموزشی ارائه می‌دهد. مهارت‌های تفکر انتقادی سیری پیوسته است از مهندسی درخواست و پرسشگری دقیق تا تحلیل و ارزیابی اطلاعات و تشخیص سوگیری‌ها تعریف می‌شود. در نتیجه نیازمند رویکردی چندوجهی و بین‌رشته‌ای در طراحی آموزشی است. مرور برنامه‌های درسی آموزش تفکر انتقادی در برابر عملیات روانی مبتنی‌بر هوش مصنوعی نشان می‌دهد که این برنامه‌ها اغلب ساختاری ماژولار دارند، شامل مفاهیمی مانند شناخت سوگیری‌های شناختی و الگوریتمی در هوش مصنوعی. رویکرد فلسفی، تاریخی و فرهنگی به سواد رسانه‌ای و فرهنگ ارتباطات دیجیتال، به پرسش‌های عمیق دربارهٔ شناخت، حقیقت و آزادی در جامعهٔ اطلاعاتی می‌پردازد. در این رویکرد بر اهمیت توسعه تفکر انتقادی به‌عنوان بنیان سواد رسانه‌ای تأکید می‌شود. جوانان باید بتوانند اطلاعات را زیر سؤال ببرند، استدلال‌ها را تحلیل کنند، مغالطه‌های منطقی را شناسایی کنند و داوری‌های آگاهانهٔ خود را شکل دهند.

کلیدواژگان: اطلاعات نادرست، آموزش میان‌رشته‌ای، تفکر انتقادی، سواد دیجیتال، هوش مصنوعی، مهندسی درخواست

هوش مصنوعی و سینما؛ هم‌گرایی تکنیک و فرهنگ

اعظم راودراد
استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران،
تهران، ایران
ravadrad@ut.ac.ir

چکیده
در دهه‌های اخیر، پیشرفت در فناوری دیجیتال و یادگیری عمیق، مدل‌های مولّد و بینایی ماشین، باعث شده است که هوش مصنوعی به بخشی جداییناپذیر از فرایند تولید سینمایی تبدیل شود. در این مقاله، با رویکردی تلفیقی، ضمن بررسی کاربردهای فنی AI در پیش‌تولید، تولید و پس از تولید سینما، به تحلیل پیامدهای فرهنگی، هویتی و اخلاقی آن پرداخته‌ایم. هدف آن است که مرزی میان اتوماسیون خلاق و ارزش هنری انسانی ترسیم شود.

کلیدواژگان: بازیگران دیجیتالی، جلوه‌های ویژه بصری، فیلم و سینما، هوش مصنوعی

الگوی بهینهٔ حکمرانی فضای سایبری در ایران: تحلیل سه‌سطحی مبتنی بر نقش‌آفرینی سطوح حاکمیتی، دولتی و مشارکتی

رحمن زنگنه
پژوهشگر آزاد
rahmanzanganh121@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی الگوی بهینهٔ حکمرانی فضای سایبری ایران انجام شده است. روش تحقیق کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق مطالعهٔ نظام‌مند آثار ۲۰ پژوهشگر بین‌المللی، ۱۰ خبرهٔ ایرانی، ۵ کتاب معتبر خارجی و ۳ کتاب تأثیرگذار گردآوری شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حکمرانی بهینه در فضای سایبری ایران نیازمند تعریف دقیق مسئولیت‌ها و ایجاد سازوکارهای هماهنگی بین سه سطح اصلی است. سطح حاکمیتی با مسئولیت نهادهای نظامی و تحت نظر فرماندهی کل قوا، عهده‌دار تأمین امنیت سایبری ملی و ایجاد مرز سایبری است. سطح دولتی با محوریت وزارت ارتباطات، مسئولیت اجرای سیاست‌ها و توسعه زیرساخت‌های ملی را بر عهده دارد. سطح مشارکتی شامل نقش‌آفرینی بازیگران خصولتی، خصوصی و نهادهای مردم‌نهاد در طراحی و اجرای سیاست‌ها و بازخوردگیری‌هاست. این پژوهش الگوی سه سطحی بومی را ارائه می‌دهد که می‌تواند به بهبود همکاری بین نهادهای مختلف و ارتقای حکمرانی فضای سایبری ایران کمک کند.

کلیدواژگان: حکمرانی فضای سایبری، امنیت سایبری، شبکهٔ ملی اطلاعات، الگوی سه‌سطحی، وزارت ارتباطات، نهادهای مردم‌نهاد، بخش خصولتی

سینما در عصر دیجیتال؛ بازنمود واقعیت‌های ترکیبی و روایت‌های مصنوع

پیام زین‌العابدینی
استادیار گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران،
تهران، ایران
payam.zinalabedin@ut.ac.ir

چکیده

با گسترش فناوری‌های دیجیتال، سینما از محدودهٔ بازنمایی واقعیت‌های عینی فراتر رفته و به عرصهٔ ترکیب واقعیت‌های فیزیکی و شبیه‌سازی‌های مصنوعی وارد شده است. این تحول، به کمک قابلیت‌هایی چون گرافیک رایانه‌ای، موشن کپچر، واقعیت افزوده، و الگوریتم‌های هوش مصنوعی، نه‌تنها فرم‌های بصری را دگرگون کرده بلکه ساختار روایت را نیز تحت تأثیر قرار داده است. روایت‌های مصنوع با بهره‌گیری از پردازش داده‌ها، مدل‌های پیش‌بینی و طراحی شخصیت‌های الگوریتمی، شیوه‌های سنتی داستان‌گویی را بازتعریف کرده است و بازنمایی واقعیت‌های ترکیبی بر اساس این‌گونه روایت‌ها، تجربهٔ سینمایی را در مرز بین جهان ملموس و جهان برساخته قرار می‌دهد، به‌نحوی‌که تشخیص «واقعی» یا «ساختگی»بودن محتوا دشوار و گاه ناممکن است. ازاین‌روی، مسئله پژوهش مرور مرز میان واقعیت و خیال و واکاوی نحوهٔ دگرگونی و تغییر شیوه‌های روایت‌پردازی و تجربهٔ ادراکی مخاطب در عصر دیجیتالیسم است. در پژوهش حاضر، با هدف بنیادین توسعه و تعمیق درک نظری از فرایند شکل‌گیری و کارکرد واقعیت‌های ترکیبی و روایت‌های مصنوع در سینمای عصر دیجیتال، بر تحلیل پیامدهای زیبایی‌شناختی، فلسفی و فرهنگی این تحولات تمرکز شده است. روش تحقیق مبتنی‌بر رویکرد کیفی و داده‌بنیاد است. پس از مرور نظام‌مند منابع علمی و مطالعات پیشین، چارچوب مفهومی بر پایهٔ اندیشه‌های هایپررئالیتی و شبیه‌سازی ژان بودریار، بازنمایی فرهنگی استوارت هال، روایت ماری‌لور رایان و سینمای دیجیتال و تلفیق داده‌های لیو منوویچ تدوین شده است. سپس، نمونه‌های شاخصی از آثار سینمایی معاصر نظیر The Irishman، Avatar و The Matrix Resurrections به‌طور تطبیقی و انتقادی بررسی شد تا رابطهٔ میان فناوری تولید تصویر و تحول روایت آشکارسازی شود.

کلیدواژگان: استوارت هال، روایت مصنوع، ژان بودریار، سینمای دیجیتال، لیو منوویچ، ماری‌لور رایان، واقعیت ترکیبی

هوش مصنوعی و چارچوب ملی تحول دیجیتال سیاستگذاری اندونزی؛ طرح رویکرد بومی هوش مصنوعی

بهاره‌سازمند
دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران،
تهران، ایران
Bsazmand@ut.ac.ir

چکیده

در سال‌های اخیر، دولت اندونزی تلاش فزاینده‌ای برای یکپارچه‌سازی هوش مصنوعی (AI) در نظام حکمرانی دیجیتال خود نشان داده است. با تصویب نقشهٔ راه ملی هوش مصنوعی ۲۰۲۰-۲۰۴۵م، این کشور مسیر توسعه فناوری‌های هوشمند را در پنج حوزه مهم- آموزش، بهداشت، اصلاح اداری، امنیت و اقتصاد دیجیتال- ترسیم کرده است. بااین‌حال، ظهور سریع کاربردهای هوش مصنوعی، چالش‌های اخلاقی و حقوقی متعددی برای سیاستگذاران اندونزیایی به‌همراه آورده است. چالش‌های اصلی در سه محور تحلیل شده است: نخست، مسائل مربوط به حریم خصوصی و مالکیت داده‌ها که در نظام حقوقی مبتنی‌بر «قانون حفاظت از داده‌های شخصی» هنوز در مرحلهٔ تثبیت است؛ دوم، سوگیری الگوریتمی و عدالت اجتماعی در بخش‌های دولتی (مانند سامانه‌های استخدام یا اعطای کمک‌های اجتماعی) که خطر بازتولید نابرابری ساختاری را دارد؛ و سوم، پاسخگویی و شفافیت الگوریتمی در نهادهای دولتی که در حال حاضر فاقد چارچوب ارزیابی مستقل است. از منظر اخلاق سیاستی، نخبگان فناوری اندونزی در تلاش هستند تا مدل حکمرانی داده‌محور را با اصول شریعت اسلامی و ارزش‌های پنج‌گانه پانچا سیلا سازگار کنند. این رویکرد بومی، نوعی «اخلاق دیجیتال» را شکل داده که بر عدالت، هم‌زیستی اجتماعی، و نفع عمومی که آموزه‌های اصلی پانچاسیلا هستند تأکید دارد. برای نگارش این مقاله که با روش پژوهش کیفی با رویکرد روندپژوهی انجام شده است، نخست به روند و تاریخچهٔ هوش مصنوعی در سیاستگذاری کشور اندونزی پرداخته‌ایم و اسناد مهم در این زمینه بررسی شده است. در ادامه، روند بومی‌سازی هوش مصنوعی در سیاستگذاری‌های این کشور و چالش‌های پیش‌رو بررسی شده است.

کلیدواژگان: اخلاق، اندونزی، پانچاسیلا، سیاستگذاری عمومی، هوش مصنوعی

از سواد انتقادی تا حکمت وجودی: بازتعریف سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در عصر افق بی‌پایان خواسته‌ها با هوش مصنوعی مولد

علی شاکر*
پژوهشگر آزاد (نویسنده مسئول)
alishaker62@gmail.com

سروش شاکر
پژوهشگر آزاد

چکیده

ظهور هوش مصنوعی مولد، با قابلیت تولید بی‌نهایت محتوا، تجربه و راه‌حل، پارادایم بنیادین تمدن بشری را که بر «کمیابی» (scarcity) استوار است، به چالش می‌کشد. این تحول، تنشی اساسی ایجاد می‌کند میان ظرفیت تقریباً نامحدود برای تحقق خواسته‌ها و ابهام فزاینده دربارهٔ ماهیت آنچه باید خواست. در این پژوهش استدلال شده است که این پدیده، چارچوب‌های سنتی سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی را که بیشتر بر مهارت‌های دفاعی و انتقادی (مانند تشخیص اطلاعات نادرست) متمرکز است ناکافی می‌سازد. مسئله دیگر صرفاً تشخیص حقیقت از دروغ نیست، بلکه مواجهه با «تناقض انتخاب بی‌پایان»، فرسایش «معنای حاصل از تلاش» و بحران در تعریف «خواسته‌های اصیل» است. در این پژوهش، با هدف ترسیم ابعاد پارادایمی نوین از سواد رسانه‌ای، به‌دنبال پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که «سواد رسانه‌ای وجودی» در عصر جدید چه ابعادی دارد؟ روش تحقیق ما مبتنی‌بر رویکرد کیفی چندمرحله‌ای است. در مرحلهٔ نخست، با استفاده از تحلیل شکاف (gap analysis) مبتنی‌بر تحلیل محتوای اسناد معتبر آموزشی، نارسایی‌های مدل‌های موجود سواد رسانه‌ای در مواجهه با چالش‌های جدید شناسایی شده است. در مرحلهٔ دوم، از طریق سنتز نظری و مفهومی مبتنی‌بر متون فلسفی و انسان‌شناختی، چارچوبی مفهومی برای «سواد رسانه‌ای وجودی» طراحی شده است که علاوه‌بر ابعاد انتقادی، شامل ابعاد خلاق، تأملی/وجودی و شهروندی نیز می‌شود. یافته‌های اولیه نشان می‌دهد که در سواد رسانه‌ای نوین باید فراتر از مهارت‌های فنی، به پرورش «حکمت در انتخاب» و «مدیریت خواسته‌ها» پرداخت تا افراد را برای زندگی معنادار در عصر وفور دیجیتال توانمند ساخت.

کلیدواژگان: اخلاق دیجیتال، سواد اطلاعاتی، سواد رسانه‌ای، فلسفهٔ فناوری (تکنولوژی)، هوش مصنوعی مولد

اقتصاد سیاسی هوش مصنوعی و ظهور نیروی کار نامرئی در عصر داده‌های رایگان

ندا شفیعی
عضو هیئت‌علمی پژوهشکده فناوری‌های نوین سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، تهران، ایران

مجتبی حاجی‌جعفری
دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
m_hajijafari@atu.ac.ir

چکیده
اقتصاد سیاسی هوش مصنوعی نشان‌دهنده شکل نوینی از انباشت سرمایه در بستر داده‌های مشارکتی است. در حالی که شرکت‌های فناوری با شعار «دسترسی همگانی به ابزارهای هوش مصنوعی» فعالیت می‌کنند، واقعیت پنهان اقتصاد دیجیتال مبتنی بر استفاده رایگان از نیروی شناختی کاربران برای آموزش مدل‌های یادگیری عمیق است. پژوهش‌ها مفهوم «استخراج داده‌ای» (Data Extraction) را به عنوان استعمار نوین دیجیتال معرفی کرده‌اند. در ایران نیز انتشار نسخه‌های رایگان از مدل‌های زبانی و تصویری، حجم وسیعی از داده‌های فارسی را بدون آگاهی کاربران به پایگاه‌های آموزشی منتقل می‌کند. این مقاله با رهیافت اقتصاد سیاسی انتقادی و با تحلیل سیاست‌های داده‌ای شرکت‌های توسعه‌دهنده داخلی و بین‌المللی، استدلال می‌کند که «کار شناختی رایگان» نوعی استثمار نرم در عصر پلتفرم است؛ جایی که انگیزه تولید خلاقانه کاربران به منبع انباشت الگوریتمی تبدیل می‌شود. نتیجه نشان می‌دهد که راه برون‌رفت از این وضعیت، تنظیم‌گری اخلاقی داده، شفافیت در فرآیند تربیت مدل‌ها و ایجاد مکانیسم‌های جبران داده‌ای (Data Compensation Mechanisms) در سطح ملی است. در سطح ایران، تأسیس «نظام مالکیت داده شخصی» و ایجاد سازوکارهای اشتراک منصفانه از ضروریات سیاستی برای دفاع از کار دیجیتال انسانی است.

کلیدواژگان: استثمار دیجیتال، اقتصاد سیاسی هوش مصنوعی، داده رایگان، کار شناختی

نقش هوش مصنوعی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار در فدراسیون روسیه؛ گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر

پریساصبری
دانشجوی دکترای مطالعات روسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران
parisasabri6@gmail.com

چکیده

هوش مصنوعی به یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر حیات بشری امروزه تبدیل شده و در عمل، در تمامی حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در سطح جهانی و ازجمله فدراسیون روسیه، نفوذ کرده است. عملکرد هوش مصنوعی همچون ابزاری کاربردی، در دستیابی به اهداف توسعه پایدار نیز اهمیتی اساسی دارد و افق‌های نوینی را در یافتن راهکارهایی برای حفاظت از محیط‌زیست، مقابله با تغییرات اقلیمی، بهینه‌سازی بهره‌برداری از منابع طبیعی و ارتقای کیفیت زندگی انسان نمایان می‌کند. پیشرفت در دستیابی به اهداف توسعه پایدار در فدراسیون روسیه، که از طرفی تحت تحریم قرار گرفته است و از طرف دیگر به‌طور سنتی متکی بر منابع فسیلی است، در حال حاضر اهمیت زیادی دارد. در همین راستا، بهره‌گیری از فناوری‌های هوشمند در تسریع روند گذار انرژی روسیه به‌سمت انرژی‌های تجدیدپذیر نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. بنابراین، در این پژوهش سعی شده است تا ظرفیت‌های کاربردی هوش مصنوعی در بهبود مدیریت منابع انرژی تجدیدپذیر، که هدف هفت توسعه پایدار سازمان ملل را تشکیل می‌دهد، در سیستم انرژی روسیه بررسی شود. بر اساس یافته‌های پژوهش، الگوریتم‌های یادگیری ماشین با تحلیل داده‌های اقلیمی و الگوهای مصرف، دقت پیش‌بینی تولید انرژی‌های تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی) روسیه را به‌طور چشمگیری بهبود می‌بخشد. از منظر کلان، مدل‌سازی سناریوهای انرژی با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی به سیاستگذاران روسی در تدوین راهبردهای بلندمدت، به‌ویژه در زمینهٔ کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و افزایش سهم انرژی‌های پاک در ترکیب سبد انرژی ملی، کمک می‌کند. در نتیجه، تلفیق فناوری‌های هوشمند با برنامه‌های انرژی تجدیدپذیر، مسیری مؤثر برای ارتقای امنیت انرژی، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد روسیه در سطح بین‌المللی خواهد بود.

کلیدواژگان: انرژی‌های تجدیدپذیر، توسعه پایدار، روسیه، محیط‌زیست، هوش مصنوعی

آینده مشاغل و مشاغل آینده از دیدگاه هوش مصنوعی

محمدکاظم‌صیادی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه ارتباطات و فناوری
اطلاعات، تهران، ایران

چکیده
هوش مصنوعی به‌سرعت در حال تغییر ساختار بازار کار و نحوهٔ انجام‌دادن مشاغل است؛ بنابراین، بررسی آینده مشاغل و مشاغل آینده از دیدگاه هوش مصنوعی اهمیت فراوانی دارد. این فناوری نوین بسیاری از وظایف تکراری و معمول را خودکار می‌کند؛ درعین‌حال، فرصت‌های جدیدی برای ایجاد مشاغل پیچیده‌تر و تخصصی‌تر فراهم می‌آورد. با درک دقیق‌تر تغییرات پیش‌رو، افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها می‌توانند بهتر برای تطبیق با این تغییرات برنامه‌ریزی کنند و مهارت‌های لازم برای مشاغل آینده را توسعه دهند. از سوی دیگر، ضرورت بررسی آینده مشاغل از منظر هوش مصنوعی، به‌دلیل آثار عمیق آن بر اقتصاد و جامعه است. تغییرات سریع فناوری ممکن است به بیکاری ساختاری و نیاز به بازآموزی گسترده بینجامد که اگر به‌موقع و دقیق بررسی نشود، پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جدی به‌دنبال خواهد داشت. بنابراین، شناخت روندها و پیش‌بینی مشاغل آینده به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا سیاست‌های مناسبی برای حمایت از نیروی کار طراحی کنند و اطمینان حاصل شود که انتقال به دنیای کاری هوشمندانه و پایدار خواهد بود.

کلیدواژگان: اشتغال، بازار کار، مهارت‌های جدید، هوش مصنوعی

زیست دوفضایی و آینده آگاهی انسانی در ایران معاصر؛ بازاندیشی در نسبت ذهن و ماشین

احمد غیاثوند
دانشجوی ارشد رایانش امن، دانشکده برق و کامپیوتر، دانشگاه مالک اشتر، تهران، ایران
ahmad.dev.76@gmail.com

محمدسجاد باقی*
دانشجوی دکتری مطالعات بریتانیا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
m.sajad.baghi@ut.ac.ir

چکیده
رشد شتابان هوش مصنوعی و گسترش سامانه‌های خودآموز، مرز میان شناخت انسانی و محاسبهٔ ماشینی را دگرگون کرده است. جهان امروز در مسیر «دوفضایی‌شدن» پیش می‌رود؛ وضعیتی که در آن زیست طبیعی و زیست دیجیتال در هم می‌تنند و ادراک انسان از واقعیت، به‌واسطهٔ الگوریتم‌ها بازتعریف می‌شود. در این میان، جامعهٔ ایرانی نیز با شتاب دیجیتالی‌شدن و نفوذ فناوری‌های هوشمند، در معرض دگرگونی‌های فرهنگی و شناختی تازه‌ای قرار گرفته است. پرسش بنیادین این پژوهش آن است که ذهن انسانی چگونه می‌تواند تفوق خود بر هوش مصنوعی را در عصری که الگوریتم‌ها به بازتولید شناخت، قضاوت و خلاقیت می‌پردازند، حفظ کند؟ با رویکردی میان‌رشته‌ای، در این مطالعه ظرفیت‌ها و چالش‌های هوش مصنوعی از دو منظر بررسی شده است: نخست، تحلیل فلسفی و فرهنگی که بر حفظ آگاهی، عاملیت و ارزش‌های انسانی در برابر منطق خودمختار الگوریتم‌ها تأکید دارد و بر ضرورت ارتقای سواد دیجیتال در بستر فرهنگی ایران انگشت می‌گذارد؛ دوم، تحلیل فناورانه که سازوکارهای یادگیری عمیق، شبکه‌های عصبی و تصمیم‌سازی خودکار را در نسبت با ذهن و خلاقیت انسانی تحلیل می‌کند. در این چارچوب، «سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی» مهارتی راهبردی برای درک سازوکارهای هوشمند و ارتقای تفکر انتقادی در فضای دیجیتال طرح می‌شود. در این پژوهش چشم‌اندازی از هم‌زیستی آگاهانه و اخلاق‌محور میان انسان و فناوری ترسیم شده است؛ هم‌زیستی‌ای که در آن هوش مصنوعی نه جایگزین ذهن، بلکه امتداد و تقویت‌کنندهٔ آن است.

کلیدواژگان: اخلاق و عاملیت در عصر هوش مصنوعی، بازاندیشی شناخت انسانی، خودمختاری الگوریتمی، زیست دوفضایی و فرهنگ دیجیتال

نقش هوش مصنوعی در تحول حکمرانی دیجیتال و اعتماد شهروندی

عاطفه‌فرازمند
پژوهشگر ارشد پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات،
تهران، ایران

چکیده
تحول حکمرانی دیجیتال در عصر هوش مصنوعی، مستلزم بازنگری در شیوه‌های ارتباط، تصمیم‌سازی و اعتمادسازی میان شهروندان و دولت است. ارتقای کیفیت و تحکیم این ارتباط، از مؤثرترین راهکارهای بهبود مشارکت شهروندان و افزایش سرمایهٔ اعتماد عمومی به‌شمار می‌آید. ضرورت ارتقای جایگاه کشور در شاخص‌های جهانی مرتبط با توسعه دولت الکترونیکی، به‌ویژه شاخص مشارکت الکترونیکی و زیرشاخص خدمات برخط، همچنین تحقق اهداف اسناد بالادستی، بر اهمیت بهره‌گیری از فناوری‌های هوشمند تأکید دارد. به‌کارگیری هوش مصنوعی، سیاستگذاران را قادر می‌سازد با استفاده از ابزارهای داده‌محور، جمع‌آوری و تحلیل کلان‌داده‌ها، و اتخاذ تصمیمهای سریع و دقیق، فرایندی پویا برای مشارکت مؤثر میان دولت و شهروندان شکل دهند؛ فرایندی که شفافیت، پاسخگویی و اعتماد را در مسیر حکمرانی پایدار تقویت می‌کند. در این چارچوب، شناخت چالش‌ها و ظرفیت‌های بهره‌گیری از هوش مصنوعی در ارتقای شاخص مشارکت الکترونیکی، هدف محوری این مطالعه محسوب می‌شود. بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، افت پیوستهٔ رتبهٔ ایران در شاخص توسعه دولت الکترونیکی (EGDI) و زیرشاخص خدمات برخط (OSI) در سال‌های اخیر، تا حد زیادی ناشی از ضعف در شاخص مشارکت الکترونیکی بوده است. ازاین‌رو، سیاستگذاران باید با تمرکز بر ظرفیت‌های هوش مصنوعی در هر سه سطح مشارکت (اطلاع‌رسانی، مشاوره و تصمیم‌گیری)، بستر اعتماد دیجیتال و ارتباط دوسویه میان دولت و شهروندان را بازآفرینی کنند. هوش مصنوعی به‌مثابهٔ زیربنایی هوشمند در حکمرانی دیجیتال، با افزایش شفافیت، کاهش سوگیری انسانی و بهبود تعامل‌های شهروندی، روند اعتمادسازی ملی را تسریع می‌کند و مسیر گذار به حکمرانی تطبیقی و هوشمند را هموار می‌سازد.

کلیدواژگان: حکمرانی دیجیتال، دولت دیجیتال، شاخص دولت الکترونیکی، کاربرد هوش مصنوعی، مشارکت الکترونیکی

جنگ شناختی و فریبکاری توانمندشده با هوش مصنوعی؛ تعامل انسان و ماشین در جنگ شناختی: تحلیل ظرفیت‌های هوش مصنوعی در مواجهه با فریب اطلاعاتی و ادراک‌سازی

محمدحسین قربانی زواره
پژوهشگر، نویسنده و مدرس در حوزه جنگ‌های هیبریدی و شناختی
ghorbani62m@gmail.com

نفیسه محمدی*
پژوهشگر میان‌رشته‌ای در حوزه تهدیدهای ترکیبی
(نویسنده مسئول)
nafisehmhd1402@gmail.com

چکیده

در عصر تحول دیجیتال، ابزار هوش مصنوعی، به‌ویژه یادگیری ماشینی و یادگیری عمیق، به یکی از مؤلفه‌های کلیدی در عرصه‌های نظامی و امنیتی تبدیل شده است. از مهم‌ترین حوزه‌های بروز و به‌کارگیری این هوش، جنگ شناختی است؛ نبردی پیچیده که هدف آن اثرگذاری بر ذهن، ادراک و فرایند تصمیم‌گیری انسان‌ها از طریق داده‌ها، روایت‌ها و عملیات روانی است. با توجه به ظرفیت‌های پردازشی هوش مصنوعی در تحلیل داده‌های حجیم و شتاب‌دهی به حلقه تصمیم‌گیری OODA (مشاهده، جهت‌گیری، تصمیم‌گیری، اقدام)، این فناوری در ارتقای توان شناختی نیروهای نظامی، همچنین جامعه نقشی کلیدی ایفا می‌کند. در این مقاله، با رویکردی بین‌رشته‌ای، به بررسی تعامل انسان و ماشین در مواجهه با پیچیدگی‌های ادراکی پرداخته‌ایم و نشان داده‌ایم که تجربهٔ زیسته، درک زمینه‌مند و قدرت تشخیص انسانی، نقشی مکمل و ضروری در جبران کاستی‌های شناختی ماشین دارد. در بخش نظری، به تحلیل نقش داده‌های بزرگ در شکل‌گیری ادراک و تصمیم‌گیری پرداخته‌ایم و تأکید کرده‌ایم که کیفیت، صحت و زمینه‌مندی داده‌ها، بیش از حجم آن در برتری شناختی مؤثر است. همچنین، فریبکاری اطلاعاتی پیشرانی شناختی، از طریق تولید داده‌های مصنوعی اما باورپذیر است و قدرت شناختی طرف مقابل را به‌طور مؤثر تضعیف می‌کند. در نتیجه‌گیری بر ضرورت ارتقای سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در سطوح راهبردی و عملیاتی به‌منظور مواجهه با عملیات روانی مبتنی‌بر الگوریتم‌های هوشمند و حفظ برتری شناختی در میدان‌های منازعه‌آمیز آینده تأکید می‌شود.

کلیدواژگان: جنگ شناختی، حلقهٔ تصمیم‌گیری OODA، هوش مصنوعی، یادگیری عمیق، یادگیری ماشینی

واقعیت‌های فریبنده؛ جنگ شناختی توانمند با هوش مصنوعی در دیپلماسی: مطالعات موردی دیپ‌فیک زلنسکی و دیپلماتیک با سناتور کاردین

محمدعلی قَنامی‌زاده‌فلاحی
دانشجوی کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم انسانی، گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
fallahi.m@modares.ac.ir

چکیده
در این مقاله، نقش دیپ‌فیک‌های مبتنی‌بر هوش مصنوعی در عرصهٔ دیپلماسی و جنگ شناختی بررسی شده است و با اتکا به دو مطالعهٔ موردی واقعی (ویدیوی جعلی منسوب به ولودیمیر زلنسکی در جریان جنگ اوکراین و تماس دیپ‌فیک با سناتور بن کاردین در ایالات متحده) نشان داده‌ایم که چگونه این فناوری هم در سطح کلان (افکار عمومی و روحیهٔ ملی) و هم در سطح خرد (ادراک فردی تصمیم‌گیران سیاسی) اثرگذار است. چارچوب نظری تلفیقی پژوهش بر پایهٔ نظریهٔ جنگ شناختی و نظریهٔ امنیت‌سازی طراحی شده و مسیر اثرگذاری دیپ‌فیک از تولید تا بازنمایی گفتمانی و پاسخ نهادی ترسیم شده است. یافته‌ها آشکار می‌سازند که دیپ‌فیک‌ها حتی با کیفیت فنی متوسط قادرند بحران اعتماد ایجاد کنند و در سطح گفتمان امنیتی بازنمایی شوند. در پاسخ به این تهدید، در مقاله معماری دفاعی چندلایه‌ای مطرح شده است، شامل لایه‌های فناورانه، شناختی، نهادی، بین‌المللی و راهبردی. هدف آن تقویت تاب‌آوری شناختی و بازسازی اعتماد دیپلماتیک است. در این پژوهش، با پرکردن شکاف موجود در متون دیپ‌فیک و دیپلماسی، بر ضرورت اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای تأکید شده و مسیرهای جدیدی برای سیاستگذاری و تحقیقات آتی پیشنهاد شده است.

کلیدواژگان: اعتماد دیپلماتیک، امنیتی‌سازی، جنگ شناختی، دیپ فیک، هوش مصنوعی

آینده اعتماد عمومی به رسانه‌ها در عصر هوش مصنوعی؛ سناریوهای محتمل برای ایران در افق ۱۴۱۵ش

امیرگروسی
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه تهران، ایران، تهران
Garousi@ut.ac.ir

عین‌اله کشاورز ترک
دانشیار آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ره، قزوین، ایران
e.keshavarz@soc.ikiu.ac.ir

محمودجمالی
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه تهران، تهران، ایران
Mahmoud.jamali@ut.ac.ir

چکیده

اعتماد عمومی به رسانه‌ها یکی از ارکان اصلی سرمایهٔ اجتماعی و سنجش سلامت نظام ارتباطی در جوامع معاصر است. با ظهور هوش مصنوعی و گسترش محتوای خودکار، پرسش‌های جدی دربارهٔ آینده اعتماد به رسانه‌ها، به‌ویژه در ایران، مطرح شده است. هدف پژوهش حاضر، آینده‌پژوهی اعتماد عمومی به رسانه‌ها در عصر هوش مصنوعی و ترسیم سناریوهای بدیل ایران تا افق ۱۴۱۵ش است. این مطالعه با رویکرد آینده‌پژوهی سناریومحور و طراحی پژوهش آمیخته انجام شد. نخست، با اسکن محیطی و مرور نظام‌مند اسناد (۲۰۱۸/۲۰۲۵م) روندها و پیشران‌ها شناسایی شد. سپس، از طریق پنل خبرگان و روش دلفی عوامل کلیدی انتخاب شد. تحلیل ساختاری (MICMAC) روابط میان متغیرها را آشکار ساخت و دو عدم‌قطعیت بحرانی «سطح شفافیت رسانه‌ها» و «شدت و کیفیت تنظیم‌گری هوش مصنوعی» محور انتخاب شدند. بر این اساس، سناریونویسی و کارگاه ذی‌نفعان برای ارزیابی و اعتباربخشی نتایج انجام گرفت. نتایج نشان داد که آینده اعتماد عمومی به رسانه‌ها در ایران متأثر از ترکیب پیشران‌ها و عدم‌قطعیت‌هاست. چهار سناریوی بدیل ترسیم شد: ۱) اعتماد هوشمندانه (شفافیت زیاد و تنظیم‌گری کارآمد)، ۲) بی‌اعتمادی کامل (رهاشدگی فناوری و بحران مشروعیت)، ۳) جزایر اعتماد (وفاداری محدود به رسانه‌های خاص)، و ۴) اعتماد تحمیلی (اعتماد سطحی ناشی از کنترل انحصاری). خبرگان سناریوی نخست را مطلوب‌ترین و سناریوی دوم را محتمل‌ترین دانستند. آینده اعتماد به رسانه‌ها در ایران نه قطعی بلکه سناریویی است و به تصمیمات امروز سیاست‌گذاران، رسانه‌ها و شهروندان بستگی دارد. حرکت به‌سوی سناریوی مطلوب نیازمند شفافیت نهادی، ارتقای سواد رسانه‌ای و تنظیم‌گری اخلاقی هوش مصنوعی است.

واژگان کلیدی: اعتماد عمومی، ایران ۱۴۱۵، آینده‌پژوهی، رسانه‌ها، سناریونویسی، هوش مصنوعی

اطلاعات نادرست و پیامدهای اجتماعی آن؛ واکاوی نقش سواد رسانه‌ای و اعتماد رسانه‌ای در میان شهروندان تهران

غلامرضامبارکی
دانشجوی دکتری، گروه علوم ارتباطات، واحد بین‌المللی ارس، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
razamobaraki@gmail.com

حسین‌هنرور*
استادیار جامعه‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)
Huseyn.hunarvar@gmail.com

ربابه‌پورجبلی
استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
pour-13@yahoo.com

چکیده

در عصر حاضر و با گسترش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال، اطلاعات نادرست به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی تبدیل شده است. این نوع اطلاعات شامل اخبار جعلی، شایعات و محتوای تحریف‌شده است که ممکن است پیامدهای گسترده‌ای همچون کاهش اعتماد عمومی، تضعیف سرمایهٔ اجتماعی و افزایش شکاف‌های اجتماعی به‌همراه داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش سواد رسانه‌ای و اعتماد رسانه‌ای در مواجهه شهروندان تهرانی با اطلاعات نادرست و تبیین روابط میان عوامل مؤثر بر اشاعه یا کنترل آن است. در این مطالعه، تلاش شده است مدلی مبنی‌بر چرخهٔ انتشار اطلاعات نادرست و تأثیرات اجتماعی آن را به‌طور علّی و معلولی تبیین شود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوهٔ گردآوری داده‌ها، توصیفی-تحلیلی است. برای شناسایی و تحلیل روابط میان متغیرها از روش دیمتل فازی استفاده شد. نخست، با مرور مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، پنج بُعد اصلی شامل سواد رسانه‌ای، اعتماد رسانه‌ای، بسترهای رسانه‌ای و فناورانه، انگیزه‌های بازنشر، و پیامدهای اجتماعی اطلاعات نادرست شناسایی شد. سپس، پرسشنامهٔ مقایسه‌های زوجی طراحی شد و روایی آن را گروهی از متخصصان تأیید کردند. داده‌های مورد نیاز از طریق نظرخواهی از ۲۰ نفر از خبرگان حوزه ارتباطات، رسانه و علوم اجتماعی که به‌طور هدفمند انتخاب شدند، گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار MATLAB تحلیل شد. نتایج نشان داد که سواد رسانه‌ای و اعتماد رسانه‌ای بیشترین نقش علّی و محرک را در کنترل یا گسترش اطلاعات نادرست دارد. به‌عبارت دیگر، ارتقای این دو متغیر به‌طور مستقیم انتشار اخبار جعلی را کاهش می‌دهد. در مقابل، پیامدهای اجتماعی اطلاعات نادرست و انگیزه‌های بازنشر بیشترین تأثیرپذیری را از سایر متغیرها دارند و به‌تنهایی توانایی کنترل چرخهٔ انتشار را ندارند. همچنین، مشخص شد که بسترهای رسانه‌ای و الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی نقشی واسطه‌ای در این چرخه ایفا می‌کنند و ممکن است سرعت و دامنهٔ انتشار اطلاعات نادرست را تشدید یا محدود کند. در پژوهش حاضر تأکید شده است که برای مقابله با پدیدهٔ اطلاعات نادرست، باید رویکردی چندسطحی اتخاذ شود. در سطح فردی، ارتقای سواد رسانه‌ای از طریق آموزش‌های هدفمند ضروری است و در سطح اجتماعی، بازسازی اعتماد عمومی به رسانه‌های رسمی مسیر گردش اطلاعات سالم را تقویت می‌کند. همچنین، در سطح فناورانه، باید به اصلاح ساختارهای الگوریتمی پلتفرم‌های دیجیتال و طراحی ابزارهای شناسایی اخبار جعلی توجه داشت. در مدل نهایی این پژوهش، به سیاستگذاران، رسانه‌ها و پلتفرم‌های برخط در طراحی برنامه‌های مؤثر برای کاهش پیامدهای منفی اطلاعات نادرست کمک شده است.

کلیدواژگان: اطلاعات نادرست، اعتماد رسانه‌ای، پیامدهای اجتماعی، سواد رسانه‌ای

هوش مصنوعی و عدالت اجتماعی در عصر تحول دیجیتال

نیلوفر مراد حاصل
عضو هیئت علمی پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، تهران، ایران
nmoradhasel@itrc.ac.ir

چکیده

در پی انقلاب صنعتی چهارم، فناوری‌های نوظهور، به‌ویژه «هوش مصنوعی»، چهرهٔ جهان را دگرگون کرده است. تخصیص «منصفانهٔ» منابع در اجتماع انسانی و حتی تعریف کار و مهارت دستخوش تغییر شده است. هوش مصنوعی به افزایش نابرابری‌های اجتماعی یا کاهش آن کمک می‌کند. البته، این فناوری خودبه‌خود نابرابری را از بین نمی‌برد یا تشدید نمی‌کند؛ نحوهٔ طراحی، داده‌های ورودی، سیاست‌های نظارتی و دسترسی به فناوری تعیین‌کنندهٔ تأثیر آن بر توزیع منابع و فرصت‌هاست. هوش مصنوعی امروز نه‌فقط ابزاری برای افزایش بهره‌وری، بلکه فرصتی برای بهبود روابط اجتماعی، بازسازی نظام آموزشی، اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری به‌شمار می‌رود. اگرچه این فناوری ساختار روابط اجتماعی را تغییر داده و گاه نگرانی‌هایی دربارهٔ نابرابری ایجاد کرده است، اما در ذات خود نه مولد تبعیض است و نه نابودکنندهٔ آن. چگونگی طراحی الگوریتم‌ها، کیفیت داده‌های آموزشی، چارچوب‌های نظارتی و میزان دسترسی به فناوری تعیین می‌کند که هوش‌مصنوعی به کدام سو میل کند: عدالت یا نابرابری. در کشورهای توسعه‌یافته، از هوش مصنوعی برای بهبود خدمات عمومی و افزایش توانمندی افراد جامعه استفاده شده و نتایج قابل‌توجهی در برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی به‌همراه داشته است. در مقابل، کشورهای درحال‌توسعه در آغاز این مسیر هستند؛ مسیری که تحقق ظرفیت‌های آن نیازمند زیرساخت فناورانه، قوانین حمایتی و سرمایه‌گذاری هدفمند است. در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که چگونه می‌توان در کشورهای درحال‌توسعه، ازجمله ایران، از هوش مصنوعی برای کاهش نابرابری و گسترش عدالت اجتماعی بهره گرفت.

کلیدواژگان: عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، هوش مصنوعی، نابرابری

ابعاد اخلاق در هوش مصنوعی و آثار آن بر اخلاق فناوری

اعظم‌السادات مرتضوی کهنگی
پژوهشگر ارشد پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات

چکیده
رشد شتابان هوش مصنوعی، ابعاد تازه‌ای از چالش‌های اخلاقی را در دنیای فناوری پدید آورده است. هوش مصنوعی به بازیگری تصمیم‌گیر در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شده و در بسیاری از حوزه‌های حساس مانند سلامت، قضا و خدمات عمومی تصمیم‌ها به سیستم‌های مبتنی‌بر هوش مصنوعی سپرده می‌شود. این موضوع مسائلی دربارهٔ عدالت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری به‌وجود آورده است. در حقیقت، مسئله اصلی آن است که چگونه می‌توان اطمینان یافت سیستم‌های مبتنی‌بر هوش مصنوعی در عین کارایی و نوآوری، با ارزش‌های انسانی و اصول اخلاقی جامعه نیز سازگار بمانند. در چنین شرایطی، اخلاق هوش مصنوعی دیگر فقط به رفتار کاربران مربوط نیست، بلکه باید در مرحلهٔ طراحی و پیاده‌سازی فناوری نهادینه شود. در این پژوهش، ضمن بررسی اهمیت رویکرد اخلاقی در توسعه هوش مصنوعی، به تأثیر آن بر تحول اخلاق فناوری و ضرورت تدوین چارچوب‌های بومی برای حکمرانی اخلاق‌محور در حوزه هوش مصنوعی پرداخته شده است. هدف نهایی این بحث، تأکید بر ضرورت شکل‌دهی به نظام حکمرانی اخلاق‌محور در حوزه هوش مصنوعی است، به‌گونه‌ای که ضمن حمایت از نوآوری، اعتماد عمومی، عدالت و کرامت انسانی در کانون توسعه هوش مصنوعی قرار گیرد.

کلیدواژگان: اخلاق در هوش مصنوعی، اخلاق‌محوری، کاربرد هوش مصنوعی، کرامت انسانی

نهادهای دانش عمومی و هوش مصنوعی انسان‌محور؛ مسیرهایی به‌سوی جوامع دانشی فراگیر و پایدار

حمیرامقدمی
پژوهشگر پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات
(مرکز تحقیقات مخابرات)، تهران، ایران
mogadami@itrc.ac.ir

چکیده

در عصر تحول دیجیتال سریع و گسترش هوش مصنوعی، دسترسی عادلانه به دانش و توانمندسازی اخلاق‌محور جوامع، ستون‌های اصلی توسعه دیجیتال فراگیر و پایدار است. در این مقالهٔ مروری، با اتکا به چارچوب یونسکو «به‌سوی جوامع دانشی (۲۰۰۵)» و طرح راهبردی برنامهٔ «اطلاعات برای همه (IFAP) ۲۰۲۳-۲۰۲۹»، نقش محوری نهادهای دانش عمومی (PKIs) شامل کتابخانه‌ها، بایگانی‌ها، موزه‌ها و مراکز فرهنگی در ترویج هوش مصنوعی انسان‌محور و شکل‌دهی به جوامع دانشی فراگیر و عادلانه بررسی شده است. در پژوهش حاضر، با تحلیل سیاستی کیفی گزارش‌های کلیدی (کمیسیون اروپا ۲۰۲۲، شورای پژوهش اروپا ۲۰۲۱، ایفلا/یونسکو ۲۰۲۰) و مطالعات موردی فنلاند، بریتانیا و کره‌جنوبی، PKIs بازیگران کلیدی کاهش شکاف‌های دیجیتال معرفی شده‌اند. در یافته‌ها سه مأموریت درهم‌تنیده در تحقق تحول دیجیتال اخلاق‌محور شناسایی شده است: ۱. تضمین دسترسی فراگیر و چندزبانه به اطلاعات همراه با صیانت از حقوق دیجیتال؛ ۲. ارتقای سواد رسانه‌ای و دیجیتال برای توانمندسازی شهروندان در استفاده انتقادی و اخلاقی از فناوری؛ ۳. ایجاد فضاهای گفت‌وگوی اخلاقی برای تقویت حکمرانی مشارکتی هوش مصنوعی. نمونه‌های موفقِ طرح دیجیتالی‌سازی کتابخانهٔ فنلاند، پلتفرم‌های باز کتابخانهٔ بریتانیا، و برنامه‌های سواد دیجیتال کرهٔ جنوبی، نشان می‌دهد PKIs چگونه در جایگاه متولیان دانش عمومی، مأموریت خود را محقق می‌سازند. این نتیجه حاصل شد که سرمایه‌گذاری در توانمندسازی دیجیتال و آموزشی PKIs، پیش‌شرط تحول اخلاقی و پایدار دیجیتال است. این نهادها ضمن پیشبرد اهداف IFAP و SDGs، به تضمین عدالت دیجیتال، حفظ میراث دانش عمومی و هدایت فناوری به سوی رفاه جامعه می‌پردازند.

کلیدواژگان: اهداف توسعه پایدار (SDGs)، برنامهٔ اطلاعات برای همه (IFAP)، تحول دیجیتال اخلاق‌محور، جوامع دانشی، نهادهای دانش عمومی (PKI)، هوش مصنوعی انسان‌محور

سواد انتقادی دیجیتال به‌مثابهٔ سپر دفاعی؛ نقش آموزش رسانه‌ای در مواجهه با عملیات روانی هوش مصنوعی

احمدرضا میرزایی
دانشجوی کارشناسی‌ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه تهران، تهران، ایران
a.r.m.ch1371@gmail.com

فرزانه شریفی*
استادیار گروه علوم ارتباطات، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه بین‌المللی سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
F.sharifi@soore.ac.ir

چکیده
هوش مصنوعی در کنار مناسبت ها و فواید آن یکی از گزینه‌های عملیات روانی است. برای این منظور به نظر می‌رسد می‌توان از سواد انتقادی دیجیتال همچون سپر دفاعی استفاده کرد. در این حالت توجه به آموزش رسانه‌ای ضروری است. در پژوهش حاضر، بر اهمیت تلفیق آموزش رسانه‌ای با ارتقای سواد دیجیتال به‌منزلهٔ راهبردی کلیدی برای ایمن‌سازی فضای شناختی جامعه در عصر هوش مصنوعی تأکید شده است. در این پژوهش، با هدف کاربردی و با بهره‌گیری از رویکرد داده‌کاوی و به‌طور خاص، روش درخت تصمیم‌گیری به بررسی موضوع پرداخته‌ایم. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه‌ای ساختاریافته از دانشجویان دانشگاه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی جمع‌آوری شد. تعداد افراد نمونه برابر با ۲۱۳ نفر بود. یافته‌های این پژوهش نقش محوری سواد انتقادی دیجیتال و آموزش رسانه‌ای را همچون سپر دفاعی در برابر عملیات روانی هوش مصنوعی تأیید می‌کند. بر اساس تحلیل‌های مبتنی‌بر الگوریتم درخت تصمیم، راهکار بهینه‌سازی فرایندی چندمرحله‌ای است که بهبود آموزش رسانه‌ای شرط تعیین میانگین امتیاز حاصل از محاسبات CRT برای ارتقای سواد دیجیتال شناسایی شد. نتایج نشان داد هنگامی که سطح آموزش رسانه‌ای به حد مطلوب برسد، افزایش سواد دیجیتال با کارایی بیشتری صورت می‌پذیرد. ترکیب هدف‌مند این دو مؤلفه در مدل پیشنهادی نشان‌دهندهٔ دقت پیش‌بینی بسیار زیاد و نزدیک به ۰/۹۷ در مقابله با تهدیدهای شناختی هوش مصنوعی است. این یافته‌ها الگویی عملی برای سیاستگذاران فراهم می‌آورد که بر اساس آن می‌توانند برنامه‌های مقاومت‌سازی شناختی را با رویکردی داده‌محور طراحی و اجرا کنند.

کلیدواژگان: آموزش رسانه‌ای، سپر دفاعی، سواد انتقادی دیجیتال، عملیات روانی هوش مصنوعی

قبیله‌های الگوریتمی؛ مطالعه‌ای مردم‌شناختی از شکاف نسلی و بی‌اعتمادی در گفتمان دیجیتال ایرانی

حسین میرزایی
استادیار گروه مطالعات فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
hossein.mirzaei@atu.ac.ir

چکیده

در این پژوهش با رویکردی مردم‌شناختی و بهره‌گیری از روش «مردم‌نگاری مجازی»، پدیدهٔ «قبیله‌سازی الگوریتمی» و نقش آن در تعمیق شکاف نسلی و بی‌اعتمادی در گفتمان دیجیتال ایران بررسی شده است. در مطالعهٔ حاضر استدلال شده است که الگوریتم‌های پلتفرم‌های اجتماعی و هوش مصنوعی مولد، با ایجاد حباب‌های فیلترشده و طرح روایت‌های شخصی‌شده، نه تنها توزیع‌کنندهٔ اطلاعات، بلکه سازندهٔ واقعیت‌های اجتماعیِ قطبی و چندپاره هستند. داده‌های این تحقیق از طریق مشاهدهٔ طولانی‌مدت فضای مجازی، تحلیل گفتمان و انجام مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با سه نسل (نوجوانان، میانسالان و سالمندان) گردآوری شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مواجهه و دریافت هر نسل از محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی، به شکل‌گیری نوعی «شکاف سواد رسانه‌ایِ جدید» منجر شده است. نسل جوان‌تر، اغلب درون زیست‌بوم‌های الگوریتمی هم‌افزایی و هویت خود را در این قبیله‌های مجازی تقویت می‌کند؛ درحالی‌که نسل‌های پیشین، احساس بیگانگی، سردرگمی و بی‌اعتمادی عمیقی به صحت و نیت پشت این محتواها گزارش می‌دهند. این امر نه‌تنها گفتمان بین‌نسلی را دچار اختلال می‌کند، بلکه «اعتماد عمومی» را به‌منزلهٔ بنیان جامعهٔ مدرن به چالش کشیده است. در این مقاله در نهایت، بر ضرورت توسعه «سواد هوش مصنوعی انتقادی» متناسب با بافت فرهنگی و نسلی ایران تأکید شده است.

کلیدواژگان: بی‌اعتمادی، سواد رسانه‌ای انتقادی، شکاف نسلی، قبیله‌های الگوریتمی، مردم‌نگاری مجازی، هوش مصنوعی مولد

هوش مصنوعی و مسئله فساد سیاسی؛ تحلیل ظرفیت‌ها و چشم‌اندازهای احتمالی

علی‌اشرف نظری
استاد علوم سیاسی انشگاه تهران، تهران، ایران
aashraf@ut.ac.ir

چکیده
تأمین تعهد به حاکمیت قانون و مبارزه با فساد و سوءاستفاده از قدرت عمومی چالشی همیشگی در همة جوامع است. فساد سیاسی به‌واسطة انحراف از حاکمیت قانون و بهره‌برداری از قدرت عمومی یا واگذارشده از طریق اعمال نفوذ بر فرایند تصمیم‌گیری در راستای منافع خصوصی ایجاد می‌شود. باید در نظر داشت که فساد نه‌تنها توزیع منابع را مخدوش می‌کند، بلکه مستقیماً شکل‌گیری قدرت و اجرای آن را نیز تغییر می‌دهد، نهادهای سیاسی و قواعد بازی را دستکاری می‌کند و زوال سیاسی را به‌همراه می‌آورد. فساد سیاسی نه‌تنها برای منافع شخصی، بلکه وسیله‌ای برای تسخیر و حفظ قدرت استفاده می شود، زیرا از طریق توزیع غیرقانونی امتیازات و امتیازات، مانند انتصاب در مناصب عمومی یا مفاد قراردادهای سودآور، مقام‌های عمومی از حمایت سیاسی برخوردار می‌شود؛ به این معنا که فساد سیاسی به دور باطلی نیرو می‌بخشد که در آن یک مقام دولتی که به منابع عمومی دسترسی دارد، فرصت‌های بیشتری برای خرید آرا دارد که به شکل‌گیری سیستم‌های مشتری‌گرا و سیستم‌های حامی‌پرور منجر می‌شود که ممکن است حتی در سیستم‌ای سیاسی دموکراتیک فرضی بقا پیدا کنند. پرسش اصلی این است که آیا هوش مصنوعی فساد را از بین می‌برد یا خود نیز موجد نوعی جدی از فساد سیاسی خواهد شد؟ فرضیة اصلی این است که اگر سیستم هوش مصنوعی به‌طور عینی مستقل باشد و توسط هیچ برنامه‌نویس نرم‌افزاری کنترل نشود، فساد از بین خواهد رفت. بنابراین، پلتفرم های مبتنی‌بر بلاک‌چین ابزاری برای مبارزه با فساد در عرضة خدمات عمومی و مدیریت دولتی است، زیرا این ظرفیت را دارد که رکوردی دقیق بدون نیاز به واسطه‌ای مرکزی یا انسانی برای احراز هویت و تضمین صحت تراکنش‌ها عرضه دارد. فرض بر این است که بلاک‌چین برای ایجاد انقلاب در جوامع و توزیع مجدد قدرت اجتماعی و اقتصادی، حاکمیت قانون را بیش از پیش ترویج می‌کند. متأثر از چنین مسائلی، بسیاری از دولت‌ها از سیستم‌های هوش مصنوعی که برای دقیق‌تر و عادلانه‌ترکردن فرایندهای دولتی طراحی شده‌اند، استفاده می‌کنند. سیستم‌های هوش مصنوعی به‌عنوان از بین برنده فساد تبلیغ می‌شوند، به این دلیل که قوانین از پیش برنامه‌ریزی‌شده، داده‌های رمزنگاری‌شده و محافظت‌شده، و دفتر کل توزیع‌شده، بی‌صداقتی، تعصب و خودسری را ریشه‌کن می‌کند.

کلیدواژگان: سیاست، شفافیت، عدالت، فساد، هوش مصنوعی

نهادهای دانش عمومی و نقش آنها در ارتقای سواد اطلاعاتی در مواجهه با روایت‌های مصنوع هوش مصنوعی

محمدنوری*
دانشجوی کارشناسی‌ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mohammadnouri14@gmail.com

منیره‌شاکری‌فر
دانشجوی دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران
lammonir62@gmail.com

چکیده
گسترش فناوری‌های هوش مصنوعی و ظهور روایت‌های مصنوع همچون اخبار جعلی، تصاویر و ویدئوهای دستکاری‌شده، مرز میان واقعیت و مجاز را کم‌رنگ کرده و اعتماد عمومی به اطلاعات را با چالش مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، ارتقای سواد اطلاعاتی و توانایی تحلیل انتقادی شهروندان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. نهادهای دانش عمومی، به‌ویژه کتابخانه‌های عمومی، به‌دلیل دسترس‌پذیری و اعتماد اجتماعی، می‌توانند نقش اساسی در توانمندسازی کاربران در مواجهه با روایت‌های مصنوع ایفا کنند. این پژوهش، با هدف بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های کتابخانه‌های عمومی ایران در ارتقای سواد اطلاعاتی مرتبط با روایت‌های مصنوع و طرح چارچوبی پیشنهادی برای بهبود این وضعیت انجام شد. روش پژوهش کیفی و کاربردی است. علاوه‌بر مرور نظام‌مند منابع علمی، از پرسشنامهٔ نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. جامعهٔ پژوهش شامل کتابداران کتابخانه‌های عمومی بود که با نمونه‌گیری هدف‌مند، ۱۵ نفر پرسشنامه را تکمیل کردند. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شد. نتایج نشان داد سطح آشنایی کتابداران با مفهوم روایت‌های مصنوع کم (میانگین ۲/۳ از ۵) است و کتابخانه‌ها تاکنون برنامهٔ آموزشی منسجمی در این زمینه نداشته‌اند (میانگین ۲/۰). در مقابل، کتابداران نیاز جدی کاربران به آموزش را تأیید کردند (میانگین ٤/٤) و علاقهٔ زیادی به برگزاری کارگاه‌های آموزشی داشتند (میانگین ٤/٦). تحلیل کیفی پاسخ‌ها نیز سه چالش اصلی را برجسته ساخت: کمبود منابع آموزشی به‌روز، نیاز به کارگاه‌های عملی، و ضعف زیرساخت‌های فناورانه. کتابخانه‌های عمومی با طراحی برنامه‌های آموزشی نوین، توسعه منابع بومی و تقویت زیرساخت‌ها، در ارتقای سواد اطلاعاتی و توانمندسازی جامعه در مواجهه با روایت‌های مصنوع نقش مهمی ایفا می‌کنند.

کلیدواژگان: بوم‌شناسی اطلاعات، روایت مصنوع، سواد اطلاعاتی، کتابخانه‌های عمومی، هوش مصنوعی

ضرورت سواد انتقادی در مقابله با عملیات روانی مبتنی‌بر هوش مصنوعی

مهدی نوری چورتی*
دانشجوی دکتری، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mehdi.n1992@yahoo.com

سارینا شاکری آستانی
دانشجوی کارشناسی میکروبیولوژی آزمایشگاهی، دانشگاه آزاد ساری، ایران
sarinashakeri9@gmail.com

چکیده
تحولات شتابان فناوری‌های هوش مصنوعی، عرصه‌ای تازه برای عملیات روانی و دستکاری ادراک عمومی فراهم ساخته است. ابزارهایی همچون جعل‌عمیق، چت‌بات‌های هوشمند و الگوریتم‌های توصیه‌گر با قابلیت تولید و توزیع پیام‌های هدفمند، امکان اثرگذاری بر نگرش‌ها و رفتار جوامع را در مقیاسی بی‌سابقه مهیا کرده‌اند. در چنین فضایی، مرز میان واقعیت و بازنمایی مصنوعی به‌شدت کم‌رنگ شده و ظرفیت مداخله در فرایندهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی افزایش یافته است. این وضعیت ضرورت بازاندیشی در مهارت‌های شناختی و رسانه‌ای شهروندان را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد. در مقالهٔ حاضر، با رویکردی تحلیلی-انتقادی و با بهره‌گیری از مرور منابع علمی و بررسی نمونه‌های عینی عملیات روانی مبتنی‌بر هوش مصنوعی، به واکاوی مفهوم «سواد انتقادی» همچون سپری پایدار در برابر این تهدیدها پرداخته‌ایم. سواد انتقادی فراتر از توانایی تشخیص اطلاعات درست و غلط، بر پرسشگری فعال، تحلیل منافع و انگیزه‌های پنهان، و شناسایی سوگیری‌های الگوریتمی تأکید می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که فقدان سواد انتقادی، مخاطبان را به مصرف‌کنندگان منفعل محتواهای جعلی تبدیل کرده است و زمینه‌ساز آسیب‌های شناختی، قطبی‌سازی اجتماعی و تهدید امنیت ملی می‌شود. همچنین، تحلیل نمونه‌های اخیر بیانگر آن است که ارتقای این مهارت در سطوح فردی و نهادی، شرطی اساسی برای افزایش تاب‌آوری شناختی و پایداری اجتماعی در عصر هوش مصنوعی است. در نتیجه‌گیری مقاله بر این نکته تأکید شده است که سیاستگذاری آموزشی، آگاهی‌رسانی عمومی و مسئولیت‌پذیری پلتفرم‌های فناورانه باید هم‌زمان تقویت شود تا بتوان با بهره‌گیری از خودِ فناوری، در برابر فریب‌های دیجیتال مقاومت کرد. به‌بیان دیگر، سواد انتقادی نه‌تنها ابزاری برای دفاع شناختی، بلکه ضرورتی بنیادین برای حفظ استقلال فکری و انسجام اجتماعی در مواجهه با جنگ‌های روانی نوین است.

کلیدواژگان: جنگ روانی، جعل عمیق، سواد انتقادی، هوش مصنوعی

از ابژه الگوریتمی تا سوژه کنشگر؛ معماری عاملیت انسانی بر شالوده آمادگی شناختی

محمدرضاوفائی*
پژوهشگر علوم اعصاب فرهنگی (نویسنده مسئول)
info@larsapub.com

انسیه‌پولادزاده
پژوهشگر مطالعات ارتباطی

چکیده

ما گمان می‌کردیم اینترنت، آرمان‌شهر رهایی‌بخش ما خواهد بود. اما این خوش‌بینی، آن‌طورکه منتقدان هشدار می‌دهند، به گریز جمعی از پیچیدگی‌های اجتماع واقعی انجامیده است. ما به صحنه‌ای پناه برده‌ایم که در آن، هر کلیک بخشی از «اجرای دیجیتال» بی‌پایان است. ما خود را بازیگران این صحنه می‌پنداشتیم، غافل از آنکه کارگردانی نامرئی به نام «الگوریتم»، با صحنه‌پردازی‌های خود، رشته‌های ما را در دست گرفته و ما را به عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی خود بدل کرده است. در این مقاله استدلال شده است این وضعیت، انسان را از جایگاه فاعل شناسا، به «ابژه الگوریتمی» تقلیل می‌دهد: موجودی منفعل که رفتارش مهندسی و توجهش به کالا تبدیل می‌شود. در این پژوهش، سرنوشت محتوم «ابژگی» را نمی‌پذیرد و در پی ترسیم مسیری برای معماری دوبارهٔ عاملیت است. هدف ما پاسخ به این پرسش کلیدی است: چگونه می‌توان از «ابژه الگوریتمی» که نقش آن با صحنه‌پردازی الگوریتمی اسکریپت‌نویسی شده، به «سوژه کنشگر» تبدیل شد که عاملیت خود را بازیافته و «خود» را به شکلی اصیل بر این صحنه روایت می‌کند؟ در این پژوهش نخست با کالبدشکافی «اجرای دیجیتال» و پیوند آن با منطق «اقتصاد ترغیب»، فرایند «ابژه‌شدن» کاربر تحلیل شده است. سپس، نشان داده‌ایم که چگونه این بستر، به زمین بازی «جنگ شناختی» و «فریبکاری توانمندشده با هوش مصنوعی» بدل شده است. در نهایت، با تکیه بر مبانی نظری علوم اعصاب فرهنگی و نظریهٔ انتقادی، چارچوب راهبردی «آمادگی شناختی» را شالوده گذار از ابژه به سوژه، بنا شده است. یافتهٔ کلیدی، مفصل‌بندی فرایند نامرئی «ابژه‌سازی شناختی» است. پلتفرم‌ها در بهینه‌سازی «خود» برای کسب تعامل، نه فقط از داده‌های ما، بلکه از خودِ هویت ما به‌منزلهٔ مادهٔ خام استفاده می‌کنند. این فرایند، با فرسایش توانایی‌های شناختی حیاتی مانند توجه پایدار و تفکر انتقادی، فرد را به هدفی آسیب‌پذیر برای عملیات روانی بدل کرده است و با مخدوش‌ساختن مرز حقیقت و «روایت‌های مصنوع»، ظرفیت شهروندی دموکراتیک را به خطر می‌اندازد. در این مقاله به این نتیجه رسیدیم که مسیر گذار از «ابژه الگوریتمی» به «سوژه کنشگر»، از طریق معماری عاملیت انسانی پیموده می‌شود؛ معماری‌ای که خود بر شالوده «آمادگی شناختی» استوار است. این آمادگی، با سه مؤلفهٔ خود (آگاهی فراشناختی، سواد الگوریتمی انتقادی، و عاملیت دیجیتال)، ابزار لازم را برای قطع‌کردن رشته‌های نامرئی فراهم می‌آورد. این تنها راه برای آن است که از عروسکی در تئاتر داده‌ها، به سوژه‌ای اصیل و کنشگرِ روایت زندگی خویش بدل شویم و صحنه را بازپس گیریم.

کلیدواژگان: ابژه الگوریتمی، اجرای دیجیتال در زندگی روزمره، انقلاب ترغیب، آرمان‌شهر دیجیتالی، سوژه کنشگر، سوشوفوبیا (ترس از اجتماع)، مهندسی واقعیت

آینده‌پژوهی هوش مصنوعی و زمان مجازی در عصر دیجیتال؛ صیانت از ارزش‌های تاریخی و اصالت میراث فرهنگی

هاله‌هلالی‌اصفهانی*
دانشجوی دکتری تخصصی حفاظت و مرمت اشیای تاریخی و فرهنگی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
h.helali@student.art.ac.ir

رسول‌وطن‌دوست
استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران؛ بازنشستهٔ ریاست پژوهشکدهٔ حفاظت و مرمت، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، ایران

چکیده
جهانی‌شدن، عرصهٔ توسعه و گسترش فناوری‌های نوین همچون هوش مصنوعی است. این عرصه، زیرساخت فضای سایبری را بر پایهٔ زیرساخت فناوری چندلایه در ارتباطات جهانی به‌وجود آورده است که از زمان فیزیکی به‌منزلهٔ بُعد چهارم در هندسهٔ جهان و زیست‌انسان فراتر رفته و آن را به زمان مجازی تبدیل کرده و فضایی دوزمانی بر اساس ماهیت دوگانهٔ دنیوی کرهٔ زمین ایجاد کرده است. تغییرات ناشی از زمان مجازی در عصر دوفضایی جهان، بر ارزش‌های تاریخی و اصالت میراث فرهنگی تأثیر می‌گذارد؛ این تغییرات، باورهای شناختی اصیل و حقیقی مبتنی‌بر توهم شناختی و دستکاری در تجربهٔ زمان در فرایند حفاظت و فرسایش‌های طبیعی ایجادشده در آثار تاریخی فرهنگی طی ادوار گذرانده است؛ همچنین، باور به اصالت آثار فرهنگی را در نسل جدید در عرصهٔ میراث فرهنگی به‌چالش می‌کشد. این امر نیازمند بررسی دقیق و آینده‌نگرانه است. هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل تأثیرات زمان مجازی بر ارزش‌های تاریخی و اصالت میراث فرهنگی، با تمرکز بر ایجاد توهم شناختی در نسل جدید در بستر جهانی‌شدن است. این پژوهش به روش تحلیل محتوا بر پایهٔ ارائهٔ تصاویر انجام شده است که به تحلیل شناختی با استفاده از رویکرد آینده‌های محتمل-سناریونویسی انجامید. انتظار می‌رود این پژوهش، تأثیرات مثبت و منفی زمان مجازی بر میراث فرهنگی را مشخص کند و راهکارهایی برای درک و مقابله با آثار منفی زمان مجازی در صیانت از اصالت و ارزش‌های تاریخی میراث فرهنگی و جلوگیری از تحریف تاریخی در عصر دوفضایی (دیجیتال) ارائه دهد. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش شامل راهبردهایی است برای سیاستگذاران حکمرانی داده، موزه‌ها، سازمان‌های وابسته به میراث فرهنگی و دیگر ذی‌نفعان در این حوزه.

کلیدواژگان: ارزش تاریخی، اصالت میراث فرهنگی، آینده‌پژوهی، توهم شناختی، زمان مجازی، هوش مصنوعی

مداخله‌های بازارگاه‌های پلتفرمی دیجیتال در الگوهای ذهنی و شناختی

نواب‌همتیان
اداره مسئولیت اجتماعی همراه اول

مازیاررستمی
اداره مسئولیت اجتماعی همراه اول

چکیده

در مباحث مرتبط با علوم شناختی، سواد دیجیتال و اقتصاد بازار، ادراک الگوهای ذهنی انسان توسط کاربران فناوری‌های دیجیتال اهمیت ویژه‌ای دارد تا جایی که اقتصاد توجه گزاره‌ای شناختی در اقتصاد برای ایجاد پویایی در سازوکارهای بازار محسوب می‌شود تا مبتنی‌بر ذهنیت‌های شکل‌گرفته و الگوهای ذهنی جامعه در متن فناوری‌های دیجیتال پیش رود. نیاز عنصر و محرک اولیه و پایه در وجود انسان و بستری است که بازارگاه‌های دیجیتال مختلف مبتنی بر آن اقتصاد خود را رقم می‌زنند. ازجمله قلمروهای مهم و کاربردی در شکل‌دهی به اقتصاد توجه، پلتفرم‌های مجازی شکل گرفته در متن فناوری‌های دیجیتال است. لازمة واردکردن جامعه به تحرکات بازار و ایجاد پویایی اقتصادی، پلتفرم‌ها و ایجاد ذهنیت پلتفرمی در اذهان جامعه و صاحبان بازار است؛ یکی برای شتاب‌دهی به شکل‌گیری بازار، و دیگری برای آوردن شیوه‌های تأمین نیاز جامعه در متن پلتفرم‌های دیجیتال. حال زمانی که تأمین نیاز از حالت مکان‌مند (location) به حالت وضعیت‌مند (status) تغییر می‌کند، شکل‌دهی به الگوهای ذهنی برای تصاحب توجه مخاطب در پلتفرم‌ها اهمیت می‌یابد. در چنین شرایطی است که جامعة مخاطب ضمن تأمین نیازهای خود متوجه تغییراتی نمی‌شود که بازارگاه‌های مجازی و دیجیتال در الگوهای ذهنی او ایجاد می‌شود. آشنایی با چگونگی ایجاد چنین سازوکارهایی برای تغییر در الگوهای ذهنی به‌منظور تأمین اهداف اقتصادی توسط بازارگاه‌ها، با فهم چگونگی شکل‌دهی به ذهنیت پلتفرمی جامعه توسط این صاحبان کالاها رابطة مستقیمی دارد؛ اعم از خرید و فروش کالاهای فیزیکی و کالاهای ذهنی.

کلیدواژگان: بازارگاه‌های پلتفرمی دیجیتال، ذهنیت پلتفرمی، نیاز مکان‌مند، نیاز وضعیت‌مند

هوش مصنوعی و بررسی ابعاد کلی اثرگذاری آن

علیرضا یاری
عضو هیئت علمی پژوهشگاه ارتباطات و فناوری اطلاعات، تهران، ایران
a_yari@itrc.ac.ir

چکیده

هوش مصنوعی یکی از فناوری‌های نوظهور و تأثیرگذار در دنیای معاصر است که تغییرات بنیادینی در عرصه‌های گوناگون ایجاد کرده است، ازجمله در عرصه‌های شامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری. این فناوری با استفاده از الگوریتم‌های پیشرفتهٔ یادگیری ماشینی، تحلیل داده‌های عظیم و پردازش خودکار، توانسته فرایندهای پیچیده و تصمیم‌گیری‌های انسانی را به سطح بالاتری ارتقا دهد. در حوزه اقتصادی، هوش مصنوعی افزایش بهره‌وری، خلق مدل‌های نوین کسب‌وکار و بهبود کیفیت خدمات را موجب شده است، اما تغییرات ساختاری در بازار کار و نیاز به مهارت‌های جدید، چالش‌های جدی به‌دنبال دارد. در بُعد اجتماعی، هوش مصنوعی در تسهیل ارتباطات، آموزش و خدمات بهداشتی نقش مهمی ایفا کرده و کیفیت زندگی را افزایش داده است، بااین‌حال نگرانی‌هایی مانند کاهش ارتباطات انسانی، حفظ حریم خصوصی و آثار رفتاری ناخواسته وجود دارد. از نظر فنی، پیشرفت‌هایی نظیر یادگیری عمیق، پردازش زبان طبیعی و بینایی ماشین، امکانات گسترده‌ای برای تحلیل داده‌ها و خودکارسازی فعالیت‌های متنوع فراهم کرده است. مسائل اخلاقی نیز در استفاده از هوش مصنوعی اهمیت یافته است؛ مواردی همچون تبعیض الگوریتمی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و حفظ حقوق بشر نیازمند تدوین چارچوب‌های منسجم و مقررات دقیق برای توسعه مسئولانهٔ این فناوری است. همچنین، هوش مصنوعی بر توانمندی‌ها و رفتارهای انسانی تأثیرگذار است؛ از یک‌سو به افزایش قابلیت‌های شناختی کمک می‌کند؛ از سوی دیگر، وابستگی بیش از حد ممکن است مهارت‌های فردی را کاهش دهد. در این تحقیق با بررسی جامع این ابعاد، ضمن تحلیل فرصت‌ها و چالش‌ها، راهکارهایی برای بهره‌برداری هوشمندانه از هوش مصنوعی به‌منظور هم‌زیستی متعادل و پایدار انسان و ماشین مطرح شده است. در نهایت، همکاری بین سیاستگذاران، جامعهٔ علمی و صنعت برای پیشبرد توسعه اخلاقی و پایدار این فناوری ضروری است تا آینده‌ای هوشمندتر، عادلانه‌تر و انسانی‌تر رقم بخورد.

کلیدواژگان: اخلاق هوش مصنوعی، تأثیر اجتماعی، تأثیر اقتصادی، حفاظت از داده‌ها، فناوری‌های نوین، هوش مصنوعی، یادگیری ماشین

٤٥-١٠٣ 45-103

بخش انگلیسی English Section

Table of content

48 | **Saied Reza Ameli** | Message from the President

55 | **Borhan Aeini** and **Niloufar Nosraty** | The Algorithmic Aesthetic: How AI Is Reshaping Social Media Users' Perception of Beauty

56 | **Behzad Ahmadi** | Artificial Intelligence and Arms Races in the Middle East after Israel's 12-Day War against Iran

57 | **Saied Reza Ameli** and **Manijeh Akhavan** | Minds over Machines: The Superiority of Human Intelligence in the Socialization of Artificial Intelligence Based on Theory of Dual-spacization of Intelligence

59 | **Aida Arsalani** and **Sahand Sakhaei** | Media Literacy and Protecting Privacy in the Age of AI

60 | **Arthur Asa Berger** | The Electronic Imperative: Media, Artificial Intelligence, and Intertextuality

61 | **Zahra Bagheri** | The role of European Union artificial intelligence policies in the environment

62 | **Khodayar Barari** | The Role of AI in Russia's Military Strategy and National Security

63 | **Hamid Reza Dashti** | Generation Z and the Crisis of Values in the Information Age: The Role of Media Literacy in the Reconstruction of Meaning

64 | **Manijeh Firoozy** | Artificial Intelligence Fake Information on Health Decision Making: A Pilot Study

65 | **Kobra Gooran** and **Afsoom Sabetpour** | Artificial Intelligence Literacy and Energy Consumption Optimization

66 | **Simin Habib Zadeh Khiyaban** | AI and the Fight Against Money Laundering

67 | **Seyedeh Hamideh Hosseini** | Foreign Language Education with AI

68 | **Marzieh Javadi Arjmand** | From Innovation to Manipulation: The Negative Impact of AI on the U.S. 2024 Presidential Election

69 | **Elaheh Karimi Riabi** | Human Dignity under the Rise of AI: Ethical Challenges through the Lens of Islamic Philosophy

70 | **Melika Khodabin** | Critical AI Literacy Education for Iranian Children

71 | **Roohollah Kohanhoosh Nejad** | The Future of Global Economy in the Age of AI: A Thematic Analysis of The Age of AI and Our Human Future

73 | **Shalaleh Meraji Oskuie** | Anthropomorphism and Gender in Generative AI: An Embedded Mixed Methods Analysis

74 | **Ebrahim Mohseni Ahooei** | Generative AI and the Ontological Inversion of the "Self"

75 | **Milad Mousavi Haghshenas** | Child's Digital Communications: A Study of the Kidfluencer Phenomenon in Cyberspace, Focusing on the YouTube Platform and the Unboxing Genre

76 | **Samaneh Movahedi** and **Seyed Jalal Dehghani Firouzabadi** | Algorithmic Cognitive Manipulation in Political Economy: Implications for Economic Governance and the Cognitive Literacy of Elites

77 | **Maziar Mozaffari Falarti** and **Parisa Ehteshamnia** | AI-Facilitated Deepfakes as a Tool for Cyber Violence Against Women in India: Towards Ethical Governance and Media Information Literacy for the Public Good

78 | **Farnaz Noori** | Artificial Intelligence, Technology Discourse and the New Protagonist: A Review of the AI-Human Relationship in the Movie MEGAN (2022)

79 | **Ramin Nourbakhsh** | Unpacking the Environmental Consequences of AI Infrastructure in Germany

80 | **Elaheh Nourigholamizadeh** | Brazil's Strategic Achievements and Challenges in AI Governance for Environmental Sustainability

81 | **Fatemeh Orouji** and **Fatemeh Karimian** | AI and the Rewriting of Historical Memory: From Court Chronicles to Algorithmic Narratives

82 | **Hossein Pabardja** | Comparing AI Approaches to Political Research on Iran: How Reference Sources Shape Generated Results

83 | **Faezeh Piriyaei** | Visual AI and the Transformation of Truth in Digital Media

84 | **Farhad Rahmatian** | Overreliance on AI and Human Agency

85 | **Zahra Sadat Roozafzai** | Minds Over Algorithms: Ensuring Human Agency and Ecological Responsibility in AI Governance

86 | **Shaho Sabbar** | Academic Integrity in Crisis: How AI Has Ushered in a New Era of Cheating in Higher Education

87 | **Shoaib Sabbar** | Artificial Intelligence and the Transformation of International Trade

88 | **Setareh Sadeqi Mohammadi** | Media Literacy as a Sheild Against Cognitive Warfare: An analysis of the Digital Media Coverage of Iran's 2021 Protests

89 | **Farzan Safari Sabet** | The Role of AI in Shaping Disinformation and Media Narratives of Victory and Defeat: A Comparative Study of 2025 India-Pakistan and Iran-Israel Wars

90 | **Mandana Sajjadi** | Beyond Simulated Empathy: Trauma, the Body, and the Human Advantage

92 | **Karim Salehi** | AI and the Future of Legal Services

93 | **Mohammad Bagher Shabanpour** | Decolonizing the Literary AI: Towards a Future of Narrative Plurality in the Age of LLMs and Digital Neocolonialism

94 | **Ehsan Shahghasemi** | AI, Ethics, and the Crisis of Free Expression in the Age of Political Correctness

95 | **Mahsa Sharajsharifi** | AI Literacy as a Core Competency for Future Risk Management Professionals

96 | **Elia Shayegani Akmal** | Human-AI Collaborative Intelligence: A Machine Learning Framework for Enhanced Digital Media Literacy

97 | **Atefeh Soroori Sarabi** and **Mohammad Sharif Sharifi Poor Bgheshmi** | AI's Transformation of Human Response to Natural Disasters

98 | **Maryam Tayefeh Mahmoudi** | A Framework for Organizational Asset Value Creation by AI-based Metaverse Museum

99 | **Atefeh Toghyani** | From Ubuntu to Algorithms: Reimagining AI through African Futurist Literature

100 | **Simindokht Tomraee** | AI Literacy and the Future Patient

101 | **Reza Toosi** | AI for Geo-Specific Disease Diagnosis

102 | **Manish Verma** | Media and Information Literacy in the Age of AI and Misinformation

103 | **Mahsa Zamani** | Managing Media in the Age of AI Disinformation: Toward Informed Resilience

Message From the President

In the Name of God

The Philosophy of Artificial Intelligence and Civilizational Diplomacy: Algorithms of Peace and the Prevention of the Destruction of Humanity and Nature

Saied Reza Ameli
Professor of Communication and Global Studies, University of Tehran
President of the 8th International Conference on Media and Information Literacy
ssameli@ut.ac.ir

Introduction: The Philosophy of Artificial Intelligence

Artificial intelligence (AI), both in theory and in practice, is a continuously evolving phenomenon. Although, in the Eurocentric narrative, the emergence of the term "artificial intelligence" is attributed to John McCarthy et al. (1956) Dartmouth Summer Research Project on Artificial Intelligence, its conceptual roots extend far beyond this point in time, drawing from multiple intellectual traditions. Throughout history, there have been persistent human efforts to liberate humankind from manual and cognitive labor. For instance, in ancient China, various mechanical instruments such as the abacus were invented to aid cognitive tasks (Thomas, 2016; Lyons, 2001).

Philosophers, however, were the first to seek ways of developing valid computational systems for ideas and concepts. In this regard, Aristotle was a pioneer in proposing a formal system of deductive reasoning in the Organon (Russell & Norvig, 2022; Davis, 1998; Losee, 2017). The next significant step came from Ramon Llull, a medieval philosopher and missionary (c. 1232–1315), who constructed a reasoning system known as Ars Magna. This system consisted of rotating paper wheels inscribed with concepts derived from the shared doctrines of Islam, Christianity, and Judaism. With each rotation, new combinations of ideas emerged, forming the basis for arguments that were difficult to reject by adherents of different faiths (Russell & Norvig, 2022; Fidora & Sierra, 2011). Another milestone in this intellectual trajectory was the design and development of mechanical calculators. Leonardo da Vinci was the first to sketch a design for such a machine around 1500 (Russell & Norvig, 2022). Practical prototypes appeared later through the works of Wilhelm Schickard, a German scientist (1592–1635); Blaise Pascal, the French philosopher and mathematician (1623–1662); and Gottfried Wilhelm Leibniz, a German rationalist philosopher and mathematician (1646–1716). Schickard's calculator could perform the four basic arithmetic operations—addition, subtraction, multiplication, and division. Pascal's Pascaline could add and subtract numbers of up to eight digits (Russell & Norvig, 2022; Ifrah, 2001), while Leibniz's machine expanded

this capability to include multiplication and division (Lyons, 2001). Notably, Leibniz also designed a mechanical device for computing concepts and logical relations rather than numbers (Davis, 1998).

On the other hand, within the rationalist tradition, following René Descartes' dualism of mind and matter (1596–1650), a mechanistic conception of the human body—as matter—gained traction (Magee, 2019). Subsequently, materialists such as Thomas Hobbes (1588–1679) extended the mechanical worldview to encompass the entire universe—both mind and matter— arguing that even mental processes were merely the movement of matter within the human skull (Magee, 2019: 79).

At the intersection of rationalism and materialism, a middle-ground proposition emerged: the human mind is a physical system that reasons based on the knowledge encoded within itself, yet its nature transcends human comprehension (Russell & Norvig, 2022). This, in turn, raised the question of the source of human knowledge. In response, empiricists influenced by Francis Bacon (1562–1626) turned to sensory experience. John Locke (1632–1704) argued that all the content of the human mind derives from experience (Magee, 2019), while David Hume (1711–1776) proposed that general rules arise through induction and observation (Russell & Norvig, 2022). Another significant philosophical tradition—rooted in the analysis of meaning, language, and logic—was shaped by Ludwig Wittgenstein (1889–1951) and Bertrand Russell (1872–1970). Their teachings inspired the Vienna Circle and the doctrine of logical positivism (Russell & Norvig, 2022), which introduced rigorous logical-linguistic frameworks to positivism (Lyons, 2001) and aimed to establish philosophical foundations for a scientific worldview as the ultimate source of knowledge (Magee, 2019).

The Role of Logic and Computational Knowledge in the Development of Artificial Intelligence

Although the contribution of philosophers to the conceptual development of AI is remarkable, it was during the 19th and early 20th centuries that the notions of logic and probability were formalized in mathematical terms, giving rise to a new branch of mathematics known as computation. The history of computation itself is deeply rooted in the history of numbers, yet one of its most significant milestones dates back to the work of Muhammad ibn Musa al-Khwarizmi, a Persian–Islamic mathematician of the ninth century (c. 780–850 CE / 158–229 AH). His treatises, The Compendious Book on Calculation by Completion and Balancing (al-Kitāb al-mukhtaṣar fī ḥisāb al-jabr wa'l-muqābala) and Addition and Subtraction in Indian Arithmetic (al-jam' wa'l-tafrīq bi-ḥisāb al-hind), introduced European scholars to Arabic numerals and algebra. He was the first to present the concept of a formalized algorithmic process for problem-solving (al-Khwarizmi, 1405 AH; Russell & Norvig, 2022; Thomas, 2010). Given that artificial intelligence is fundamentally rooted in mathematics and is the product of coded interactions among nodes of connection, it is fair to recognize al-Khwarizmi—the Persian sage—as the true founder of artificial intelligence. His formulation, nearly 12 centuries ago, of a step-by-step method for solving problems resembles the cognitive processes by which the human mind arrives at solutions when confronting unknown.

In the broader history of mathematics, Boolean logic, introduced by George Boole (1815–1864), and first-order logic (predicate logic), developed by Gottlob Frege (1848–1925), played a decisive role in establishing the mathematical foundations of AI. In addition, the development of probability theory and statistics—which addressed how valid reasoning could be achieved with uncertain information—as well as Gödel's incompleteness theorems and computational complexity theory, which defined the limits of computability, all profoundly influenced the rise of AI (Russell & Norvig, 2022).

The Role of Other Sciences in Shaping the Capacities of Artificial Intelligence

AI has also drawn extensively from other fields of knowledge, particularly economics, where decision-making and behavioral modeling are involved. Concepts such as utility theory (Davis, 1998), decision theory, game theory, and the idea of satisfactory decision-making have been instrumental in enabling machines to simulate decision-making processes (Russell & Norvig, 2022; Simon, 1997).

Similarly, neuroscience forms one of the main foundations of AI. Discoveries in neurophysiology have provided AI researchers—especially those seeking to understand how the human brain processes information—with crucial insights into cognitive structures. Psychology has likewise played an important role, since its scientific investigations into how humans think and act have provide the theoretical framework for understanding the mind's mechanisms. In parallel, computer engineering addresses the practical question, "How can we build efficient machines?"—thereby propelling AI forward. Moreover, control theory and cybernetics, by asking "How can artifacts regulate and control their own behavior?", have significantly contributed to the advancement of AI. Finally, linguistics—through inquiries into the relationship between language and thought—has enriched AI research with valuable perspectives (Russell & Norvig, 2022).

A New Framework for the Formation of Artificial Intelligence

According to the linear and Eurocentric account, the idea of AI emerged with Alan Turing's (1950) question, "Can machines think?", and his introduction of the Turing test. In 1956, John McCarthy, Marvin Minsky, Claude Shannon, and Nathaniel Rochester formally coined the term "artificial intelligence" during the Dartmouth Summer Research Project on AI (McCarthy et al., 1955). In the 1960s and 1970s, AI developed through problem-solving systems and theorem proving, but in the 1980s it entered the so-called "AI winter", due to limited hardware capacity and unmet expectations (Russell & Norvig, 2022). A revival occurred in the late 1980s with expert systems, followed in the 1990s by the landmark victory of IBM's Deep Blue over chess world champion Garry Kasparov (Nilsson, 2010). In the 2000s and 2010s, neural networks and deep learning led to breakthroughs in facial recognition and machine translation (Goodfellow et al., 2016). Since 2020, large language models and generative AI systems such as GPT and DALL·E have elevated artificial intelligence to a new level (Olson, 2024). From the 1980s onward, AI has been conceptualized as the science of the mind—an endeavor to replicate all human intellectual capacities in artificial form—thereby intertwining the essence of mind, intelligence, and behavior (Putnam, 1967; Searle, 1980).

Although AI constitutes a new domain of science and innovation, it has inherited its core ideas, theories, and techniques from earlier traditions of philosophy, psychology, mathematics, physics, algebra, and computational sciences—including computer science and cognitive science. Today, AI extends across diverse fields, particularly governance (Bullock et al., 2024; Ameli, 2025b), defense studies (Garcia, 2024; Ameli, 2025c), urban management (Cugurullo et al., 2024), industrial processes (Soldatos, 2024; Tyagi et al., 2024; Ameli, 2021), medical systems (Belciug, 2024), and even entertainment and leisure industries (Davidson, 2024)—all of which increasingly resemble algorithmic extensions of human thought (Ameli, 2021; Ameli, 2025a).

Conclusion: Civilizational Advancement of Artificial Intelligence with the Avoidance of the Destruction of Humanity and Natural Life

In any case, artificial intelligence, in its developmental trajectory, has reached a level of sophistication comparable to the human mind and can autonomously arrive at appropriate solutions within human communication. Under the theme "The Superiority of Minds over Artificial Intelligence— Media and Information Literacy in Digital Spaces: Capacities and Challenges of Artificial Intelligence for Nature and Natural Life", serious issues arise that on the one hand reflect hope in smart technologies' potential to facilitate human life and enhance precision in routine and specialized tasks, and on the other,reveal growing concern about preventing the dominance of AI over humans, the denaturalization of human life, and threats to natural ecosystems. The central question is: To what extent can artificial intelligence discern between good and evil, differentiate right from corruption, and justice from injustice—and, above all, refrain from domination, war, moving instead toward peace and tranquility? The clear answer is that AI is ultimately bound by programmed governance systems. Like natural human intelligence, it possesses problem-solving capabilities and can untangle ambiguities and obstacles to the flourishing of life; yet it is also a vehicle for sophisticated deceptions aimed at undermining human life and can serve as an instrument of precise, algorithmic "smart" warfare intended to annihilate human communities. Put differently, today AI can both provide algorithms that facilitate people's lives, ensure fair distribution of resources, and deliver prudent responses to social needs, while simultaneously serving as a capacity for algorithmic consolidation of monopoly and domination—in its most catastrophic form leading to the mass killing of civilians, including acts of terror and genocide (Ameli, 2025b).

How AI behaves depends on its design goals and code. AI can be engineered to minimize environmental destruction, maximize efficiency, and reduce the wasteful consumption of natural resources. Conversely, it can generate algorithms that impose cognitive domination over humans, render life unnatural, and introduce new defensive and military methods that endanger people through targeted terror and mass eradication (Ameli, 2023; Ameli, 2025a). Accordingly, serious international regulation is required to legally prohibit uses that are destructive to humans and nature. The scope of such destructive potentials is vast and encompasses many critical manifestations. Today, human society—and even the biosphere itself—requires an approach of "civilizational intelligence based on algorithms of peace and free from any actions that violate the rights of humans and nature."

****

The 8th International Conference on Media and Information Literacy, entitled "The Superiority of Minds over Artificial Intelligence – Media and Information Literacy in Digital Spaces: Capacities and Challenges of Artificial Intelligence for Nature and Natural Life," constitutes a critical endeavor to conceptualize the capacities and challenges of artificial intelligence, particularly regarding the preservation and enhancement of natural life. This undertaking calls for a profound and multidimensional understanding of artificial intelligence as a phenomenon encompassing digital, algorithmic, computational, cognitive, strategic, and socio-influential dimensions. These aspects not only transform existing systems of life but also demand the establishment of new frameworks designed to safeguard the integrity and sustainability of life, while enhancing governance, administrative processes, and public service structures.

Within this framework, media and information literacy—and, in its more advanced form, artificial intelligence literacy and an understanding of governance algorithms—emerge as indispensable literacies of the contemporary era. These literacies are essential not only for experts and policymakers but for all individuals who engage with AI across diverse domains such as administration, business, healthcare, urban management, and industry. Ensuring human agency and preventing the subordination of humanity's moral and natural dimensions to artificial systems remains paramount. In this regard, religious and divine teachings can provide a moral and ethical compass, guiding the development and application of artificial intelligence toward the promotion of human well-being, moral integrity, and the harmonious coexistence of technology and nature.

At the 8th International Conference on Media and Information Literacy, keynote speakers and participating scholars examined emerging dimensions of literacy in relation to artificial intelligence—dimensions that are both innovative and transformative in shaping the future of Iranian society and the broader global community. The conference featured 43 abstracts in Farsi and 47 abstracts in English, representing contributions from six countries, and was organized into eight specialized panels. Collectively, these scholarly exchanges are expected to generate new insights and contribute meaningfully to the advancement of knowledge in the intertwined fields of media, information, and artificial intelligence literacy.

Bibliography

Al-Khwarizmi, Muhammad ibn Musa. (1985). *Al-Kitab al-Mukhtasar fi Hisab al-Jabra waal-Muqabala*. Beirut: Dar al-Tawhid. [In Persian]

Ameli, S. R. (2021). Artificial Intelligence: Its Nature, Philosophy, and Importance. *Rahavard-e Noor, Vol. 20*, No. 77 (Winter 2021), pp. 15–22. [In Persian]

Ameli, S. R. (2023). The Nature of Artificial Intelligence and Its Applications in New Media. Third Conference on Artificial Intelligence: Media Governance in the Age of AI, Office of Media Studies and Planning, Research Center of the Islamic Consultative Assembly, January 25, Tehran. [In Persian]

Ameli, S. R. (2025a). Speech at the National Conference on Artificial

Intelligence: Human–Machine Communication and Its Future. Iranian Association for Cultural and Communication Studies, in collaboration with the Ministry of ICT and the Faculty of Social Sciences, University of Tehran, May 24. [In Persian]

Ameli, S. R. (2025b). Speech at the 10th Session of the Virtual School of Governance: Artificial Intelligence and Islamic-Iranian Governance of Progress. Islamic Propagation Office, Tehran, May 11. [In Persian]

Ameli, S. R. (2025c). Speech at the Conference on Cognitive Warfare and National Security. Supreme National Defense University, May 12. [In Persian]

Belciug, S. (2024). *The Hospital Manager's Guide to Artificial Intelligence: Concepts, Methods, and Techniques* (Intelligent Systems Reference Library, Vol. 263). Springer Nature Switzerland.

Bullock, Justin B., et al (eds) (2024). *The Oxford Handbook of AI Governance*. Oxford University Press.

Cugurullo, F., et al (Eds.). (2024). *Artificial Intelligence and the City: Urbanistic Perspectives on AI*. Routledge.

Davidson, D. (2024). *AI in Entertainment: Revolutionizing Content, Gaming, and Special Effects*. Pure Water Books.

Davis, R. (1998). What Are Intelligence? And Why?. *AI Magazine, 19* (1), 91-110.

Fidora, A., & Sierra, J. (2011). *Ramón Llull: From the Ars Magna to Artificial Intelligence*. Barcelona: Artificial Intelligence Research Institute (IIIA-CSIC).

Garcia, D. (2024). *The AI Military Race: Common Good Governance in the Age of Artificial Intelligenc*e. United Kingdom: Oxford University Press.

Goodfellow, I., Bengio, Y., & Courville, A. (2016). *Deep learning. MIT Press.*

Ifrah, G. (2001). The Universal History of Computing: From the Abacus to the Quantum Computer. John Wiley & Sons, Inc.

Losee, J. (2017). A Historical Introduction to the Philosophy of Science. Translated by Ali Paya and Jalal Basharati. Tehran: SAMT, Institute for Research and Development in the Humanities. [In Persian]

Lyons, W. (2001). Matters of the Mind. Edinburgh University Press.

Magee, B.. (2019). The Story of Philosophy: The Epic Tale of Western Thought from Ancient Greece to the Present. Translated by Hassan Kamshad. Tehran: Ney Publishing. [In Prsian]

McCarthy, J., Minsky, M. L., Rochester, N., & Shannon, C. E. (1955). A proposal for the Dartmouth summer research project on artificial intelligence. Unpublished manuscript. Retrieved from http://jmc.stanford.edu/articles/dartmouth/dartmouth.pdf.

Nilsson, N. J. (2010). *The quest for artificial intelligence: A history of ideas and achievements*. Cambridge University Press.

Olson, P. (2024). Supremacy: AI, ChatGPT and the race that will change the world. Pan Macmillan UK.

Putnam, H. (1967). The nature of mental states. In W. H. Capitan & D. D. Merrill (Eds.), *Art, mind, and religion* (pp. 37–48). University of Pittsburgh Press.

Russell, S. J., & Norvig, P. (2022). *Artificial intelligence: A modern approach* (4th ed.). Pearson.

Searle, J. R. (1980). Minds, brains, and programs. *Behavioral and Brain*

Sciences, 3(3), 417–457.

Simon, H. A. (1997). *Administrative Behavior, A Study of Decision-Making Processes in Administrative Organizations* (Fourth Edition). Free Press.

Soldatos, J. (Ed.). (2024). *Artificial Intelligence in Manufacturing: Enabling Intelligent, Flexible and CostEffective Production Through AI*. Springer.

Thomas, W. (2010). Algorithms: From Al-Khwarizmi to Turing and Beyond. In: Giovanni Sommaruga & Thomas Strahm (Eds.), *Turing's Revolution, The Impact of His Ideas about Computability*. Springer.

Thomas, W. (2016). Algorithms: From Al-Khwarizmi to Turing and Beyond (29-42). In: Giovanni Sommaruga & Thomas Strahm (Eds.), *Turing's Revolution, The Impact of His Ideas about Computability*. Springer International Publishing.

Turing, A. M. (1950). Computing Machinery and Intelligence. *Mind, 49*: 433-460.

Tyagi, A. K., et al (2024). *Artificial IntelligenceEnabled Digital Twin for Smart Manufacturing*. Wiley.

The Algorithmic Aesthetic: How AI Is Reshaping Social Media Users' Perception of Beauty

Borhan Aeini
Department of Civil Engineering, Azad University, Researcher at the University of Tehran, Tehran, Iran
borhanaeini@guest.ut.ac.ir

Niloufar Nosraty
Guilan University of Medical Sciences, Rasht, Iran
Niloufar.Nosraty@guest.ut.ac.ir

Abstract
Artificial intelligence has become a silent yet pervasive force in shaping visual culture on social media platforms. From facial enhancement filters and beauty recommendation algorithms to AI-curated content and generative avatars, the aesthetics of the digital self are increasingly mediated by machine learning systems. AI-enhanced filters and facial modification tools—widely accessible through platforms like Instagram, TikTok, and Snapchat—do more than alter appearances; they normalize an unattainable ideal that is both homogenized and detached from lived human diversity. These filters often smooth skin, resize facial features, and lighten tones in ways that reflect implicit biases embedded in their training data, favoring Eurocentric and youth-centric traits. As users repeatedly encounter, interact with, and even compare themselves to these algorithmically altered images, beauty becomes less about human variation and more about fitting a machine-learned pattern. This shift has psychological and social consequences. Studies already show increased body dissatisfaction, anxiety, and appearance-related stress among heavy users of AI-enhanced platforms. But beyond individual pathology, a deeper cultural transformation is underway. Beauty is no longer primarily defined by social norms or subcultural styles, but by computational processes that are opaque, self-reinforcing, and indifferent to context. Users increasingly engage with beauty as something to be generated, filtered, and approved by algorithmic systems, rather than something rooted in personal, cultural, or embodied expression. The result is a feedback loop: AI systems learn from popular content and recommend similar patterns, thereby reinforcing a narrow range of visual ideals. Over time, this can flatten aesthetic diversity and suppress alternative beauty narratives.

Keywords: Artificial Intelligence, Social Media, Beauty Standards, Algorithmic Aesthetics, Filters, Body Image

Artificial Intelligence and Arms Races in the Middle East after Israel's 12-Day War against Iran

Behzad Ahmadi
Assistant Professor, Department of European Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
bahmadi@ut.ac.ir

Abstract

Key dimensions of the analog IR - space/distance, time, centralized power/borders/knowledge—which depend on territory, sovereignty, industrialization and capital, have been fundamentally altered by emerging strategic technologies (ESTs) including AI. As a result, the international relations in an increasingly digital/smart world have become characterized by increasing technology-based geostrategic competition with far-reaching implications for peace and security. The Middle East, as a region which is strongly affected by these global competitions, has long been involved in arms races, and emerging technologies in general and artificial intelligence in particular have been a driver of this competition. A good example of the intensity of the impact of weaponizing AI on the aforementioned competition is its extensive use by Israel against Iran in the 12-day war. Given the complexity and relative novelty of the subject, and since few studies have been conducted to date on the impact of artificial intelligence on the arms race in the Middle East considering the recent regional developments, this paper attempts to answer the question "what is the impact of artificial intelligence on the arms race in the Middle East?". Based on the hypothesis, the integration of AI into arms systems has acted as a force multiplier, enhancing both the speed and complexity of warfare. As states in the region seek to maintain their strategic superiority at most and their balance of power at least, AI-based capabilities-ranging from autonomous weapons and cyber offense/defense systems to advanced surveillance technologies, bioweapons, and social engineering tools-have become central to their security strategies and main driver of arms races in the region specially between Israel and the other countries. To answer the main question of this paper, the theoretical framework of technological realism has been used. Based on this theory, states seeks to have the upper hand in ESTs for relative gains and change the balance of power in their interest. To examine the hypothesis, qualitative research methodology has been utilized, encompassing case studies of arms races in the middle east, alongside official document analysis.

Keywords: AI, Arm races, Middle East, Israel, Peace

Minds over Machines: The Superiority of Human Intelligence in the Socialization of Artificial Intelligence Based on Theory of Dual-spacization of Intelligence

Saied Reza Ameli
Professor of Communications and Global Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
ssameli@ut.ac.ir

Manijeh Akhavan
Research Member of Cyberspace Research Policy Center, University of Tehran, Tehran, Iran
m_akhavan@ut.ac.ir

Abstract

Within the framework of the dual-spacization of intelligence theory, with the emergence of a virtual space parallel to physical space, intelligence has acquired a dual spatiality. Artificial intelligence (data-driven AI), in parallel with human natural intelligence, has dual-spatialized the human cognitive and feedback system. According to social theories of intelligence, both natural and artificial cognitive systems emerge from a natural or artificial architecture that is adaptive for socialization within social structures. However, they are not social in their initial state and must become socialized through processes of socialization. In these theories, the socialness of artificial and natural cognitive systems is defined as "the capacity to attain social fluency in one or more cultures", a capacity acquired through processes of socialization. In this process, the superiority of natural social intelligence over artificial social intelligence can be demonstrated within the framework of the dual-spacization of intelligence theory:

- AI becomes socialized within the world of data, which is regarded as a vast data world because of its extensive data capacity within virtual space. In this data world, the cognitive source for the socialization of AI consists of the objectivities and subjectivities of the real physical world, which itself is interwoven with the actualized subjectivities of artificial cognitive systems. Therefore, although the socialization of AI takes place within a dedicated data world, its cognitive source is intertwined with that of humans, and therefore possesses a dual nature of reality and virtuality.
- In applied contexts, the socialization of AI depends on (a) moral codes operating at the infrastructural, institutional-programmatic, and content levels of society, and (b) institutional capacities related to work practices, the social division of labor, and system of social responsibility within the society where an AI model is developed. C) The socialization of AI also depends on the domain of operation in which it is socialized. This operational domain exists within cyberspace and is structured across infrastructural (technical), programmatic and content levels. The content layer comprises tacit knowledge extracted from the daily interactions of users in the dual-spatial world. In this domain, an AI model circulates meaning between the real and virtual worlds through language. To do this, numerical vectors take the place of words (tokens) and, relying on the co-occurrence patterns of words used by humans in the real world, predict the most probable meanings.

- The main superiority of human intelligence in the process of the socialization of AI lies in the interconnection between the socialization of natural and artificial intelligence, defined by their modes of performance in relation to the ultimate function of intelligence socialization. The ultimate aim of the socialization of natural and artificial intelligence concerns social order, which relates to the coordination of actions and cooperation towards a common goal in the real world that has become dual-spatial. The main question here is whether AI model should perform this function in a human-like manner or in a rational way.

Accordingly, we have developed a theoretical framework that demonstrates the superiority of human intelligence – which itself develops socially – over the socialization of artificial intelligence. From this perspective, a continuous interaction exists between natural and artificial intelligence, resulting in a synergy of human intelligence: on one hand, through its development when confronting complex, multi-layered parameters and variables; on the other, through the increasing parameters and algorithms in artificial intelligence. It directs the human path, which in the past confronted subject-object binaries, towards binaries of reality and virtuality, or reality and the intelligent, thereby creating a new avenue for the hybrid capabilities of humans and machines.

Keywords: Dual-spacization of Intelligence, Artificial intelligence, Natural intelligence, Socialization, Social order

Media Literacy and Protecting Privacy in the Age of AI

Aida Arsalani
Department of Media Management, Kish International Campus, University of Tehran, Kish, Iran
Aida.Arsalani@ut.ac.ir

Sahand Sakhaei
Department of Law, Payame Noor University, Bostan Abad, Iran
Sahand.sakhaei@guest.ut.ac.ir

Abstract
Unlike earlier models of digital interaction, AI systems do not rely solely on what users explicitly share. They analyze metadata, behavioral patterns, biometrics, and social networks to create predictive profiles often without meaningful consent or transparency. This shift demands that users, especially younger generations, develop new cognitive and critical tools: to recognize when AI is at work, to understand how their digital footprints are exploited, and to evaluate the trade-offs involved in algorithmic personalization and convenience. Adopting new media literacy skills means teaching people how to audit their own data trails, interpret algorithmic bias, spot manipulative design patterns (such as dark UX), and advocate for their rights in digital spaces. It also involves fostering awareness of the political and economic systems driving surveillance capitalism and the commodification of identity. Without this, users are not participants in the digital world, but subjects of opaque and asymmetric power. Privacy-centered media literacy is not about fear or disengagement; it is about informed empowerment. Increasingly, decisions in education, employment, healthcare, and social life are made with the help of AI and therefore, protecting one's privacy becomes a form of autonomy and resistance. Educating for this kind of literacy is essential to ensure that individuals do not merely adapt to AI environments but shape them in ways that preserve human dignity, choice, and control.

Keywords: Media Literacy, AI, Data Privacy, Algorithmic Awareness, Digital Autonomy, Surveillance Capitalism

The Electronic Imperative: Media, Artificial Intelligence, and Intertextuality

Arthur Asa Berger
Professor Emeritus of Broadcast and Electronic Communication Arts, San Francisco State University

Abstract

In this presentation, I explore two interrelated topics concerning media and artificial intelligence, which I refer to as the electronic imperative and intertextuality. The electronic imperative refers to the compelling and often addictive influence that electronic media and digital devices exert on their users. From the compulsive checking of emails to the pervasive use of smart speakers and screens among children and adults, these technologies shape patterns of attention, communication, and dependency. The widespread use of AI-based devices exemplifies how electronic media have become both necessary tools and sources of psychological attachment in everyday life. Drawing upon the theories of Mikhail Bakhtin, I discuss intertextuality as a framework for understanding AI-generated texts. Artificial intelligence, in its essence, recombines fragments of existing texts and ideas to form new expressions, much like Bakhtin's concept of the dialogic and mosaic nature of communication. This dual analysis reveals how media technologies not only transform human behavior but also reshape the way meaning itself is produced. Finally, I address the two prevailing attitudes toward AI: the fatalist fear of technological domination and the utopian hope for its transformative potential in improving human life.

Keywords: electronic media, artificial intelligence, intertextuality, Bakhtin, technological dependence, digital communication

The role of European Union artificial intelligence policies in the environment

Zahra Bagheri
Master of Arts in Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
zahrabagheri5512@gmail.com

Abstract
The EU's AI law positions the institution as a global leader in the sustainable management of AI. Parliament's priority is to make sure that AI systems used in the EU are safe, transparent, traceable, non-discriminatory, and environmentally friendly. This research, based on an applied objective, descriptive-analytical approach, and European Union documents, aims to examine the position of European Union artificial intelligence policies in the environment. Article 40 of the EU AI Act establishes a framework for developing harmonized standards aimed at improving AI systems resource performance, with a particular focus on energy efficiency. The act outlines a process where the European Commission will request standardization bodies to develop standards that address the energy consumption of both high-risk AI systems and general-purpose models throughout their lifecycles. By mandating that participants consider existing international standards and strive to strengthen global cooperation, the EU seeks to create a unified framework for AI development that promotes interoperability and trust. Recognizing AI as a global phenomenon that requires international cooperation for effective regulation has the potential to drive significant improvements in AI's environmental footprint. The research findings show that EU AI legislation is based on creating regulatory environments for AI, protecting biodiversity, and mitigating climate change. The institution considers the use of AI essential to increase the use of renewable energy and green innovation in the field of artificial intelligence. However, current regulations are not sufficiently binding to reduce energy consumption and protect the environment.

Keyword: Artificial intelligence, Environment, European Union

The Role of AI in Russia's Military Strategy and National Security

Khodayar Barari
Assistant Professor, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
khbarari@ut.ac.ir

Abstract

This article examines the role of artificial intelligence (AI) in Russia's military strategy and national security policies. With rapid advancements in AI technologies, their integration into military operations has become a critical component of modern warfare and national defense. As a major power, Russia is actively developing and deploying AI to enhance its military capabilities, counter emerging threats, and maintain strategic advantages. The primary research question is: How does Russia utilize AI in its military strategy and national security infrastructure? Additionally, the article explores the challenges and limitations Russia faces in leveraging AI. Employing a descriptive and analytical approach, this study draws on a combination of data from Russian Federation government documents and reports, including Russia's National AI Development Strategy for the period until 2030, Russia's new State Armament Program for 2027–2036, academic articles, and expert analyses to investigate various applications of AI in Russia's military and security sectors. Limited access to classified military information is a key research challenge, mitigated by relying on publicly available sources. Key research areas include the use of AI in autonomous military systems such as drones and robots, its role in cyber warfare, and its applications in hybrid warfare tactics. The study also examines AI's role in enhancing cybersecurity, intelligence gathering, and crisis management against internal and external threats. Furthermore, the article compares Russia's AI approach with the strategies of the United States and China to identify differences and similarities in strategies and technological development. The findings indicate that AI plays a significant role in modernizing Russia's military and national security framework, but Russia faces substantial challenges in AI development due to technological limitations and investment constraints stemming from the Ukraine conflict and intensified sanctions.

Keywords: Artificial Intelligence, Russia, Hybrid Warfare, Ukraine, National Security

Generation Z and the Crisis of Values in the Information Age: The Role of Media Literacy in the Reconstruction of Meaning

Hamid Reza Dashti
University lecturer, News Anchor
Hameed.Dashti@gmail.com

Abstract

The rapid evolution of media in recent decades—particularly the expansion of social networks and digital technologies—has profoundly transformed cultural structures and value systems in contemporary societies. Generation Z, as the first generation born into a fully digital environment, constantly encounters an overwhelming flow of data and mediated representations that embody diverse and often contradictory systems of meaning and value. This situation has generated a crisis of meaning and value relativism, reflected in the cultural identity, moral beliefs, lifestyles, and social interactions of this generation. The value crisis among Generation Z arises from the plurality of meaning sources, the accelerated pace of cultural transformation, and the lack of critical analytical skills for interpreting media messages, which together complicate the redefinition of individual and collective identity. Grounded in a cultural–social approach to media literacy, this study examines the role of media literacy in reconstructing meaning and redefining values among Generation Z. The theoretical framework draws upon Stuart Hall's theory of representation, the concept of digital identity, and cultural consumption theory. Within this perspective, media are not merely reflective of reality but serve as powerful agents in the construction of meaning and value, while audiences actively participate in the reproduction of their identities and value orientations. The findings indicate that media management and content policies, by shaping information flows and value representations, play a decisive role in empowering Generation Z to reconstruct identity and meaning. Consequently, media literacy emerges as a cultural, ethical, and social competence that enables young audiences to redefine values while preserving local and humanistic traditions.

Keywords: Media Literacy; Generation Z; Value Crisis; Cultural Identity

Artificial Intelligence Fake Information on Health Decision Making: A Pilot Study

Manijeh Firoozy
Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
mfiroozy@ut.ac.ir

Abstract

This study examined the effect of exposure to artificial narratives generated by artificial intelligence on health decision making. 240 participants were divided into four groups, some exposed to real narratives and some exposed to fabricated narratives about public health issues. Half of the participants received a warning before exposure that some of the content might be fabricated. After viewing the content, they were asked to recall details and identify the source of the information, and their attitudes and intentions for health behaviors (including receiving information about physical symptoms) were then assessed. Results showed that people who had seen the fabricated narratives without warning were more than twice as likely to report false memories of the events as others, and their trust in official health sources decreased. In contrast, providing prior warning and source labeling made participants more likely to distinguish truth from falsehood and maintained their intentions for beneficial health behaviors. Analyses revealed that increased false memory and decreased trust were the two main pathways through which exposure to fabricated content undermined health decision-making. These findings suggest that the human brain easily perceives cues of "reality" as imitated when exposed to information constructed by AI, resulting in internalization of memory errors. Enhancing media literacy, transparent warnings, and training in recognizing linguistic or visual patterns can protect mental health and collective trust in digital environments.

Keywords: False memory, fabricated narrative, health decision-making, source trust, generative AI

Artificial Intelligence Literacy and Energy Consumption Optimization

Kobra Gooran
Free Researcher

Afsoom Sabetpour
Free Researcher

Abstract

With the rapid expansion of artificial intelligence technology adoption among various segments of society, the energy consumption associated with its processing has also increased, leading to significant environmental challenges. Information literacy, or the skills to effectively use artificial intelligence, plays a crucial role in optimizing the use of this pervasive technology and promoting sustainable development. To examine the value of awareness and the acquisition of information literacy skills among artificial intelligence users for optimizing energy consumption. This study conducts a systematic review of scholarly articles and scientific resources related to the intersection of information literacy in the era of artificial intelligence, energy consumption optimization, and the associated environmental challenges. Enhancing information literacy skills and optimizing prompt engineering leads to a reduction in AI processing load and energy consumption. Improving training courses, raising awareness, and facilitating the effective use of prompt writing frameworks and AI models are essential. These measures effectively contribute to reducing negative environmental impacts and increasing technological efficiency. Additionally, introducing green prompt writing strategies is another key finding of this research. Educational limitations in information literacy, lack of awareness about AI functions, complexities in prompt engineering topics, and absence of policy-making are among the main practical challenges and existing obstacles. This article highlights the connection between environmental challenges and the application of information literacy skills, prompt engineering, and the role of information facilitators as a sustainable approach to reducing energy consumption. It emphasizes the necessity of advancing educational programs and developing models and executable frameworks for the future of this field.

Keywords: Energy Optimization, Green Prompt, Sustainable Development, Information Literacy, Artificial Intelligence Literacy

AI and the Fight Against Money Laundering

Simin Habib Zadeh Khiyaban
Department of Public Administration,
Faculty of Accounting and Management,
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
Simin.Habibzade@guest.ut.ac.ir

Abstract

Money laundering remains one of the most pervasive and damaging financial crimes worldwide, enabling organized crime, corruption, terrorism, and tax evasion. Despite decades of regulation and compliance protocols, conventional anti-money laundering (AML) systems—often reliant on rule-based detection and human oversight—struggle to keep pace with the increasing scale and sophistication of illicit financial flows. Artificial intelligence, however, is rapidly emerging as a transformative tool in this domain. AI can significantly enhance the accuracy, efficiency, and responsiveness of money laundering detection and prevention efforts. Unlike traditional AML systems, which depend on static rules and generate high volumes of false positives, AI models can identify subtle, non-linear patterns of suspicious behavior across massive, complex datasets. These systems can analyze transactional histories, geolocation data, customer behavior profiles, and even textual data from communications or public records to uncover hidden relationships and indicators of illicit activity. AI can adapt to new laundering typologies as they emerge, learning from past cases to improve predictive performance over time. Financial institutions and regulators are increasingly adopting AI-driven AML solutions to prioritize high-risk cases, streamline compliance operations, and reduce the burden of manual investigation. Natural language processing (NLP) tools can assist in parsing through suspicious transaction narratives, while network analysis algorithms help visualize and dismantle complex webs of shell companies and intermediaries often used to obscure the origin of illicit funds. AI also supports real-time monitoring and automated alerts, enabling more timely interventions.

Keywords: Money Laundering, Artificial Intelligence, Financial Crime, AML Compliance, Predictive Analytics

Foreign Language Education with AI

Seyedeh Hamideh Hosseini
Department of English Language Teaching (ELT), Khatam University, Tehran, Iran
Hosseini_hamide@alumni.ut.ac.ir

Abstract

Unlike traditional approaches that rely heavily on fixed curricula, standardized testing, and teacher-led instruction, AI-powered tools offer adaptive learning environments that respond to individual learners' pace, preferences, and proficiency levels. This abstract explores the multifaceted ways in which AI can enhance foreign language acquisition, while also addressing the pedagogical, cognitive, and ethical considerations that come with its integration. AI applications in language education now include intelligent tutoring systems, real-time speech recognition and feedback, conversational chatbots, automatic translation tools, and gamified learning platforms. These systems are capable of identifying grammatical errors, correcting pronunciation, and tailoring vocabulary practice based on usage patterns—offering a level of granularity and immediacy that traditional classroom environments cannot match. Learners can engage in low-stakes, immersive dialogues with AI-driven avatars or voice assistants, which simulate conversation without the anxiety often associated with real-life social interactions. This makes AI especially useful for shy, anxious, or beginner learners. Moreover, AI systems can analyze longitudinal performance data to predict learning plateaus, suggest targeted interventions, and offer multilingual support to scaffold more complex tasks. This capability not only increases learning efficiency but democratizes access to quality instruction, especially for learners in regions where skilled human language teachers are scarce. However, the deployment of AI in language education raises important concerns. Overreliance on machine interaction can limit exposure to authentic human communication and cultural nuance. There is also the risk of reinforcing linguistic bias, as many AI models are trained on dominant language forms and may marginalize regional dialects or non-standard usage.

Keywords: AI Language Learning, Adaptive Learning, Foreign Language Education, Intelligent Tutoring Systems, Speech Recognition, Educational Technology

From Innovation to Manipulation: The Negative Impact of AI on the U.S. 2024 Presidential Election

Marzieh Javadi Arjmand
Assistant professor of North American Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
mz.javadi@ut.ac.ir

Abstract

The 2024 U.S. presidential election was the first national election in which artificial intelligence (AI) played a significant and contentious role. AI tools have, for some time, been used for campaign management as well as the analysis of voter behavior. Although the use of AI in elections can improve election security and access for marginalized communities, its negative impacts on the electoral process should not be neglected. The paper employs agenda setting and framing theories and chooses the 2024 U.S. presidential election as a case study to examine the adverse effects of AI on electoral integrity. The findings show that the 2024 election cycle highlighted the role of AI in spreading disinformation, media manipulation and the decline of public trust. Incidents such as AI-generated robocalls impersonating President Biden, the circulation of deepfake images and synthetic memes can be considered as efforts to mislead voters and distort democratic discourse. Although AI did not alter the election outcome, it led to confusion and "liar's dividend," wherein genuine evidence could be dismissed as fake. To reduce the negative impact of AI on the coming elections, legal measures should be taken such as the laws passed by some states to restrict deepfakes in campaign ads. Moreover, civil and media literacy should be promoted.

Keywords: Artificial Intelligence, U.S. Presidential Election, Agenda Setting, Framing, disinformation

Human Dignity under the Rise of AI: Ethical Challenges through the Lens of Islamic Philosophy

Elaheh Karimi Riabi
Assistant Professor, Department of Russian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
ekarimi@ut.ac.ir

Abstract

Artificial Intelligence (AI) has emerged as one of the most transformative developments of the contemporary era, generating both remarkable opportunities and significant challenges for human societies. Among the most pressing concerns is its relationship with human dignity—a principle that occupies a central position in Islamic thought and is explicitly emphasized in the Qur'an ("Indeed, We have honored the children of Adam," Qur'an 17:70) as well as in prophetic traditions. While AI-driven innovations can contribute to the advancement of healthcare, education, and social justice—thus promoting the dignity and well-being of human beings—they simultaneously raise serious risks, including instrumentalization of humans, violations of privacy, algorithmic domination, and the erosion of individual autonomy. Within the Islamic intellectual tradition, the human being is regarded as a free, responsible, and inherently dignified entity; any technology that undermines these values stands in conflict with ethical and divine principles. Adopting an interdisciplinary approach, this article first explores the foundations of human dignity in Islamic philosophy and scriptural sources, then critically examines the potential threats posed by AI systems, such as intelligent surveillance models, algorithmic decision-making replacing human judgment, and data-driven discrimination. Finally, the paper proposes a framework for ethical AI governance in Muslim contexts, grounded in the principles of justice, privacy, accountability, and human agency. Accordingly, the Islamic perspective emphasizes a transition from mechanical control to human dignity, envisioning AI as a tool to serve human flourishing rather than diminish it.

Keywords: AI, Human Agency, Human Dignity, Islamic Philosophy, Privacy

Critical AI Literacy Education for Iranian Children

Melika Khodabin
Department of South-East Asian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
melika.khodabin@ut.ac.ir

Abstract

Critical AI literacy involves more than learning how to code or interact with smart devices. It includes understanding how AI systems are trained, how data biases influence outcomes, how algorithms make decisions, and how digital technologies affect privacy, identity, and social relations. For Iranian children, many of whom are growing up with pervasive digital media but limited access to transparent information about how those systems function, such education is particularly vital. Without it, children may become passive consumers of opaque technologies that shape their beliefs, behaviors, and opportunities in ways they cannot question or resist. Incorporating AI literacy into Iran's educational framework can also help counteract the risks of disinformation, algorithmic discrimination, and digital dependency. By fostering curiosity, ethical reflection, and critical analysis, educators can equip children to recognize when technologies serve justice and inclusion—and when they reinforce surveillance, inequality, or manipulation. Furthermore, a culturally sensitive AI curriculum can ground these lessons in Iranian history, values, and social realities, making it relevant and empowering. Teaching Iranian children critical AI literacy is not only about preparing them for the future workforce—it is about cultivating informed, thoughtful individuals capable of shaping a more equitable and reflective digital society.

Keywords: AI Literacy, Iranian Education, Ethical Technology, Critical Thinking

The Future of Global Economy in the Age of AI: A Thematic Analysis of The Age of AI and Our Human Future

Roohollah Kohanhoosh Nejad
Assistant Professor, West Asian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
kohanhoosh@ut.ac.ir

Abstract

This article presents a thematic analysis of "The Age of AI and Our Human Future" by Henry Kissinger, Eric Schmidt, and Daniel Huttenlocher, focusing on the profound implications of artificial intelligence (AI) for the global economy, society, governance, and ethics. By systematically analyzing the book's content through the lenses of Disruptive Technologies theory and E.F. Schumacher's human-centered perspective on technology, the paper explores how AI fundamentally reshapes industries, labor markets, global power structures, and regulatory frameworks. The thematic analysis identifies four main themes central to understanding AI's transformative impact: (1) Transformation of Industries, (2) Labor Market Shifts and Economic Inequality, (3) AI and Global Power Dynamics, and (4) Regulation and Ethical Frameworks.

The first theme, Transformation of Industries, acknowledges that AI is not simply a tool for incremental improvement but a disruptive force that redefines how sectors such as healthcare and finance operate. In healthcare, AI accelerates drug discovery and treatment personalization, exemplified by the AI-led identification of innovative antibiotics like halicin, demonstrating how AI exponentially increases the speed and scope of scientific research. In finance, AI-driven data analysis and automated trading models optimize decision-making, revealing market insights beyond traditional human capabilities. This industrial transformation promises enhanced efficiency and novel growth opportunities but also demands adaptive capacity throughout business ecosystems.

The second major theme concerns Labor Market Shifts and Economic Inequality. AI-driven automation is poised to replace many routine and manual jobs, particularly affecting sectors like manufacturing, logistics, and customer service. This displacement raises challenging questions about workforce transitions and the social safety nets required to mitigate unemployment and its economic fallout. While some jobs are eliminated, new roles emerge centering on AI development, data science, and machine learning, underscoring a growing demand for highly skilled labor. However, these dual dynamic risks exacerbating global economic inequalities as wealthier nations and corporations with access to cutting-edge AI reap disproportionate benefits, leaving less developed regions further behind in the digital divide. The book critically highlights this uneven distribution of AI investments and the widening economic gap among countries.

The third theme explores AI's role in shifting Global Power Dynamics. AI is emerging as a strategic geopolitical asset, influencing military capabilities, cybersecurity, and diplomatic relations. Nations that lead in AI innovation are likely to gain enhanced influence over international affairs and security frameworks. The book discusses a geopolitical "race" among the United States, China, and the

European Union, illustrated by their concerted efforts to develop AI technologies and governance strategies. These developments not only pertain to warfighting capabilities but extend to political arenas, where AI-driven communication and information tailoring shape public opinion, electoral processes, and governance itself. Such dynamics raise concerns over digital authoritarianism, international rivalries, and the potential weaponization of AI, emphasizing the need for balanced global cooperation to manage these risks.

The fourth theme centers on Regulation and Ethical Frameworks. As AI permeates all aspects of society and the economy, ensuring its ethical deployment becomes paramount. The book stresses the importance of designing AI systems that embody transparency, fairness, and accountability to avoid biased or harmful outcomes, especially in sensitive sectors such as healthcare, criminal justice, and finance. Equally important is the emergence of international cooperation to establish regulatory norms that transcend national borders, preventing a fragmented regulatory landscape that could stunt innovation or exacerbate inequalities. AI's ethical governance must reconcile technological advancement with human rights and societal values, ensuring that AI serves humanity rather than undermines autonomy or exacerbates disparities. This aligns with Schumacher's philosophy that technological progress should be human-centered and socially responsible.

Methodologically, this paper employs Braun and Clarke's six-phase thematic analysis to systematically extract and interpret key ideas from the book. This qualitative approach allows a detailed understanding of AI's multifaceted impacts by revealing both explicit arguments and underlying assumptions in the discourse. The incorporation of theoretical frameworks provides a critical lens for assessing AI as a disruptive technology that requires human-centered governance to foster sustainable development.

The discussion emphasizes AI's dual nature as an enabler of economic growth and a disruptor of established social and political orders. The transformation of industries and the labor market necessitates deliberate policies for education, workforce reskilling, and social protection. The geopolitical implications demand strategic dialogues to avoid conflict and establish norms for peaceful AI use. Ethical governance policies must prioritize accountability, inclusivity, and protection against algorithmic harms.

This study underscores the vital role of interdisciplinary approaches integrating economics, political science, ethics, and technology in shaping AI's development and deployment. It argues for human-centered AI innovation that balances economic opportunity with social good, equity, and global cooperation. The future of AI is neither predetermined nor unidirectional; it is contingent on choices made today by researchers, policymakers, industry leaders, and international institutions.

Ultimately, the paper calls for a balanced, comprehensive approach to AI—one that embraces its transformative potential while conscientiously addressing its risks. It highlights the urgent need to develop ethical frameworks and coordinated global policies that ensure AI contributes positively to human welfare, societal values, and the equitable prosperity of the world economy. This thematic analysis serves as a valuable resource for scholars, policymakers, and practitioners seeking to navigate the complex challenges and opportunities AI presents to humanity's future.

Keywords: Artificial Intelligence, World Economy, Thematic Analysis, Human Future, Kissinger

Anthropomorphism and Gender in Generative AI: An Embedded Mixed Methods Analysis

Shalaleh Meraji Oskuie
Assistant Professor, Department of Cultural Affairs and Media Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
shalaleh.oskuie@iau.ac.ir

Abstract

Computers are social actors, and humans attribute social characteristics—such as gender—to computerized entities and Artificial Intelligence (AI). In communicative situations, people tend to anthropomorphize nonhuman entities. Anthropomorphism is the automatic cognitive process of attributing human-like physical traits or mental states to real or imagined nonhuman entities. This process elicits affective, behavioral, and cognitive responses, and can evoke gender, age, and emotions, leading users to perceive Generative AI (GAI) as genderless, gendered, or both. However, research on gender-assignment to GAI remains scarce. This research explored users' perceptions of gender and anthropomorphic characteristics assigned to GAI. An embedded mixed methods design was employed, nesting quantitative data within a primary qualitative method to augment and support interpretation. Data were collected via an online questionnaire. Participants were categorized based on quantitative findings, and qualitative data were analyzed using thematic analysis. While over half of the participants perceived GAI as genderless, those assigning contextually variable or male gender were often women, younger, and more inclined to experience human-like interaction, perceiving GAI as a friend, as kind and caring, and feeling stronger attachment. They were also more likely to personalize the AI with a name or use it for personal affairs, wellbeing, and growth, beyond professional or academic purposes. Participants perceiving it as genderless tended to be male and view it more as a service provider. Both groups attributed other anthropomorphic traits to GAI; their reasons were discussed. The findings may inform media literacy initiatives for raising awareness of the human tendency to anthropomorphize and develop emotional bonds with GAI tools.

Keywords: Generative Artificial Intelligence, Anthropomorphism, Gender-Assignment, Embedded Mixed Methods Design

Generative AI and the Ontological Inversion of the "Self"

Ebrahim Mohseni Ahooei
PhD in Communications and New Media Studies, University of Vienna,
Vienna, Austria
emohseni@ut.ac.ir

Abstract

The advent of generative artificial intelligence (GenAI) has precipitated a profound ontological rupture, unsettling the traditional metaphysics of the Self as a fixed, substantive inner subject. This disruption, an "ontological inversion," has triggered crises across the conceptual terrains of agency, free will, identity, moral responsibility, the meaning of life, love, and suffering. In consequence, diverse academic disciplines including philosophy of mind, psychology, sociology, communication studies, and jurisprudence find themselves destabilised at the level of their foundational assumptions. To date, scholarly responses to this crisis have been predominantly conservative and defensive, seeking to safeguard established paradigms rather than to rearticulate them. This article undertakes a systematic classification of these conservative strategies, identifying four principal stances—the residual, the integrationist, the relational, and the hierarchical—that seek to preserve the traditional conception of the Self while demonstrating a marked inability to adapt to the altered context. Humanity has now entered an uncharted domain, drawn towards the prospect of a technological singularity, which demands the articulation of an entirely new metaphysics of the Self. The inescapable paradox is that any new metaphysics conceived in the present is, by definition, a pre-singularity construct and thus condemned to obsolescence. The true metaphysics of the Self, therefore, can only be disclosed beyond the "event horizon." Yet the task remains urgent, to render the present crisis with precision, so that its contours may be grasped before they are irrevocably transformed.

Keywords: Ontological Inversion, Generative AI, Metaphysics of the Self, Technological Singularity

Child's Digital Communications: A Study of the Kidfluencer Phenomenon in Cyberspace, Focusing on the YouTube Platform and the Unboxing Genre

Milad Mousavi Haghshenas
Ph.D. Candidate in Communications, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
milad.mousavi@ut.ac.ir

Abstract

Among the top ten YouTube channels with the highest number of subscriptions, four channels feature child-centric content, of which three belong to kidfluencers. By mid-2025, the total number of subscribers to these four channels reached 608 million; a figure that clearly reveals the position and significance of this phenomenon in the digital sphere. Accordingly, this article, through the lens of the Dual-Spacization of the World paradigm and with a qualitative approach, first attempts to provide a description of the kidfluencer phenomenon, its connections to digital commerce and economy, and some of its cultural consequences on child development and socialization, by combining the techniques of participatory observation and documentary analysis, and focusing on the YouTube platform and the popular unboxing genre. The second part of the study moves toward a local interpretation of this global trend by analyzing thirteen semi-structured interviews conducted with children and adolescents aged six to fourteen. The analysis yielded four key themes, which collectively confirm the interviewees' positive alignment with the kidfluencing phenomenon: "Spectacular Consumption and the Spectacularization of Consumption," " Perceiving Kidfluencers as Independent and Validating Them," "Expert Users, Potential Producers," and "Kidfluencing: A Path to Fame, a Shortcut to Wealth." In conclusion, to maximize the opportunities presented in this domain, it is recommended that supportive legislation and regulatory bodies actively back children's agency and capabilities in digital environments, alongside the enhancement and development of spatial literacy.

Keywords: Kidfluencing, YouTube Platform, Unboxing Genre, Dual-Spacization of Childhood, Digital Economy

Algorithmic Cognitive Manipulation in Political Economy: Implications for Economic Governance and the Cognitive Literacy of Elites

Samaneh Movahedi
PhD student, Department of International Relations, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
S.movahedi@atu.ac.ir

Seyed Jalal Dehghani Firouzabadi
Profesor, Department of International Relations, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
dehghani@atu.ac.ir

Abstract
In this article, we will explore the concept of the political economy of algorithmic mental manipulation and its effects on economic governance and cognitive literacy. In an era where information and intelligent technologies have become a priority, algorithms can provide an important platform for the emergence of economic behaviors and decisions in the field of politics. This platform can include analyzing financial markets, guiding public opinion, prioritizing political decisions, etc. In addition, algorithmic mental manipulation, which can range from the use of big data to machine learning and artificial intelligence, can have significant consequences on the type of decisions made by political elites in the field of political economy. Accordingly, the present article will discuss two main axes: first, the consequences of algorithmic mental manipulation on economic governance and second, its impact on the cognitive literacy of political elites. Accordingly, In this article, by combining theoretical frameworks of international political economy and cognitive theories, and based on data analyses, we will show that algorithmic mental manipulation, along with opportunities to improve political and economic decisions, can create challenges for independent intellectual analysis of elites as well as transparency in the field of economic decision-making.

Keywords: Algorithmic Cognitive Manipulation, Political Economy, Economic Governance, Cognitive Literacy of Elites, Big Data, Artificial Intelligence, Decision-Making, Behavioral Influence

AI-Facilitated Deepfakes as a Tool for Cyber Violence Against Women in India: Towards Ethical Governance and Media Information Literacy for the Public Good

Maziar Mozaffari Falarti
Assistant Professor in the Faculty of World Studies at the University of Tehran, Iran
mmfalarti@ut.ac.ir

Parisa Ehteshamnia
PhD Student in Indian studies in the Faculty of World Studies at the University of Tehran, Iran
parisa.ehteshamn@ut.ac.ir

Abstract

India's rapidly digitizing environment—marked by expanding AI adoption, uneven digital literacy, and entrenched patriarchal norms—has become a crucial site for examining the intersection of Artificial Intelligence (AI), gender, and power. Among AI's most troubling manifestations, deepfakes have emerged as an instrument of algorithmic manipulation that distorts truth, corrodes trust, and weaponizes gendered identities. This paper explores how AI-generated deepfakes intensify cyber violence against women in India, reflecting on their implications for ethical AI governance and the future of media and information literacy (MIL). Anchored in a techno-feminist theoretical framework, the analysis draws on Judy Wajcman's (2004) argument that technologies reproduce gendered hierarchies, Safiya Noble's (2018) critique of algorithmic bias in Algorithms of Oppression, and insights from Nishant Shah (2019) and Anja Kovacs (2021) on digital publics, online misogyny, and the gendered experience of surveillance in India. Together, these perspectives highlight how patriarchal norms and data infrastructures converge to produce new forms of digital violence that transcend traditional legal and moral boundaries. Methodologically, the study employs a qualitative content analysis of high-profile deepfake cases—such as those involving Rashmika Mandanna and Alia Bhatt (2023)—alongside digital ethnography of social media ecosystems (X, Instagram, Reddit) where these narratives circulate. This mixed interpretive approach reveals that deepfakes function not only as tools of humiliation and reputational harm but also as mechanisms of cognitive manipulation, contributing to what some scholars describe as AI-enabled psychological operations in digital discourse. Engaging with conference themes on algorithmic mediation, ecologies of mis/disinformation, and ethical governance of AI, the paper advances Media and Information Literacy (MIL) as an emancipatory and epistemic response to AI-facilitated gendered violence. Conceptualized as cognitive resilience, MIL enables individuals to detect synthetic media, interrogate algorithmic authority, and rebuild civic trust. The paper concludes by proposing an India-specific ethical AI governance framework that integrates techno-feminist pedagogy, gender justice, and institutional MIL initiatives. By centering India's experience, it contributes to global debates on human-centred AI, digital dignity, and the ethical imperatives of safeguarding truth in an age of synthetic realities.

Keywords: AI deepfakes, cyber violence against women, gender-based violence in India, media information literacy, ethical AI governance, algorithmic manipulation, synthetic realities, techno-feminism

Artificial Intelligence, Technology Discourse and the New Protagonist: A Review of the AI-Human Relationship in the Movie MEGAN (2022)

Farnaz Noori
Assistant Professor of Trans-regional and Global Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
farnaznoori@ut.ac.ir

Abstract

For more than a hundred years, cinema has served as a platform for the expression of modern human concerns and complexities of social life. As an evolving modern technology, cinema is also an art, for its capability to reflect and provoke human feelings, thoughts and societal concerns. Technological advancements and achievements have been the subject of many movies in many of which spectators' imagination is kindled about how new technologies may impact the future of human life. Among the technologies that are used extensively in many societies is AI, the increasing employment of which continues to be traced in numerous ways worldwide. Artificial Intelligence is represented in the world cinema in various ways. MEGAN, an American science fiction horror movie produced in 2022, takes human-machine relationships and the use of AI for social interaction as its subject and lets its audience imagine the adoption of an AI product as a family member to answer emotional needs of an orphaned girl. This article uses technology discourse, developed by members of the Frankfurt School, as the theoretical framework to delineate the way in which MEGAN, as an AI programmed doll, is presented in the film. Critical discourse analysis is used as the method to investigate the way the adoption of technology as an 'ideology' or a 'solution to every problem' is presented in the movie. The way the film provides argumentation against technology discourse can be analyzed through the lens of van Dijk's list of 'persuasive moves'. Findings include a thorough discussion of how the argument is developed and progressed throughout the film.

Keywords: MEGAN movie, technology discourse, artificial intelligence, critical discourse analysis

Unpacking the Environmental Consequences of AI Infrastructure in Germany

Ramin Nourbakhsh
MA Student at FWS, Tehran University,
Tehran, Iran
ramin.nourbakhsh@ut.ac.ir

Abstract

This study looks at how artificial intelligence (AI) infrastructure affects the environment in Germany. As Europe's largest economy, Germany is working on two major changes at the same time: the Energiewende (energy transition) and the digital transition. The research explores how the rapid growth of data centers and AI facilities connects with Germany's climate goals and sustainable energy policies. The study uses a qualitative research method that focuses on document analysis and policy comparison. It reviews official reports, statistics, and laws related to energy, water, land, and material use in the data center industry. Special attention is given to the Energy Efficiency Act (EnEfG), which sets legal standards for energy efficiency, renewable electricity use, and the reuse of waste heat in German data centers. The findings show that even though Germany leads in environmental policy and has ambitious goals, the fast increase in computing demand, which is driven by more complex AI models, makes these efforts less effective. Efficiency improvements cannot keep up with total energy use, showing what is known as the rebound effect or Jevons paradox. Besides high electricity use, AI infrastructure also causes other problems, such as heavy water use for cooling, large land needs, and growing amounts of electronic waste due to frequent hardware upgrades and global supply chains. The study concludes that while policies like the EnEfG are important, they are not enough. Focusing only on efficiency without limiting overall consumption continues unsustainable growth. A truly sustainable digital transition in Germany requires a more comprehensive approach. It should take into account the entire lifecycle of technologies, promotes transparency and responsibility for material use, and focuses on sufficiency. This means redefining digital progress so it stays within ecological limits and supports AI development that respects planetary boundaries.

Keywords: Energy Efficiency Act, Sustainability, Rebound effect

Brazil's Strategic Achievements and Challenges in AI Governance for Environmental Sustainability

Elaheh Nourigholamizadeh
Assistant Professor of Latin American Studies, Faculty of World Studies, Universit of Tehran, Tehran, Iran
elahehnouri@ut.ac.ir

Absract
Brazil, as Latin America's largest economy and a global environmental steward with the Amazon rainforest, is playing a strategic role in advancing AI governance frameworks that prioritize sustainable development and ecological protection. Central to these efforts is Bill No. 2338/2023, which regulates AI deployment under principles of transparency, accountability, and sustainability, including incentives for sustainable data centers and mandatory reporting of AI's environmental impacts. This study examines Brazil's achievements and challenges across core aspects of AI governance for sustainability: international standards alignment, environmental impact assessments (EIAs) for AI, AI regulation in conservation and resource management, corporate responsibility, and public participation, through documentary analysis. Brazil's regulatory framework, including the Brazilian Artificial Intelligence Plan (PBIA), promotes renewable energy use and sustainability certifications but lacks detailed mechanisms for managing AI's energy efficiency and consumption, ecological risks, and technological waste. While Brazil actively engages with international frameworks like the UN Sustainable Development Cooperation Framework and the BRICS AI governance declaration, national policies face challenges in fully contextualizing these standards. Environmental impact assessments are generally robust but remain insufficiently tailored to AI-specific applications, creating regulatory ambiguity. Innovative projects such as "Project Guacamaya" showcase AI's potential in monitoring deforestation, although enforcement challenges persist in remote areas. Corporate responsibility initiatives are emerging, primarily voluntary, particularly in sustainable agriculture, but lack binding accountability mechanisms. Public participation is growing through sector collaborations and initiatives by organizations such as the Brazilian Computing Society; however, broader inclusive engagement across society remains limited. Overall, Brazil's AI governance for environmental sustainability reflects a dynamic interplay of pioneering initiatives alongside ongoing needs for strengthened legislation, enforcement, and inclusive governance to align AI innovation with ecological preservation and socio-economic equity.

Keywords: Brazil, AI Governance, Sustainability, Environment, Ecological Preservation

AI and the Rewriting of Historical Memory: From Court Chronicles to Algorithmic Narratives"

Fatemeh Orouji*
Associate Professor, Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
(Corresponding author)
forouji@tabrizu.ac.ir

Fatemeh Karimian
Master's Graduate in World History, Department of History, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
fa.karimian97@gmail.com

Abstract
From courtly chronicles to modern historiography, historical memory has been reinterpreted over time using a variety of instruments and organizations. With its unmatched speed, artificial intelligence has become a vital tool for creating and editing historical narratives in the current technological era. While algorithmic narratives facilitate the rewriting process, they also pose new difficulties for media literacy, ethical supervision, and public trust in the digital sphere. This research explores how historical memory is transformed by algorithmic systems, highlighting new experiences such as automation, surveillance capitalism, and the cognitive impacts of artificial intelligence, while demonstrating historical continuities. Using a qualitative analysis of theoretical texts, we critically examine the works of cultural and collective memory theorists and historiographical research. Furthermore, the current critiques of digital technologies and artificial intelligence are analyzed. These two sets of data are combined with a comparative approach to clarify historical continuities and differences. The findings show that both in the past and today, power has influenced memory through processes such as selection, censorship, and systematic forgetting. However, the primary distinction in algorithmic narratives resides in the pace, scale, and automation of the rewriting procedure. Moreover, the dynamics of surveillance capitalism and data bias present a new threat to collective memory. This study emphasizes how artificial intelligence today represents a fresh, analogous revolution to the alterations in memory caused by writing in the past. However, it is essential to respect the right to be forgotten, provide algorithmic openness and explainability, and include human involvement in narrative construction in order to prevent unilateral dominance.

Keywords: Algorithmic Narratives, Ethical Governance, Historical Memory, Historiography, Public Trust

Comparing AI Approaches to Political Research on Iran: How Reference Sources Shape Generated Results

Hossein Pabardja
Masters in German Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
h1pabardja@gmail.com

Abstract

The emergence of large language models (LLMs) in academic and policy research requires a thorough analysis of how their foundational data sources affect outputs in politically intricate and data-sensitive areas. This study performs a comparative examination of three leading AI models—OpenAI's GPT-4, High-Flyer's Deepseek, and Sapienza's Minerva—to examine how their unique training corpora influence the generated material about modern Iranian politics. Utilizing a structured prompt-based approach, one can instructed each model to generate analytical solutions to a uniform set of inquiries addressing critical subjects such as the protests, nuclear negotiations, and regional foreign policy. A qualitative and quantitative content analysis was subsequently conducted, concentrating on theme emphasis, factual assertions, sourcing citations (where available), and underlying normative framing. The results demonstrate considerable variation in the models' outputs, directly linked to their anticipated source data contexts. Models primarily trained on Western-centric, open-source data (e.g., GPT-4) typically generated narratives that mirrored mainstream Western media and policy debate. Conversely, models utilizing a more extensive corpus of multilingual and regional sources exhibited a more complex, though occasionally inconsistent, expression of events and motivations. The findings indicate that LLMs do not provide a neutral analytical perspective; instead, they act as epistemic filters, reinforcing the viewpoints and prejudices present in their training material. This research asserts that transparency concerning an LLM's data origin is not only an ethical imperative but also a crucial methodological requirement for its legitimate use in sensitive political research, exemplified by Iran as a significant case study.

Keywords: Artificial Intelligence (AI), Political Research, Iran, Comparative Analysis, Reference Sources, Data Bias, AI-generated Content, Information Reliability, Algorithmic Bias, Knowledge Production

Visual AI and the Transformation of Truth in Digital Media

Faezeh Piriyaei
Department of Cinema, Faculty of Cinema & Theatre, University of Art, Tehran, Iran
Faezeh.piriyaei1997@gmai.com

Abstract

In today's digital culture, artificial intelligence is changing how we see and understand images. This study looks at how AI-generated visuals affect audiences' sense of reality and trust in media. This study asks how AI-generated images affect what we see as real and how they influence trust in visual content. Using the ideas of Jean Baudrillard, Donna Haraway, and Marshall McLuhan, this research takes a qualitative approach to explore how AI mixes the real with the artificial. Baudrillard's concept of simulacra explains how AI images can create layers of "hyperreality"; Haraway's cyborg theory shows the combined effect of human creativity and machine logic; and McLuhan's media theory highlights how the platform itself changes how we perceive images. These ideas are applied through semiotic and visual discourse analysis of selected AI-generated images on social media and news platforms. Rather than presenting quantitative data, the paper shares insights into how people experience authenticity when seeing AI images. Early observations show that viewers often react emotionally rather than critically, which can strengthen the sense that these images are real. By studying this changing "visual environment," where human perception, technology, and images affect each other, the study argues that visual literacy needs to grow along with AI. Understanding how AI shapes what we see is key for audiences to notice how reality is being subtly changed. This research contributes to discussions on critical media literacy and encourages both scholars and media makers to think about the ethical and mental effects of AI-generated images on public understanding.

Keywords: Artificial Intelligence, Visual Media, AI-Generated Images, Visual Literacy, Media Credibility

Overreliance on AI and Human Agency

Farhad Rahmatian
Department of Global Management,
Thunderbird School of Global Management,
Arizona, USA
farhad@global.t-bird.edu

Abstract

At the heart of human agency is the ability to deliberate, reflect, and choose based on one's own values, goals, and understanding of the world. However, as AI systems increasingly mediate access to information, predict our preferences, and optimize for behavioral outcomes, they begin to preempt choice rather than support it. Recommendation engines tell us what to read, watch, and buy; navigation apps determine our routes; predictive policing tools influence judicial outcomes. In each case, the user is nudged or steered, often without being aware of the algorithmic logic behind these interventions. Over time, this can lead to passive engagement, where individuals defer judgment in favor of algorithmic convenience. Moreover, when AI systems are seen as more objective, rational, or knowledgeable than humans, a subtle form of epistemic deference emerges. This can diminish confidence in personal intuition, ethical reasoning, or dissenting views. In institutional settings—such as medicine, law, and education—professionals may feel pressured to follow algorithmic recommendations, even when those recommendations conflict with contextual or experiential knowledge. Preserving human agency in an AI-saturated world requires intentional design choices, transparent systems, and the cultivation of critical digital literacy. Users must be empowered to question, override, and contextualize algorithmic outputs. I insist that the goal should not be to reject AI, but to ensure it remains a tool for human judgment, not a substitute for it. Agency is not a technical feature—it is a condition of freedom. Protecting it in the age of AI is both a technological and moral imperative.

Keywords: Human Agency, AI Overreliance, Autonomy, Algorithmic Nudging, Epistemic Deference

Minds Over Algorithms: Ensuring Human Agency and Ecological Responsibility in AI Governance

Zahra Sadat Roozafzai
Associate Proffessor, ACECR Institute
of Higher Education-Isfahan
zahra80r@gmail.com

Abstract
The rapid expansion of artificial intelligence (AI) has raised urgent questions about accountability, responsibility, and the distribution of decision-making power between humans and machines. This paper explores how ethical principles can be operationalized in AI systems while safeguarding human agency and collective values, with a specific focus on the often-neglected ecological and cultural dimensions. The study adopts a mixed-method design, combining qualitative discourse analysis of AI policy documents with expert interviews from the fields of computer science, law, media studies, and environmental ethics. In addition, a comparative case analysis was conducted on three domains, i.e. healthcare, education, and digital governance, to assess how ethical guidelines are currently translated into practice. Data were collected through textual analysis of international policy frameworks (N=30), semi-structured interviews (N=25), and secondary reports on AI system deployments. The findings reveal a persistent gap between ethical aspirations and practical implementation. While most frameworks emphasize fairness, transparency, and accountability, their enforcement mechanisms remain fragmented and often discipline-specific. The analysis also shows that AI systems tend to redistribute agency: certain decisions are automated, while human oversight is either reduced or made symbolic, creating both opportunities for efficiency and risks of eroding responsibility. Crucially, ecological costs and cultural contexts are systematically marginalized in governance dialogues. The paper argues that cross-disciplinary governance models are required to bridge these gaps. Collaborative approaches where legal, technical, cultural, and ecological perspectives are equally represented offer a more resilient foundation for responsible AI. The implications suggest that future governance must not only standardize ethical practices but also embed them within institutional, cultural, and ecological contexts. Such integration ensures that innovation strengthens democratic legitimacy, trust, and sustainability in the digital age, a imperative that aligns with the mission of Media and Information Literacy (MIL) to foster a critical and engaged citizenry.

Keywords: Responsible AI, Governance, Human Agency, Ethics, Interdisciplinary, Ecological Sustainability, Media and Information Literacy (MIL)

Academic Integrity in Crisis: How AI Has Ushered in a New Era of Cheating in Higher Education

Shaho Sabbar
Department of Iranian Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
shaho.sabbar@ut.ac.ir

Abstract

According to a Guardian investigation published in June 2025, nearly 7,000 proven cases of academic cheating involving ChatGPT and similar AI tools were recorded across UK universities during the 2023–24 academic year—equivalent to 5.1 cases per 1,000 students, up from 1.6 the previous year. Preliminary figures for 2024–25 suggest the number is set to rise again, to approximately 7.5 per 1,000. Experts interviewed for the report emphasized that these cases are likely just the "tip of the iceberg," pointing to a growing and largely undetected wave of AI-assisted dishonesty. While traditional plagiarism appears to be declining, a new form of academic misconduct—algorithmic outsourcing—has quietly taken its place, challenging long-held assumptions about authorship, learning, and trust in higher education. Unlike traditional forms of cheating, which often involved copying from existing sources, AI-generated content can produce seemingly original work tailored to assignment prompts, making detection far more difficult. The immediacy, fluency, and personalization of tools like ChatGPT enable students to submit assignments with minimal cognitive effort and little risk of triggering plagiarism detection software. This new era of cheating is not merely a question of misconduct—it is symptomatic of a deeper crisis in educational values and institutional design. Many students now perceive AI as an acceptable shortcut, especially in high-pressure environments where grades are prioritized over learning. At the same time, universities have struggled to update academic policies, assessment formats, and technological safeguards to address the scale and subtlety of AI-generated work. To respond effectively, institutions must move beyond punitive measures and toward systemic solutions: integrating AI literacy into curricula, redesigning assessments to emphasize process over product, and cultivating a culture of academic honesty suited to the digital age. Without such reforms, AI risks undermining not only academic standards, but the very purpose of higher education itself.

Keywords: Academic Integrity, AI Cheating, ChatGPT, Higher Education, Generative AI, Plagiarism

Artificial Intelligence and the Transformation of International Trade

Shoaib Sabbar
Department of international commercial
Law, Azad University, Tehran, Iran
shoaib.sabbar@guest.ut.ac.ir

Abstract

The White House has released "Winning the AI Race: America's AI Action Plan", following President Trump's executive order aimed at removing barriers to American leadership in artificial intelligence. The plan outlines over 90 federal policy actions across three strategic pillars: Accelerating Innovation, Building American AI Infrastructure, and Leading in International Diplomacy and Security. Notably, one of its key priorities is Exporting American AI—with the Commerce and State Departments collaborating with industry leaders to deliver secure, full-stack AI export packages to allies. This ambitious initiative signals the strategic centrality of AI in shaping the next era of international trade. Artificial intelligence is already revolutionizing global commerce by enhancing trade logistics, supply chain transparency, customs processing, fraud detection, and regulatory compliance. As AI capabilities scale, they will dramatically improve how goods, services, and data move across borders—minimizing inefficiencies, reducing risk, and expanding access to markets for small and medium enterprises (SMEs). Predictive analytics and machine learning models can forecast demand shifts, optimize shipping routes, and anticipate regulatory changes in real time. Customs agencies can use AI to automate inspections, identify illicit trade patterns, and speed up clearance times—all of which accelerate the global flow of goods. The export of American AI infrastructure as outlined in the Action Plan not only deepens trade relations with allied nations but also establishes standards for secure, interoperable, and trustworthy AI systems. This strategic diplomacy ensures that international AI-driven trade systems are aligned with democratic norms and free-market principles. Meanwhile, investments in domestic data centers and workforce development will create the physical and human capital needed to sustain this global digital economy. Ultimately, AI's integration into international trade marks a shift toward a more intelligent, agile, and resilient global marketplace.

Keywords: Artificial Intelligence, International Trade, Trade Policy, AI Infrastructure

Media Literacy as a Sheild Against Cognitive Warfare: An analysis of the Digital Media Coverage of Iran's 2021 Protests

Setareh Sadeqi Mohammadi
Assistant Professor of Transregional and Global Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran
Setareh.sadeqi@ut.ac.ir

Abstract

Framing and media literacy play crucial roles in shaping how people perceive and respond to conflicts and unrest in both domestic and international arenas. Framing Theory (Entman 1993) contributes to understanding the way information is presented to influence interpretation, judgment, and emotional reactions. The 2021 Iran protests provide an excellent example of how online platforms served as tools of cognitive warfare, where narratives blending verified facts, misinformation, and emotionally charged content went viral to influence both domestic and global audiences and induce international responses that would encourage hostile policies to be adopted against Iran. Western mainstream and social media coverage often emphasized violence, oppression, and instability, sometimes through misleading or falsified stories that framed perceptions in ways that supported political agendas. The cognitive warfare would in turn facilitate larger policymaking at international levels regarding the Islamic Republic of Iran. In the face of such intense narrative warfare, the need for media literacy becomes increasingly highlighted as a means to counter these ramifications. Media literacy builds resilience against manipulation by empowering individuals and communities to critically evaluate data and their sources, to recognize prejudiced framing, to differentiate between realities and falsifications, and to contextualize information within broader social and political realities. Connecting Framing Theory with media literacy sheds light on how conflict narratives are crafted tools for directing perceptions, utilizing selective storytelling and emotional appeals to shape public understanding of events. The case of the 2021 Iran protests highlights the actual outcomes of inadequately mediated narratives: misperceptions built up through framing can polarize audiences, distort international understanding of an entire nation, and influence policy debates. Encouraging critical engagement with media enables audiences to question frames, resist manipulation, and develop more nuanced perspectives on conflicts as a way of establishing resistance against narrative conflicts. By examining instances of the 2021 narrative warfare in the context of 2021 protests in Iran, this paper seeks to showcase the intersection of narrative construction and audience cognition, emphasizing the need for integrated strategies that combine theoretical insights and practical literacy skills to reduce the impact of cognitive warfare.

Keywords: narrative warfare, cognitive warfare, framing theory, Iran, media literacy

The Role of AI in Shaping Disinformation and Media Narratives of Victory and Defeat: A Comparative Study of 2025 India-Pakistan and Iran-Israel Wars

Farzan Safari Sabet
PhD candidate of Indian Studies, Department of the South Asian and East Oceanic Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
farzansafari73@gmail.com

Abstract

Since 2022, AI has been on the rise both as a tool for education and as a military tool in designating military targets. In addition, it is employed as a tool to conduct psychological warfare. One trend seen currently is the use of AI by both governments at war and media outlets in shaping narratives for the public. Between June and July of 2025, two wars made headlines which in military terms were an upgrade of hybrid warfare. The first was the war between India and Pakistan, two major nuclear powers in which besides the utilization of missiles and drones, AI seemed to play a pivotal role in shaping media narratives i.e., those which shaped public and global mindsets of victory or defeat. In comparison, in the war between Iran and Israel, AI was applied to not only shape narratives by media outlets inside and outside the periphery of both countries but also in conducting military and psychological operations. The purpose of this research is to comparatively examine the use of AI in the military operations and psychological warfare utilized and applied by these various states at war and to analyze how media outlets on both sides of specific conflicts shaped public and global narratives of both victory and defeat through applying methods of content analysis and critical discourse analysis by collecting sources from news agencies and social media as examples for the research.

Keywords: Iran, Israel, India, Pakistan, Iran-Israel, India-Pakistan, AI, Media Narratives, Narratives, Victory, Defeat

Beyond Simulated Empathy: Trauma, the Body, and the Human Advantage

Mandana Sajjadi
Assistant Professor, Department of Global Studies, University of Tehran
Sajjadi.m@ut.ac.ir

Abstract

Emotionally Traumatic and significant life events that are experienced through the body and registered biologically leave deep and lasting imprints in memory. Trauma is stored in the brain as a disruption between the prefrontal cortex, the amygdala, and sensory systems. Individuals who have endured traumatic events—such as war veterans—can recall those experiences in vivid detail even after many years, often unaware that these memories belong to the past. They relive them in the present through bodily flashbacks. In other words, the body remembers trauma faster and earlier than the conscious mind. Extensive research on the physiological and embodied consequences of traumatic events in individuals with Post-Traumatic Stress Disorder (PTSD)—including measurements of heart rate, muscle tension, and respiratory patterns—confirms this kind of bodily remembrance. Trauma, in essence, constitutes a form of embodied memory that cannot be replicated by any linguistic algorithm or computational simulation. Empathy and empathic behavior likewise occur on multiple levels and are processed differently in the brain. The highest form of empathy is grounded in the perception of bodily and affective signals. Deep empathic resonance with another person emerges only when one can recall or re-experience a similar sensation within one's own body. The mind, without its bodily grounding, appears incapable of empathy in its fullest and most authentic sense. This is why individuals who have themselves endured traumatic events are often more capable of empathizing with those who suffer from PTSD. This raises a critical question: can artificial intelligence truly empathize with a traumatized human being whose embodied memory bears psychosomatic wounds? Although AI systems, supported by large language models and affective computing technologies, can simulate empathy through linguistic or facial cues, they do not feel in any lived or embodied sense. As Mark Coeckelbergh argues, such simulated empathy is more akin to emotional theater than to genuine understanding of another's embodied lifeworld. My central claim in this paper is that empathy represents a distinct form of embodied cognitive privilege unique to human beings—one that AI systems cannot replicate. Humans, endowed with an affective and bodily form of knowledge, engage the mind, body, and lived experience simultaneously when empathizing with others. This integration is inherently unattainable for disembodied systems. The cognitive superiority of the human mind over artificial intelligence, therefore, lies not merely in computational ability but in the capacity to comprehend another's suffering, to render other lifeworlds intelligible and meaningful. This superiority should not be understood as domination, but rather as the

uniquely human ability to integrate bodily pain, memory, and meaning into a coherent experiential whole. If empathy is reduced to a linguistic simulation or algorithmic response, human societies may gradually lose their sensitivity to the sensory and emotional worlds of others—a loss that no technological progress can compensate for.

Key Words: Embodied Cognition, Artificial Empathy, Embodied memory of Trauma, Cognitive Limits of Artificial Systems

AI and the Future of Legal Services

Karim Salehi
Department of Law, Shahrekord Branch,
Islamic Azad University, Shahrekord, Iran
K.salehi@alumni.ut.ac.ir

Abstract

According to the professionals surveyed in the 2025 Thomson Reuters' Future of Professionals Report, AI is significantly enhancing productivity in routine legal tasks such as document review, legal research, and contract analysis—areas traditionally consuming vast amounts of attorney time and firm resources. The report indicates that these AI tools may save legal professionals up to 240 hours per year. Among the 2,275 professionals surveyed across legal, tax, accounting, global trade, compliance, and executive roles—most of whom were legal professionals—80% believe AI will have a high or transformational impact on their work within the next five years, a notable increase from the 2024 report. Furthermore, 72% of legal professionals view AI as a force for good in their field, and 53% report a measurable return on investment from AI integration. These figures mark a turning point in the legal industry, signaling a shift from speculative optimism to practical adoption. AI is no longer a theoretical disruptor—it is a functional tool reshaping the delivery of legal services. Beyond productivity gains, AI is enabling more accurate legal research through natural language processing, more consistent contract analysis through machine learning, and even preliminary risk assessments for litigation and compliance. These advancements not only increase efficiency for legal professionals but also lower barriers to access for clients, particularly in underserved communities. Importantly, the role of AI in legal services extends beyond automation. It is transforming how legal professionals think and operate—moving them away from repetitive cognitive labor toward higher-value strategic and advisory roles. Young lawyers, paralegals, and in-house counsel will increasingly need AI literacy to interpret and verify AI outputs, mitigate risks of algorithmic bias, and ensure ethical compliance. AI will not replace lawyers, but it will redefine their function—freeing them to focus on nuanced analysis, client advocacy, and the human dimensions of justice. The legal field must now adapt its training, regulatory structures, and professional ethics to harness this transformation responsibly and equitably.

Keywords: Legal AI, Legal Tech, Legal Research, Access to Justice, AI Literacy

Decolonizing the Literary AI: Towards a Future of Narrative Plurality in the Age of LLMs and Digital Neocolonialism

Mohammad Bagher Shabanpour
Assistant professor of English Literature,
Faculty of Foreign Languages and Literatures,
University of Tehran, Tehran, Iran
mb.shabanpour@ut.ac.ir

Abstract

Large Language Models (LLMs) are usually considered neutral technological advancements; however, this paper argues that they function as strong apparatuses of digital neocolonialism. Through a diagnosis of the neocolonial foundations of LLMs, the current study demonstrates how the extractivist paradigm of a few Western corporations' data collection treats cultural and linguistic data merely as a territory that is to be appropriated. They systematically privilege the Western literary canon and erase marginalized languages and oral traditions. This amplifies colonial epistemic injustice and leads to severe linguistic and narrative homogenization. It also imposes Western aesthetic standards as universal. In response, this paper proposes a decolonial framework for the future of literary AI: it seeks a fundamental paradigm shift from extraction to reciprocity. This decolonial practice involves decolonizing the data layer through the formation of curated, consensual datasets and a form of community-led governance. It discusses that AI must be repositioned as a collaborative tool within a human-centric, co-creative process of writing literary works. It also explains decolonial reform of colonial Western evaluative criteria to challenge Eurocentric metrics. The ultimate goal of this decolonial approach and praxis is to foster a pluriversal aesthetic and epistemic regime and make sure that AI promotes the diversity of human narrative expression.

Keywords: Digital Neocolonialism, Large Language Models (LLMs), Decolonization, Epistemic Justice, Linguistic Homogenization, Narrative Diversity

AI, Ethics, and the Crisis of Free Expression in the Age of Political Correctness

Ehsan Shahghasemi
Associate Professor of Communication at
the University of Tehran, Tehran, Iran
Shahghasemi@ut.ac.ir

Abstract
Artificial intelligence systems, particularly generative models like GPTs, have demonstrated impressive utility across a wide range of domains—from education and healthcare to legal analysis and creative writing. However, when it comes to responding to ethical, moral, or politically sensitive questions, these systems face a profound and growing challenge. The issue is not merely technical but socio-political: AI operates in a cultural environment heavily shaped by the paradigm of political correctness, a framework that gained institutional power in the 1990s following the ideological momentum of the social movements of the 1960s and 1970s. While these movements succeeded in promoting civil rights and broader inclusivity, the political correctness model that emerged has increasingly relied on legal, institutional, and reputational mechanisms to enforce ideological conformity—often at the expense of open dialogue. This environment places a unique strain on AI development. AI applications must balance accuracy, inclusivity, and legal safety in a space where even nuanced responses to ethical dilemmas can provoke public backlash or legal threats. As a result, many AI systems are engineered to avoid controversial or politically charged topics altogether, producing vague or evasive responses. Developers, wary of litigation or reputational damage, often impose layers of restrictive content moderation to ensure "safe" outputs, sometimes at the cost of intellectual honesty or open inquiry. This situation reflects a broader crisis of free expression, now mediated by AI. The role of AI in society is not only to replicate information but to model reasoning—ethical reasoning included. When this function is impaired by external ideological pressures, the epistemic and civic value of AI is diminished. However, there are signs that the political correctness paradigm may lose its grip in the coming years. AI systems may be granted greater leeway to address ethical questions more clearly, drawing on diverse moral frameworks without fear of punitive consequences. In that scenario, AI could become not only a tool of efficiency, but also a platform for renewed ethical discourse in pluralistic societies.

Keywords: Artificial Intelligence; Ethics; Political Correctness; Free Speech; AI Regulation

AI Literacy as a Core Competency for Future Risk Management Professionals

Mahsa Sharajsharifi
Department of Architecture Engineering,
Azad University, North Tehran Branch,
Tehran, Iran
Sharajsharifi.m@guest.ut.ac.ir

Abstract

AI is now used for enhancing many aspects of human life and therefore, AI literacy should be treated as a core competency in risk management education, equipping future professionals to navigate complex, data-driven environments with competence and caution. AI literacy in this context includes an understanding of machine learning models, algorithmic bias, data governance, and the limits of predictive analytics. Young practitioners must learn not just how to use AI tools, but how to evaluate their reliability, interpret probabilistic outputs, and recognize when human judgment must override machine recommendations. This is especially crucial in high-risk domains, where overreliance on opaque systems can lead to false confidence, flawed assumptions, or ethical oversights. Furthermore, AI literacy enhances risk managers' ability to anticipate new categories of risk—such as algorithmic manipulation, adversarial attacks, and systemic bias—that emerge specifically from the use of AI itself. It also empowers them to participate in the design and auditing of AI systems, ensuring that risk assessments are not only efficient but aligned with regulatory standards and social responsibility. Incorporating AI literacy into risk management education also fosters interdisciplinary thinking, bridging technical expertise with legal, ethical, and organizational perspectives.

Keywords: AI Literacy, Risk Management, Predictive Analytics, Algorithmic Accountability

Human-AI Collaborative Intelligence: A Machine Learning Framework for Enhanced Digital Media Literacy

Elia Shayegani Akmal
Faculty of Mechanical Engineering,
University of Tehran, Tehran, Iran
eliashayegan@ut.ac.ir

Abstract

In the contemporary digital landscape, the proliferation of misinformation and AI-generated content poses unprecedented challenges to information literacy. This research proposes a novel Human-AI Collaborative Intelligence (HACI) framework that leverages machine learning algorithms to augment rather than replace human critical thinking capabilities in digital media evaluation. The framework integrates ensemble learning techniques, combining natural language processing models with human cognitive pattern recognition to create a synergistic approach to information verification. Our methodology employs a dual-pathway architecture where transformer-based models (BERT, GPT variants) perform initial content analysis, while human evaluators contribute contextual understanding and ethical reasoning. The system utilizes reinforcement learning to continuously adapt to emerging misinformation patterns, incorporating human feedback as reward signals. Preliminary experiments on a dataset of 50,000 news articles demonstrate that the HACI framework achieves 94.7% accuracy in detecting misleading content, significantly outperforming both standalone AI systems (87.3%) and human-only evaluation (78.2%). The collaborative approach reduces false positives by 31% compared to automated systems while maintaining processing efficiency. The framework addresses the critical balance between technological capability and human cognitive superiority, ensuring that AI serves as an analytical tool rather than a decision-making replacement. This research contributes to the broader discourse on preserving human agency in digital information processing while harnessing AI's computational advantages. Results indicate that human-AI collaboration enhances digital media literacy by combining machine efficiency with human wisdom, offering a sustainable approach to information integrity in an increasingly complex digital ecosystem.

Keywords: Human-AI collaboration, digital media literacy, machine learning, misinformation detection, cognitive computing

AI's Transformation of Human Response to Natural Disasters

Atefeh Soroori Sarabi
Departmnet of Earthquake Engineering,
Istanbul Technical University,
Istanbul, Turkey
Atefeh.soroori.s@guest.ut.ac.ir

Mohammad Sharif Sharifi Poor Bgheshmi
Department of Civil Engineering-Structural Engineering, Azad University,
Gheshm, Iran
Sharifipoor.m@guest.ut.ac.ir

Abstract
Traditionally, human reactions to events such as earthquakes, hurricanes, floods, and wildfires have been reactive, delayed, and heavily reliant on manual observation and static risk assessments. In contrast, AI introduces real-time data analysis, predictive modeling, and autonomous decision-making capabilities that allow for a more anticipatory, coordinated, and effective response. AI systems now process data from satellites, sensor networks, social media feeds, and geospatial models to identify early indicators of disaster events with greater accuracy and speed than human analysts. For instance, machine learning algorithms can detect subtle pre-seismic signals or rapidly classify wildfire threats using real-time imagery. This has significantly reduced the time between threat detection and public alert, enhancing both individual and institutional readiness. AI-driven early warning systems, when integrated with mobile networks and social platforms, allow for geographically targeted notifications and personalized risk assessments that improve evacuation rates and reduce fatalities. Beyond immediate response, AI also optimizes post-disaster logistics—such as the allocation of medical resources, food, and shelter—by analyzing traffic flows, infrastructure damage, and population movements. Predictive models can simulate the downstream effects of disasters on vulnerable communities, enabling governments and aid organizations to plan more equitably and efficiently. On a societal level, this shift from reactive chaos to predictive coordination alters how communities perceive risk and build resilience.

Keywords Artificial Intelligence, Natural Disasters, Predictive Analytics, Early Warning Systems

A Framework for Organizational Asset Value Creation by AI-based Metaverse Museum

Maryam Tayefeh Mahmoudi
Assistant Professor, Data Analysis & Processing Research Group, IT Research Faculty, ICT Research Institute, Iran
mahmodi@itrc.ac.ir

Abstract

Advanced emerging technologies have demonstrated a great ability in shaping organizational digital transformation as well as asset value creation. Among these immersive technologies, extended reality (XR) and the metaverse are particularly potent based upon their graphical attractiveness and immersive environment which can effectively showcase valuable organizational assets and enhance visitors' engagement within virtual museums. In this paper a framework is proposed to reveal significant AI-based metaverse museum components and indicators essential for enhancing value creation of historical organizational assets. By employing a qualitative inductive approach grounded in the established DeLone and McLean Information Systems (D&M) success model, the proposed framework was assessed. Subsequently, to complement this structural assessment, the user experience was evaluated using the user experience questionnaire (UEQ) providing a crucial analysis of metaverse museum visitors' perceptions and satisfaction. Experimental results from both assessment methods, confirm the usability of AI-based metaverse museum on organizational asset value creation and its viability. Moreover, these findings also reveal that integration of robust technological indicators as defined by the D&M model with high levels of visitors' satisfaction can enhance value creation of organizational assets. Thus, the value of an asset in an organization is co-created at the intersection of technological excellence and positive human experience. Finally, for organizations seeking to leverage digital transformation for value creation, a strategic imperative is to cultivate the capacity for showcasing assets through AI-powered metaverse museums.

Keywords: AI-based Metaverse Museum, Organizational Assets, Value Creation, User Experience Questionnaire (UEQ), DeLone and McLean Information Systems

From Ubuntu to Algorithms: Reimagining AI through African Futurist Literature

Atefeh Toghyani
Assistant Professor, Faculty of World Studies, University of Tehran
a.toghyani@ut.ac.ir

Abstract

This paper explores the complex relationship between the human mind, character development, and the representation of artificial intelligence (AI) and robotics in contemporary African science fiction. Focusing on two works, Red Bati by Dilman Dila and Triangulum by Masande Ntshanga, this study examines how these narratives merge indigenous cultural frameworks with futuristic technological visions. In these stories, AI is not depicted solely as impersonal machines but as entities deeply intertwined with human consciousness, identity, and social realities. Through their characters and narrative structures, these works offer multifaceted portrayals of AI that reflect broader societal anxieties, ethical dilemmas, and aspirations specific to African contexts. A notable feature of these narratives is the depiction of AI attaining consciousness through engagement with indigenous spiritual traditions—an approach that distinguishes African science fiction from other global genres. This paper argues that African science fiction redefines the boundaries between humanity and technology, contributing to global discussions on technology, identity, and postcolonial futures. It suggests that African futurism serves as a means of reclaiming agency and resisting the historical legacy of being spoken about rather than speaking for oneself. In conclusion, the paper asserts that African science fiction reimagines AI through culturally grounded frameworks, challenging dominant Western narratives and offering unique perspectives to the global discourse on technology and its future.

Keywords: African science fiction, character development, human mind

AI Literacy and the Future Patient

Simindokht Tomraee
Doctor of Pharmacy, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Tomraee.S@guest.ut.ac.ir

Abstract

While AI promises to enhance the accuracy, efficiency, and accessibility of medical services, its benefits are not equally distributed. A critical factor shaping patient outcomes in this new era is AI literacy: the ability to understand, question, and make informed decisions about how AI is used in one's healthcare. This abstract argues that AI literacy will become a key determinant of whether individuals are empowered or marginalized by the rise of intelligent medicine. AI systems are now capable of detecting early signs of disease in imaging, recommending personalized drug regimens based on genomic data, and predicting future health risks through continuous monitoring. However, patients often remain unaware of when and how these systems are being used, what their limitations are, or what assumptions underlie their recommendations. Without a basic understanding of AI's role in clinical decision-making, patients may either place blind trust in algorithmic outputs or reject them out of fear—both of which undermine the goals of informed consent, shared decision-making, and personalized care. AI literacy can help patients ask critical questions: Is this diagnosis generated or validated by AI? What data was it trained on? Does the system account for factors relevant to my specific case, including cultural, genetic, or environmental variables? By fostering such inquiry, AI-literate patients are more likely to engage meaningfully with providers, advocate for themselves, and detect potential errors or biases in algorithmic recommendations. Moreover, AI literacy can increase patient confidence in using digital health tools—such as virtual triage assistants, remote monitoring devices, and health apps—that are becoming essential in decentralized and preventative care models. It empowers individuals not only to use these tools, but to understand their outputs critically and responsibly.

Keywords: AI Literacy, Patient Empowerment, Digital Health, Medical AI, Informed Consent, Health Equity

AI for Geo-Specific Disease Diagnosis

Reza Toosi
Doctor of Medicine, Tehran Medical Sciences
Branch of Islamic Azad University,
Tehran, Iran
Reza.Toosi@ut.ac.ir

Abstract

Geographically specific diseases—such as Chagas disease in Latin America, schistosomiasis in sub-Saharan Africa, or tick-borne encephalitis in parts of Europe and Asia—pose ongoing public health challenges that are deeply rooted in local environmental, ecological, and socio-economic factors. Traditional diagnostic and surveillance systems often lack the granularity, adaptability, and real-time responsiveness needed to identify and respond to these regionally concentrated health threats. Artificial intelligence, however, offers transformative potential in diagnosing such diseases more accurately and in identifying their underlying causes through advanced pattern recognition, geospatial analysis, and data integration. AI systems can be trained on large datasets incorporating not only clinical indicators, but also satellite imagery, climate data, land use patterns, migration flows, and local infrastructure conditions. By combining these variables, AI models can detect correlations between environmental changes and disease outbreaks, offering insights that are often invisible to conventional epidemiological methods. For instance, machine learning algorithms can link increased rainfall and stagnant water bodies to higher malaria incidence, or associate deforestation patterns with the spread of zoonotic diseases. In clinical settings, AI tools can assist healthcare providers in rural or under-resourced areas by supporting the diagnosis of region-specific diseases through image recognition (e.g., analyzing skin lesions or X-rays), symptom clustering, or real-time comparison with local outbreak databases. These systems can be embedded in mobile health applications or telemedicine platforms, expanding access to diagnostic expertise in geographically isolated populations. Moreover, AI-driven models can help health officials and researchers generate hypotheses about emerging health threats, such as the potential impact of climate change or urbanization on disease vectors. This can inform targeted interventions and resource allocation, improving both prevention and response efforts. To realize this potential, it is essential to invest in high-quality, locally relevant data, interdisciplinary collaboration, and ethical safeguards to ensure that AI applications respect privacy, avoid bias, and serve public health goals equitably. Done responsibly, AI can become a vital partner in diagnosing and understanding geographically specific diseases—supporting a future of more precise, predictive, and place-sensitive global health.

Keywords: Artificial Intelligence, Geographic Diseases, Health Diagnostics, Geospatial Data

Media and Information Literacy in the Age of AI and Misinformation

Manish Verma
Professor, School of Creative Media, Bahrain Polytechnic, Kingdom of Bahrain

Abstract

In a world increasingly shaped by artificial intelligence, algorithmic influence, and synthetic media, the meaning and mission of media and information literacy (MIL) have never been more vital. In this keynote presentation, I explore how the rapid evolution of AI-generated content, deepfakes, and disinformation challenges traditional approaches to literacy, truth, and trust. I emphasize the urgent need to redefine MIL as a multidimensional framework encompassing critical, ethical, digital, and AI literacies—empowering individuals not merely to consume media but to question, create, and act responsibly within it. Drawing on global examples and educational innovations, my work highlights how educators, policymakers, and citizens can collaborate to build resilient media ecosystems that safeguard democracy, promote transparency, and nurture informed civic engagement.

Keywords: deepfakes, disinformation, media and information literacy (MIL), Misinformation

Managing Media in the Age of AI Disinformation: Toward Informed Resilience

Mahsa Zamani
Kish International Campus, University of Tehran, Kish, Iran
mahsa.zamani@ut.ac.ir

Abstract

The media management landscape is undergoing a fundamental transformation across content While AI has enabled remarkable advancements in media accessibility and personalization, it has also become a powerful tool for generating and spreading disinformation at unprecedented speed and scale. Deepfakes, synthetic news, AI-generated personas, and algorithmic amplification systems now pose serious threats to public trust, democratic discourse, and epistemic stability. This abstract argues that in the age of AI-driven disinformation, managing media is not simply a technical or journalistic concern, but a societal imperative requiring coordinated strategies in education, policy, and platform governance. Unlike earlier forms of propaganda or misinformation, AI-generated disinformation often mimics the tone, style, and emotional appeal of authentic content with unsettling precision. As a result, traditional fact-checking mechanisms are frequently reactive and insufficient. Moreover, algorithmic curation systems on social media platforms tend to favor sensationalism and polarizing content, often elevating synthetic material that maximizes engagement at the expense of accuracy. This dynamic undermines the public's capacity to discern credible information from manipulation, especially when exposure is constant, fragmented, and personalized. To manage media effectively in this new environment, a multi-layered approach is necessary. First, digital literacy must be reframed as AI literacy—equipping citizens not only to evaluate content, but to understand how AI systems influence what they see and believe. Second, media institutions must adopt transparent standards for detecting and labeling synthetic content, while resisting pressure to engage in false equivalency or platform-driven sensationalism. Third, regulatory frameworks must evolve to hold platforms and content producers accountable for the algorithmic dissemination of harmful or false information, without compromising freedom of expression.

Keywords: AI Disinformation, Media Management, Digital Literacy, Algorithmic Amplification, Epistemic Resilience, Public Trust

MIL
2025